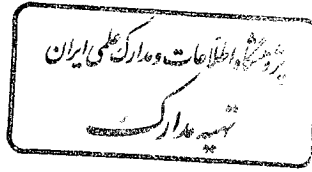
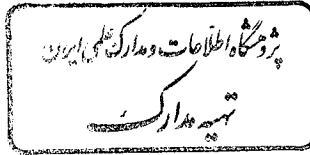


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



زبان مخفی چیست؟

زبان مخفی چیست؟



لویی ژان کالوه

مترجم: شهر روز پزشکی

ویراستار: سید مهدی سمائی



وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران

شماره ثبت: 43729

تاریخ: ۱۳۸۸ / ۳ / ۵

سرشناسه

عنوان و پدیدآور

Colvet, louis - jean

زبان مخفی چیست؟ / لویی ژان کالوه؛ مترجم شهروز پزشکی؛ ویراستار مهدی سمائی.

مشخصات نشر: تهران: پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران، ۱۳۸۸.

مشخصات ظاهری

شماره ثبت: ۹۷۸۹۶۴۷۵۱۹۵۹۵

وضعیت فهرستویی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: Largot

یادداشت: واژه نامه.

یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۳۶ - ۱۳۸.

موضوع: زبان فرانسه - اصطلاح های عوامانه.

شناسه افزوده

شناسه افزوده: پزشکی، شهروز، مترجم.

شناسه افزوده: سمائی، مهدی، ۱۳۳۸ - ، ویراستار.

شناسه افزوده: پژوهشگاه اطلاعات و مدارک علمی ایران.

رده بندی کنگره

۱۳۸۶: ۳۲۳/۱۰۷۳۱۱

رده بندی دیویی

۴۴۷/۰۹

شماره کتابخانه ملی

۱۱۶۹۶۷۲



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

تلفن مرکز پخش: ۸۸۹۹۶۸۰ - ۸۸۹۳۷۹۸

تهران - صندوق پستی ۱۳۷۱ - ۱۳۱۸۵

www.irandoc.ac.ir

زبان مخفی چیست؟

لویی ژان کالوه

شهروز پزشکی

ویراستار: سیدمهدی سمائی

طرح جلد و نظارت چاپ: سعید زراعتی

صفحه آرای: علیرضا کیودان

نوبت چاپ: اول - ۱۳۸۸

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

ISBN 978-964-7519-59-5

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۷۵۱۹-۵۹-۵

بها: ۲۵۰۰ تومان



فهرست مطالب

۹	مقدمه
۱۹	فصل اول. تاریخ زبان مخفی در زبان فرانسه
۲۰	۱- نخستین آثار زبان مخفی فرانسوی
۲۲	۲- دارودسته صدفیون
۲۴	۳- اصطلاحات اصلاح شده زبان مخفی
۲۷	۴- تاثیر کارتوش
۳۰	۵- آتش افروزان
۳۲	۶- ویدوک
۳۵	۷- زبان مخفی معاصر
۳۹	فصل دوم. فرایندهای معنایی واژه‌سازی زبان مخفی
۳۹	۱- رده‌شناسی‌های سنی
۴۱	۲- چارچوب معنایی
۴۸	۳- آیا ساختار معنایی جهان شمول نیز وجود دارد؟
۵۰	۴- دامنه‌های زبان مخفی
۵۷	۵- تصاویر زبان مخفی
۶۱	فصل سوم. فرایندهای صوری واژه‌سازی زبان مخفی
۶۱	۱- تلخیص و وند افزایی
۶۴	۲- لارگونزی و لوشبم
۶۶	۳- ورلان
۶۸	۱) واژگان تک‌هجایی
۶۸	۲) واژگان دو‌هجایی
۶۹	۳) واژگان سه‌هجایی
۷۱	۴. چند زبان مخفی با قاعده آفریقایی
۷۲	۵. rhyming slang ریمینگ اسلنگ

فصل چهارم. ارتباط زبان مخفی با زبان رایج..... ۷۷

۱- یک نظام فرعی واژگانی..... ۷۸

۲- زبان مخفی منبعی برای واژگان..... ۸۱

۳- ارتباط با نوشتار..... ۸۴

۴- نحو زبان مخفی..... ۸۷

۵- رنگ‌های زبان مخفی..... ۸۹

الف. صورت آوایی..... ۹۰

ب. پسوندهای زبان مخفی..... ۹۲

۶- از نقش رمزآمیز تا نقش نمادین..... ۹۵

فصل پنجم. زبان مخفی و ادبیات..... ۹۹

۱- فرانسوا ویون..... ۱۰۰

۲- ویکتور هوگو..... ۱۰۲

۳- سلین..... ۱۰۹

۴- الفونس بودار..... ۱۱۱

۵- سان آنتونیو..... ۱۱۵

فصل ششم. نتیجه‌گیری..... ۱۱۹

کتابشناسی..... ۱۲۵

واژه‌نامه..... ۱۲۷

زبان مخفی یا آرگو چیست؟ در زبان فرانسوی نخستین واژه‌هایی که برای تعاریف عبارت argot شناخته شده‌اند واژه‌های jargon به معنای لو تر یا زبان خاص و jobelin هستند که هر دو به قرن پانزدهم میلادی مربوط می‌شوند.

واژه نخست یعنی jargon ریشه‌ای نام آوایی از واژه garg دارد که معنای آن حنجره است معنای این واژه در قرن دوازدهم میلادی «چهچه زدن و وراجی کردن» بوده است. واژه دوم یعنی jobelin به واژه jobe باز می‌گردد که در قرن پانزدهم به معنای هالو و ابله بوده است (به فردی به نام job اشاره می‌شود که مورد تمسخر قرار می‌گرفته است). به احتمال زیاد همین واژه به کلمه معاصر jobard یعنی ساده‌لوح و هالو انجامیده است. فردی به نام سنه‌آن با توجه به ریشه کلمه jobard، آن را زبان Job ها یا مدعیان آنها تعریف کرده است. به عبارتی دیگر زبان همه کسانی که خود را به خیریت می‌زنند تا بهتر افراد ساده‌لوح را فریب دهند. با پذیرفتن این فرضیه می‌توان به کلمه bigorne اشاره کرد که در قرن هفدهم هم به معنای ابله بود و هم به معنای زبان مخفی. اصطلاح فرانسوی rouscailler به مفهوم صحبت کردن به زبان jargon بوده است. اما این عبارت مدت زمان زیادی رایج نشد و خیلی زود واژه argot جایگزین آن شد. زبان آرگو همچنین «زبان سبز» نامیده می‌شود. (این اصطلاح در سال ۱۸۵۲ رایج شد) که دو بار معنایی متفاوت دارد. نخستین بار معنایی به زبان رایج در بازی قمار مربوط می‌شود (که به tapis vert فرش سبز قماربازی اشاره دارد) و دیگری زمختی و ناهنجاری را مطرح می‌کند. (برای مثال قید

vertement برگرفته از واژه vert یعنی سبز است که در اصطلاح «تندی کردن، پرخاش کردن» به کار رفته است؛ پس اینجا «زبان سبز» هم به معنای زبان افراد متقلب است و هم به معنای زبان خشن.

در زبان‌های دیگر این واژه چگونه ترجمه می‌شود؟ البته همه زبان‌های جهان مدنظر نیست و فقط سعی در اثبات این نکته است که چگونه برخی زبان‌ها این صورت زبانی را نامیده‌اند. زبان اسپانیایی واژه argot را به همین صورت از زبان فرانسوی وام گرفته است (البته تلفظ آن در اسپانیایی تغییر می‌کند) زبان ایتالیایی نیز واژه jargon فرانسوی را به gergo تبدیل کرده است که معنای آن هیچ تغییری نیافته است. در زبان انگلیسی واژه slang از فعل to sling مشتق شده است که معنای کلی آن «انداختن» است اما اصطلاح to sling the slang به معنی تکلم به زبان مخفی است. همچنین در این زبان فعل to sling معنی «بد و بیراه گفتن و گوش‌مالی دادن» وجود دارد. صورت آن ریشه اسکاندیناوی دارد. در زبان نروژی sleng و سوئدی slinga معنای «بیچاندن» دارد.

در زبان آلمانی واژه Rotwelsch مرکب از صفت «قرمز» و کلمه‌ای است که معنی رمان‌های (فرانسوی ایتالیایی) و به طور کلی خارجی را می‌دهد. در فرهنگ‌های زبان این واژه معمولاً Gaunersprache یعنی زبان کلاهبرداران یا Sprache der Gauber und Bettler «زبان کلاهبرداران و متکدیان» ترجمه است که این اصطلاح هم جایگاه اجتماعی زبان Rotwelsch را نشان می‌دهد و هم بار معنایی صفت welsch را. به گفته برخی صاحب‌نظران rot اینجا به معنای rothaarig یعنی فرد «موحنایی» است بنابراین عبارت Rotwelsch معنای «غریبه کله‌هویجی» می‌دهد که این شخص نمونه بارز کلاهبردار است.

در زبان چینی واژه‌های مربوط به زبان مخفی li yu و li yan هستند که هر دو معنی تحقیرآمیز دارند. صفت li به معنای بی‌فرهنگ و جلف و رکیک است و yu معنای زبان می‌دهد و yan به معنای گفتار است. بنابراین در زبان چینی اصطلاحات مربوط به زبان مخفی مفهومی بسیار تحقیرآمیز دارد.

در زبان فرانسوی واژه jargon تا قرن هفدهم معنی زبان گدایان را می‌داد و در آن تاریخ واژه argot پدید آمد که ابتدا به مفهوم صنف گدایان بود و سپس زبان خاص آنان را در بر گرفت. (یک argotier در وهله اول گدا و دزد است.) این دو عبارت jargon و argot مترادفند و فقط در زبان فرانسوی واژه دوم جایگزین واژه نخست شده است. اما jargon از بین نرفت و در زبان فرانسوی معاصر همین صورت حفظ شده و در زبان زبان مخفی به شکل jars در آمده است. اصطلاح entraver le jars در زبان مخفی فرانسوی امروزه معنای فهمیدن زبان آرگو را می‌دهد.

بنابراین دو عبارت jargon و argot در مقطعی خاص هم معنی بوده و امروز تخصصی شده‌اند. در فرهنگ روبیر «آرگو» زبان تبهکاران تعریف شده است در حالی که jargon یا «زبانی نامفهوم» است یا «زبان خاص یک گروه که پیچیدگی‌هایی دارد و در آن واژه‌ها یا تکلف پیدا می‌کنند یا به شکل‌هایی خاص در می‌آیند.» اما این تمایز اصلاً جنبه علمی ندارد و معنی‌هایی که این فرهنگ به واژه‌ها می‌دهد به همین سادگی از یکدیگر تمیز داده نمی‌شوند. امروزه نمی‌توان تصور کرد همه افرادی که به زبان مخفی تکلم می‌کنند تبهکارند، در حالی که واژه jargon معنایی تحقیرآمیز و خوارکننده پیدا کرده است. در زبان فرانسوی همیشه دیگری به jargon سخن می‌گوید و کاربرد jargon یا زبان نامفهوم روان‌کاوان یا جامعه‌شناسان همیشه نشانگر نوعی خود بزرگ‌بینی روشنفکرانه است که هرگونه کلام سخنورانه را هر چند بسیار ساده و پیش پا افتاده، نامفهوم و گنگ می‌سازد. بنابراین jargon و argot ارزش‌های معنایی وابسته به ایدئولوژی خاصی دارند و معنی ضمنی آنها ممکن است معنی واژگان علمی را از آنها بگیرد. در هر صورت نمی‌توان با زبان مبارزه کرد و واژه argot آن قدر در زبان رخنه کرده است که نمی‌توان به آسانی از آن گذشت. بنابراین در این جا به argot (که آن را در این کتاب زبان مخفی می‌نامیم) پرداخته می‌شود. اما مسئله اصلی همچنان باقی است: زبان مخفی چیست؟ ابتدا به صورت منفی به آن پاسخ می‌دهیم: نباید زبان مخفی را شکلی نفوذناپذیر و محدود و متفاوت از زبانی دانست که از آن نشأت گرفته است. مرزها مشخص نیست و نمی‌توان فقط

با اتکا به معیارهای زبان‌شناختی مرزها را ترسیم کرد و از بهانه‌ای زبان مخفی را ممکن است تبهکاران به کار ببرند و همان واژه ممکن است به علتی متفاوت از زبان وزیران شنیده شود. آرگو، دیگر آن زبان مخفی گذشته نیست بلکه یک نماد است و در حقیقت روشی برای قرار گرفتن در برابر عرف زبانی و در نتیجه جامعه به شمار می‌رود. بنابراین ابتدا به نقش‌های زبان مخفی می‌پردازیم و سپس کاربردهای اجتماعی‌اش را مطالعه می‌کنیم که موجب ایجاد آن و ادامه حیاتش شده است و سرانجام به صورت‌هایی می‌پردازیم که موجب ایجاد این نقش‌ها شده است.

۱- نقش رمزآمیز زبان مخفی

باید یادآوری کرد که یکی از نقش‌های مهم زبان‌ها ایجاد ارتباط است و هر چه ارتباط مشکل‌تر باشد (مثلاً هنگام صحبت با فردی خارجی) گویشور بیشتر به دنبال اشکال ساده‌تر و رایج‌تر می‌گردد. این دیدگاه موجب درک بهتر پیدایش صورت‌های میانجی می‌شود. این صورت‌های میانجی به منظور تسهیل ارتباط میان بیشترین افراد ایجاد می‌شود. به این ترتیب می‌توان کاربردهای مختلفی را به زبان نسبت داد که عبارتند از کاربرد اجتماعی یا بومی در برخی موارد و کاربرد میانجی در مواردی دیگر. به عنوان مثال زبان انگلیسی که دو نفر متولد آکسفورد و بوستون به آن تکلم می‌کنند وجه مشترکی با زبان انگلیسی که دو تاجر یکی آلمانی و دیگری ژاپنی یا گردشگر فرانسوی و هتلدار یونانی صحبت می‌کنند ندارد. اما این استنباط که «زبان ابزار ارتباط است» (هر چند از لحاظ علمی قابل اعتراض است) به افرادی مربوط می‌شود که در کنش‌های متقابل دخیل هستند و «گوش‌های شنوای دشمن» را نادیده می‌گیرند. هنگامی که با کسی صحبت می‌کنیم همیشه ممکن است آنچه را می‌گوییم گوش کنند یا بشنوند. این وضع گاهی منجر به بروز رفتارهایی می‌شود که در ارتباط تأثیر می‌گذارد. ممکن است برای دیگران صحبت کنیم و از اینکه در رستوران در میز کناری برخی‌ها به آن چه می‌گوییم توجه نشان می‌دهند ابراز رضایت می‌کنیم. اما گاهی نیز گویشوران اصلاً نمی‌خواهند گوش‌های نامحرم حرف آنان را بشنود. مثلاً

هنگامی که کسبه می‌خواهند جلوی مشتری چیزی به یکدیگر بگویند که طرف نفهمد (مانند نان بیات دیروز را به او بده) یا دزدانی که در حال تدارک یک سرقت هستند و نمی‌خواهند شخص ثالثی متوجه آن بشود. اینگونه موارد موجب رمزگذاری زبان (crypter) شده است. به عبارتی گرایشی برای محدود کردن ارتباط میان گروهی کوچک یا محفلی از آشنایان ایجاد شده است (... واژه *cryptique* از *kryptos* یونانی به معنای مخفی آمده است این ریشه در ترکیب واژگانی چون *cryptogramme* یعنی متنی که با حروف سری نوشته شده باشد و *cryptogénétique* به معنی «با اصلیتی ناشناس» به کار رفته است بنابراین زبان *cryptique* زبانی است که معنا را از افراد نامحرم مخفی می‌کند.)

رمزگذاری زبان صورت‌هایی را در زبان ایجاد می‌کند که معنی را مخفی کند و خواهیم دید که برای این کار راه‌های مختلفی وجود دارد. زبان مخفی‌ها (های جمع اینجا مهم است) موجب ایجاد صورت‌های زبانی برگرفته از زبان رایج شده‌اند که امکان ارتباط در گروهی محدود (گروه متشکل از افراد آشنا)، را فراهم می‌کنند. این زبان‌ها در حقیقت برآورده کردن نیاز زبان است. (مثلاً نیاز به محرمانه و حفظ اسرار و غیره). پس با توجه به این معنی باید زبان مخفی را در قالب گسترده‌تری یعنی در قالب «زبان‌های خاص» در نظر گرفت.

۲- زبان‌های خاص

میشل برنال در کتاب «جستار در معناشناسی» سال‌ها پیش نوشته بود واژه‌ها ممکن است بر اساس نوع گروه اجتماعی که آن را به کار می‌برد معناهای مختلف داشته باشد. برای نمونه واژه *opération* (عمل یا عملیات) برای ریاضی‌دان، نظامی جراح و کارشناس امور مالی معنی‌های مختلفی دارد. وان گنپ در این باره نوشته است: «درون هر زبان رایج به اندازه همه مشاغل و حرف و اقشار و به طور کلی جوامع کوچک درون کل جامعه، زبان‌های خاص وجود دارد.» از آن پس تمایز میان زبان رایج و زبان‌های خاص دیگر مطرح نشد در حالی که این تمایز برای مطالعه زبان مخفی چارچوب تئوری جالبی ایجاد می‌کند.

رابطه‌ای که وان گنپ میان زبان رایج/ زبان‌های خاص و همچنین میان کل جامعه/ جوامع کوچک ایجاد می‌کند در حقیقت اساس مطالعه‌ای اجتماعی درباره داده‌های زبانی محسوب می‌شود که ساختارگرایی آن را مدتها رد کرده بود. ساختارگرایی زبان را به خودی خود موضوع تحقیق می‌داند در حالی که برای درک روابط میان زبان و جامعه بهتر است پژوهش از گروه اجتماعی و یک گروه جمعی آغاز شود و جنبه‌ها زبانی‌شان مورد مطالعه قرار گیرد. جامعه زبانی را واحد اداره منابع زبانی می‌دانند که ما آن را بازی‌های صوری زبان می‌دانیم و هر یک نقشی برعهده دارند (منابع زبانی مجموع زبان‌های موجود و نهادهای استفاده کننده از آنها است). زبان‌های خاص و ژرگون‌ها زبان‌های مخفی نیستند بلکه «زبان حَرَف» هستند. پس همین معنی یعنی زبان حَرَف را باید برای ژرگون پذیرفت.

۳- زبان مخفی: سبک و نماد

همان طور که ممکن است صورت‌های زبانی به صورت‌های «عادی» و مورد پذیرش عام تبدیل شوند، واژگان زبان مخفی نیز ممکن است وارد زبان معاصر شود و همگان آن را درک کنند و فقط معنی عامیانه‌اش حفظ شود. بدین معنی که گاهی بعضی واژه‌های زبان مخفی را می‌فهمیم اما آنها را به کار نمی‌بریم یا فقط در شرایط خاص از آنها استفاده می‌کنیم. با وجود این، عامیانه بودن هم امروزه امری نسبی است. برخی افراد با دید تحقیر به آن نظر می‌اندازند و برخی دیگر مدافع پر و پا قرص آن هستند. از آنجا که زبان مخفی «نابهنجار» محسوب می‌شود، افرادی که مخالف هنجارها و اصولاً جامعه هستند، به زبان مخفی روی می‌آورند. هر چند زبان مخفی مثل گذشته زبان رمزآمیز نیست امروزه به نوعی پناه زبانی یا زبانی نمادین و زبان طرد شدگان و به طور کلی همه آنهایی که خود را متزوی می‌انگارند، تبدیل شده است و در عین حال با این ترفند زبانی، متفاوت بودن خود را به رخ می‌کشند.

۴- صورت‌های زبان مخفی - نمونه واژه clochard

همه نقش‌ها در قالب صورت تجلی پیدا می‌کنند. همان طور که اگر فردی زبان انگلیسی یا چینی صحبت کند متوجه آن می‌شویم به همان صورت نیز اگر کسی زبان مخفی صحبت کند به آن پی می‌بریم زیرا گوشمان صورت آوایی این زبان‌ها را شناسایی می‌کند.

اما صورت‌های زبان مخفی چیست؟

برای توضیح آن باید مثالی زد. واژه clochard فرانسوی به معنای بی‌خانمان خیابان‌گرد را انتخاب می‌کنیم. فعل «clocher» ریشه این کلمه است که واژه لاتین cloppiare که خودش شبیه واژه لاتین cloppus (به معنای لنگ) است، برگرفته شده است بنابراین فعل clocher معنای لنگیدن را می‌داد و کاربردی دوگانه داشت. به این ترتیب متوجه می‌شویم چرا این فعل ابتدا معنایی کمی متفاوت داشت (خراب بودن) و سپس ناپدید شد و فقط آثار اندکی از آن برجای ماند: "ça cloche" به معنی «اوضاع بر وفق مراد نیست» و عبارت‌های clopin-clopant (لنگان‌لنگان) و à cloche pied (لی‌لی کنان) و غیره از همان معنی مشتق شده‌اند.

بنابراین clochard نیز از فعل clocher گرفته شده است می‌توان به خوبی نحوه برداشت جامعه را از طردشدگان تصور کرد. امکان کاربرد واژه clocheur برای این افراد نیز وجود داشت (همان طور که از فعل marcher (راه رفتن) اسم فاعل marcheure و از فعل chanter (سرودن)، اسم چانتر خواننده گرفته شده است) اما پسوند /ard/ به این عبارت معنایی تحقیرآمیز می‌دهد (درست مثل واژه‌های اهانت‌آمیز connard (احمق)، jobard (هالو) و غیره که همان پسوند را دارند، پس از فرایند تلخیص، از این واژه کلمه cloche به دست می‌آید که هم به معنای ابله است و هم بی‌خانمان خیابان‌گرد و هم به طور کلی نحوه زندگی بی‌خانمان‌های ولگرد (être à la cloche) و سپس پسوند دیگری به آن افزوده می‌شود که واژه‌ای هم معنی را می‌آفریند: clodo و این واژه متغیرهای دیگری هم داشته است که عمرشان اغلب کوتاه بوده است برای مثال واژه‌های clodomir, clodouque,

clodoche و غیره و در نهایت در زبان ورلان (verlan) (رجوع شود به بخش سوم) clochard به charclo تبدیل شده است.

بنابراین اینجا چهار نوع واژه‌سازی به طور زنجیره وار در پی هم می‌آیند که عبارتند از:
- تصویری از فردی که می‌لنگد clochard یا cloche یعنی فردی که مطابق هنجارهای اجتماعی نیست.

- تلخیص‌سازی که در زبان عوام و زبان مخفی امری بسیار رایج است مثلاً professeur (معلم آموزگار و استاد) در زبان عوام prof گفته می‌شود یا clandestin (غیرقانونی، زیرزمینی) به clandesté تبدیل می‌شود.

- افزودن پسوندی با /o/ که در زبان مخفی امری بسیار رایج است (همان واژه clandesté بالا به clando تبدیل شده است).

این گونه واژه‌سازی‌ها که پیاپی آمده‌اند ممکن است به طور زنجیره وار نباشند یا ترتیبشان متفاوت باشد اما به خوبی برخی فرایندهای زبان مخفی را نشان می‌دهند که عبارتند از:

- استعاره یعنی هر کاری که با معنا بازی کند (که اغلب به نحوی مضحک این کار صورت می‌گیرد). افراد بی‌خانمان خیابان گرد به طور حتم همگی لنگ نیستند اما جامعه ممکن است برداشت کند آنان لنگ هستند. گاهی هم از تصویری که بدین طریق خلق شده بار دیگر استفاده می‌شود و موجب پیدایش ساختمان‌های معنایی می‌گردد. (رجوع شود به بخش دوم).

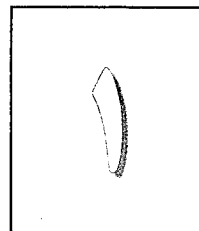
- تلخیص یعنی اصل صرفه‌جویی. این روش مختص زبان عامیانه است (با این روش واژه‌ها کوتاه‌تر می‌شود). از آنجا که این کار بیشتر اوقات صورت‌های قشنگی ایجاد نمی‌کند، پسوندی به واژه به دست آمده اضافه می‌شود.

- وند افزایی. پسوندها خاص زبان مخفی هستند به خصوص پسوندهای /o/ که به زبان عوام و زبان مخفی طینی خاص و نوعی رنگ مایه می‌دهد (رجوع شود به بخش چهارم).

— زبان مخفی با قاعده. یعنی واژگانی در زبان مخفی که کلمات را با قواعدی خاص تبدیل می‌کنند (رجوع شود به بخش سوم).

این فرایندها بخشی از طرح کتاب را به ما می‌دهد. پس از بخش مرتبط با تاریخچه زبان مخفی (بخش اول) به تصاویر و ساختمان‌های معنایی می‌پردازیم (بخش دوم) سپس تغییرات را از لحاظ صوری در مورد زبان مخفی با قاعده بررسی می‌کنیم (بخش سوم) در بخش چهارم روابط کلی میان زبان مخفی و زبان را ملاحظه می‌کنیم. در بخش پنجم و پایانی کاربردهای ادبی زبان مخفی و شبه مخفی را مرور می‌کنیم.

آنچه در این کتاب به آن پرداخته می‌شود این است که آرگو صورتی از زبان است و هر گاه گویشور دستور زبان خاص خود را دارد که طبق زبان موردنظر یعنی زبان رایج یا زبان عوام یا مخفی آن را برجسته می‌کند. البته ایجاد این زیرمجموعه‌ها بی‌معنا است و مراد از آن ایجاد فضایی برای تمایز قائل شدن میان زبان فرانسوی عامیانه و زبان مخفی و غیره است. بنابراین مسئله اصلی این است که چرا گویشور از میان مجموعه‌ای متغیر زبان مخفی را بر می‌گزیند (یعنی نقش‌های زبان مخفی را) و چگونه این نقش‌ها را در صورت زبانی جای می‌دهد و صورت این نقش‌ها چه خواهد بود (در آن صورت به فرایندها و «رنگ‌های» زبان مخفی پرداخته می‌شود).



تاریخ زبان مخفی در زبان فرانسه

«از نگاه همه کسانی که زبان را آن طور که باید مطالعه می‌کنند (مثل زمین‌شناسانی که زمین را مطالعه می‌کنند، لوتری آب‌رفتی واقعی می‌نماید. هر چه در پس و پی آن کندوکاو شود ممکن است درون لوتری، فرانسوی کهن مردمی و گویش پرووانسال و اسپانیایی و مقداری ایتالیایی و زبان‌های سواحل مدیترانه و غیره یافت شود.»

ویکتور هوگو

تلاش برای نگارش تاریخچه زبان مخفی کاری ضد و نقیض است زیرا فقط اسنادی مکتوب درباره این گویش صرفاً شفاهی در دست است. به همین علت اکثر فرهنگ‌های زبان مخفی مجموعه منابع ادبی خود را برجسته کرده‌اند. برای مثال در «فرهنگ زبان مخفی» نوشته ژان پل کولن و ژان پی‌یر مه‌ول آمده است که برای دستیابی به بیشترین گسترده‌ترین مجموعه ادبی زبان مخفی و عامیانه بیش از دویست نویسنده در تهیه فرهنگ شرکت کرده‌اند. در بخش کتاب‌شناسی «فرهنگ زبان نامتعارف فرانسوی»، ژاک سلار و آلن ری فهرست قابل توجه‌ای از رمان‌ها را ذکر کرده‌اند. بنابراین در این فصل تاریخچه‌ای مدون از زبان مخفی بر اساس متون و اسناد مکتوب عرضه شده است. شروع این تاریخچه از قرن پانزدهم میلادی به این معنا نیست که پیش از آن زبان مخفی وجود نداشته است بلکه هیچ سند مکتوبی از زبان مخفی پیش از قرن پانزدهم به دست نیامده است. نقش رمزآمیز و به تدریج نمادین زبان در زبان مخفی پیشینه‌ای نظیر خود زبان‌ها را دارد. اما ما از لحاظ منبع محدودیت داریم زیرا از زبان مخفی اثر زیادی بر جا نمانده است. تعدادی واژه

از قرن دوازدهم یعنی gergo، gargon و jargon و چند واژه دیگر از قرن چهاردهم و واژه‌ایی از دارودسته صدفیون در قرن پانزدهم اولین منابع مستدل از زبان مخفی فرانسوی است.

این منابع اطلاعاتی زبان‌شناختی و فهرست‌هایی از واژگان و همچنین اطلاعاتی درباره افرادی که از این واژگان استفاده می‌کردند به ما می‌دهد. و رای تاریخچه زبان مخفی تاریخچه‌ای از جوامع مخفی و گروه‌های اجتماعی متکلم زبان مخفی ترسیم شده است. ردّ و اثر فعالیت آنان از زبان آنها مشخص می‌شود.

۱- نخستین آثار زبان مخفی فرانسوی

در قرن چهاردهم در متون مرتبط با زندان‌ها عباراتی به چشم می‌خورد که در زبان فرانسوی رایج مصطلح نبوده است. این اصطلاحات عبارتند از: barbane و beaumont و beauvoir و borseuil و boucherie و gloriote و gourdaïne و griesche و oubliette. همه اینها معنای زندان را می‌دهد اما معنی آنها کمی متفاوت است. برخی از آنها اطلاعاتی درباره مبلغی می‌دهد که زندانیان مجبور بودند برای اقامتشان در زندان بپردازند و این ثابت می‌کند که برخی زندان‌ها مختص نجیب‌زادگان بوده است (واژه‌های beaumont و beauvoir بر این مهم تأکید دارد). در این زندان‌ها زندانیان مجبور بودند شبی ۶ دنیه (واحد پول قدیم فرانسه) بپردازند. برخی زندان‌های دیگر (borseuil) به زندانیان فقیرتر اختصاص داشته است که در آنها شبی یک دنیه می‌پرداختند.

این عبارات از کجا آمده است؟ واژه Barbane احتمالاً از گویش پرووانسی barban به معنی «هیولای سیاه و کشیش خشن» آمده است. به نوشته فرهنگ فردریک میسترال borseuil یا berseuil در زبان فرانسوی کهن به معنای berceau (گهواره، مهد) است و boucherie (قصابی) در متنی به تاریخ ۱۳۸۹ میلادی «زندان وحشتناک است که در آن چندین نفر ناامید شده و پوسیده‌اند». تصویری که این واژه از زندان آن زمان داده واضح

است. *gloriette* (که از سال ۱۳۰۴ معنای زندان گرفت) نوعی قصابی بسیار کوچک بوده است. *gourdain* احتمالاً از لحاظ ریشه‌ای به واژه *gourde* (یعنی کدو) مربوط می‌شود. *griesche* به معنی درد و دردناک است. از لحاظ معنایی این واژه‌ها همه تداعی‌کننده خلاء و حفره و سیاهچالی تاریک و وحشتناک است. واژه *oubliette* (سیاهچال، فراموش‌خانه) که معنای آن امروزه نیز همان طور حفظ شده است تنها واژه در این فهرست است که طی قرون مختلف به همان صورت مانده و وارد زبان معاصر شده است اما این تنها استثنا نیست.

واژه *mouche* (مگس) از سال ۱۳۸۹ به معنای جاسوس نیز مورد استفاده قرار گرفت و امروزه نیز به صورت واژه *mouchard* به همان معنی است و همچنین واژگان *flic* (مامور پلیس) از واژه آلمانی *fliege* به معنای *mouche* گرفته شده است. واژه *roussignol* (که شکل امروزی آن *rossignol* (بلبل) است از سال ۱۴۰۶ برای تعریف آلتی برای باز کردن درها با نوعی چنگک به کار می‌رفت و سپس در سال ۱۴۰۲ معنای فریب‌خورده گرفت. در میان دارودسته صدفیون فعل *enterver* مصطلح بوده است که معنای «فهمیدن، درک کردن» می‌داده و امروز شکل *entraver* از آن واژه حفظ شده است. بدون تردید واژگان زبان مخفی دیگری هم وجود دارد که قدمت آنها بیش از این است اما متون مکتوب درباره آنها بسیار کم است.

بقای برخی عبارات قابل تأمل است در حقیقت برملا شدن معنی زبانی مخفی در خارج از محفل آشنایان می‌بایست موجب تغییر آن زبان می‌شد زیرا دیگر مخفی نبود اما پس از قرن‌ها وجود واژگانی چون *mouchard* و *rossignol* و *veuve* (چوبه دار و گیوتین) و *oubliette* و غیره نشان می‌دهد زبان مخفی ممکن است نقشی به جز نقش رمزآمیز داشته باشد و همچنین ممکن است واژگان زبان مخفی از طریق واژگان عامیانه وارد زبان رایج شود.

۲- دارودسته صدفیون

نخستین سند با اهمیت به قرن پانزدهم مربوط می‌شود. در سال ۱۹۵۵ در شهر دیژون چند تن از اعضای دارودسته ی تبهکار صدفیون بازداشت و محاکمه شدند. احتمالاً تعداد اعضای دارودسته هزار نفر بوده است. تعدادی از آنان مزدوران جنگ صدساله بودند. علت انتخاب این نام صدف‌هایی بوده است که آنان به خود می‌آویختند تا خود را زائر نشان دهند. به این ترتیب راحت‌تر می‌توانستند از زائران واقعی سرقت کنند. فعالیت‌های آنان سرقت و تقلب در قمار و جعل پول و غیره بود. طی محاکمه دیژون برخی از آنان اسامی همدستان و بخش‌هایی از زبان رایج خود را که jobelin یا jargon می‌نامیدند، لو دادند. به این ترتیب حدود ۷۰ واژه یا اصطلاح از زبان مخفی به دست آمده است که برخی از آنها در ترجمه‌های زبان مخفی ویون شاعر فرانسوی به کار رفته است. (برخی از وقایع‌نگاران عقیده داشتند ارتباط‌هایی میان این شاعر و دارودسته صدفیون وجود دارد). بخشی از این سند ارزشمند در تاریخچه زبان مخفی در زیر آمده است.*

«نامبردگان و افرادی دیگر عضو دارودسته صدفیون هستند که در جمع خود اسامی مختلفی دارند و همگی به تمام اطلاعات و فریبکاری‌های گروه که در بالا ذکر شده است آگاهی ندارند. اما برخی در بعضی کارها مهارت دارند و برخی دیگر در کارهای دیگر. هنگامی که آنان با یکدیگر صحبت می‌کنند هر کس به عضو دیگر وظیفه‌ای را موقوف می‌کند که در آن مهارت و تخصص دارد. این تخصص‌ها عبارتند از:

Crocheteurs	Bazisseurs	Esteveurs
Vendengeurs	Desbochilleurs	
Beffleurs	Blancz coulons	
Envoyeurs	Baladeurs	
Planteur	Pipeurs	

* در متن اصلی و قدیمی املاهای قدیمی زبان فرانسوی به کار رفته است که ترجمه‌شدنی نیست

Fourbes
Dessarqueurs

Gascartes
Bretons

crocheteur فردی است که قادر است قفل‌ها را با چنگک بشکند.

vendegeur سارق کیسه پول است.

befleur دزدی است که افراد ساده را به قماربازی جذب می‌کند.

envoyeur قاتل است.

desrocheur سارقی است که هیچ چیزی برای فردی که از او سرقت کرده بر جا نمی‌گذارد.

planteur فردی است که شمش‌های تقلبی، زنجیر و جواهرات تقلبی و بدلی را به جای اصلی جا می‌زند.

fourbe فردی است که شمش‌ها و دیگر کالاهای تقلبی را حمل می‌کند و الی آخر.

ارزش این سند بیش از یک واژه‌نامه ساده و فهرست ساده اسامی است زیرا اطلاعاتی درباره جامعه دارودسته صدفیون و نحوه پیدایش زبان مخفی آنها می‌دهد. به این ترتیب متوجه می‌شویم این تبهکاران تخصص‌های خود را داشته‌اند و هر یک از آنان «وظیفه» خاص داشته است مثلاً baladeur درباره شمش‌ها و سنگ‌های قیمتی با مغبون صحبت می‌کرده و سپس confermeur de la balade از راه می‌رسید و کالای تقلبی را به خورد او می‌داد. اینجا با مشاغلی سازماندهی شده سروکار داریم که زبان ویژه خود را دارد و هر کس وظیفه‌ای دارد.

این سند همچنین اصول کلی پیدایش این زبان مخفی را نشان می‌دهد. مثلاً واژگان بومی و محلی نظیر bazir (کشتن) مشاهده می‌شود که از گویش پرووانسی آمده است (برای نمونه میسترال عبارت basi de fam «از گرسنگی مردن» را به کار برده است) همچنین واژه taquinade (تاس‌بازی) از واژه اسپانیایی taquin گرفته شده که امروزه معنی بژول بازی می‌دهد و taquinero فردی است که بژول بازی می‌کند. اصطلاحاتی قومی نیز در این زبان مشهود است. breton یا اهل برتانی به معنای دزد است و gascatre (به معنای

یک گاسکنی بد) معنای شاگرد دزد را می‌دهد و سنه آن در این باره نوشته است ضرب‌المثلی در زبان فرانسه وجود دارد که می‌گوید Qui fit Breton, il le fit larron. وی همچنین متنی از آگریپا دو بینیه را مثال زده است که در آن اهالی گاسکنی دزد توصیف شده‌اند.

در این واژگان همچنین استعاره‌های زیادی وجود دارد. مثلاً *envoyeur* (فرستنده) به معنی قاتل است. (به عبارتی دیگر این شخص فردی است که دیگری را به جهان دیگر می‌فرستد). *vendengeur* (انگورچین) به معنی سارق است (او فردی است که کیسه‌های پول را می‌چیند) و *fourbe* (تمیزکننده) نیز سارق معنی می‌دهد (فردی که دیگری را پاک می‌سازد). در بخش‌های دوم و سوم به چگونگی واژه‌سازی زبان مخفی اشاره خواهد شد.

۳- اصطلاحات اصلاح شده زبان مخفی

چاپ دوم فرهنگ «اصطلاحات اصلاح شده زبان مخفی» تا قرن نوزدهم مدام تجدید چاپ و به روز می‌شد. (هیچ اثری از چاپ اول این فرهنگ در دست نیست). اولیویه شرو پیش از آن آثار مذهبی منتشر کرده بود که یکی از آنها تحقیقی جامع درباره هیئت کشیشان آئین مقدس شهر تور و کتاب دیگرش درباره تاریخ اسقف اعظم همان شهر است.

کتاب چاپ سال‌های ۱۶۲۸ که حاوی ۲۱۶ واژه بود در سال ۱۶۳۴ و ۱۶۶۰ و ۱۶۹۰ و ۱۷۰۰ و ۱۷۲۸ با کمی تغییر تجدید چاپ شد و در سال ۱۸۳۶ نسخه‌ای از آن منتشر شد که به طور قابل توجهی حجم‌تر از قبلی‌ها بود. این کتاب حاوی ۶۸۵ کلمه است. آخرین چاپ آن نیز در سال ۱۸۴۹ بود.

لازار سنه آن هشت شیوه واژه‌سازی را در این فرهنگ مشخص کرده است.

الف) واژگانی که به صورت استعاره به کار می‌روند

واژه *camuse* (دارای بینی پهن و کوفته‌ای) برای ماهی کپور، *luisant* (درخشان) برای روز، *lourde* (سنگین) برای در به کار می‌رود. اصطلاحاتی نظیر *abbaye du monte à*

regret (دیر ندامت بالابر) یا *veuve* (بیوه) نیز به چوبه دار اشاره می‌کند.

ب) واژگانی قدیمی که در معنای حقیقی یا مجازی به کار می‌روند
برای مثال واژه *bacon* به معنای خوک (در قرن دوازدهم میلادی خوک ذبح شده و در نمک خوابانده را *bacon* می‌نامیدند) *flambe* به معنای شمشیر (در قرن یازدهم این واژه معنای *flamme* (مشعل) می‌داد.) و *tabar* به معنای پالتو و عبا (این واژه از قرن سیزدهم مصطلح شد) و الی آخر.

ج) واژگانی که از گویش محلی شمال فرانسه وام گرفته شده‌اند.

د) واژگانی که از گویش‌های بخش میدی فرانسه آمده‌اند.

هـ) واژگانی که اصلیتی نامشخص دارند.

و) صورت‌های مشتق.

ز) صورت‌های ترکیبی.

ح) صورت‌های پسونددار.

فهرست واژگانی که با حرف A آغاز می‌شوند و در کتاب چاپ ۱۶۲۸ با واژگان ضمیمه شده سال ۱۸۳۶ مشاهده می‌شوند در زیر آمده است:

۱۶۲۸			۱۸۳۶
Artye	نان	Abbaye	اجاق
Artye de Meulans	نان سفید	Aboudier	الک کردن
Artye du gros Guillaume	نان سیاه	Abouler	آمدن
Artye de Grimault	نوعی نان	Abour	کیف، الک
Avergos	تخم مرغ	Accoerer	سازگار کردن، جا دادن

Angluche	غاز	Affur	سود، نفع
Abbaye ruffante	اجاق گرم	Affurer	بردن، کسب کردن
Abloquir	پذیرفتن	Agate	سرامیک
Antroller	با خود بردن	Amadouage	ازدواج
Ambier	فرار کردن گریختن	Amadouer	ازدواج دادن
Attrimer	گرفتن، برداشتن	Antifle	پله
Affurer	اشتباه کردن	Apic	سیر
Aquiger	کردن، انجام دادن	Apôtre	انگشت
Andosse	پشت	Aquiger	برداشتن
Abbaye du monte à regret	چوبه دار	Arbalète	صلیب
Amadoué	ماده‌ای که تبه‌کاران به	Archissuppôt	دکتر

صورتشان می‌مالند تا بیمار جلوه کنند

Astic	فولاد
Attilles	بیضه
Attache	قلاب، حلقه

در این فهرست عبارتی مشاهده می‌شود که در دارودسته صدفیون نیز رایج بود این واژه artye (یا arton) است اما در این کتاب واژگان دیگری هم وجود دارند که به آن زمان مربوط می‌شوند مثلاً ballader برای درخواست صدقه کردن (در دارودسته صدفیون واژه balade رایج بود) و واژه galier به معنای اسب و grain به معنای اکو (پول قدیم) و marque به معنای دختر و غیره. این ثابت می‌کند که برخی واژگان زبان مخفی ممکن است طول عمری نسبتاً طولانی داشته باشند (مثلاً اینجا حدود دو قرن) و نقش رمزآمیز خود را حفظ کنند.

۴- تاثیر کارتوش

لوئی دومینیک ملقب به کارتوش (۱۷۲۱-۱۶۹۳) رهبر باندی مشهور بود که سرانجام در ژنو به چرخ بسته شد. پس از مرگش آثار ادبی متعددی درباره‌اش منتشر شد. نمایشنامه‌ای از لوگران به نام «کارتوش یا دزدان» ابتدا در اکتبر سال ۱۷۲۱ در تئاتر فرانسه اجرا شد. در این نمایش چند واژه زبان مخفی از زبان کارتوش شنیده می‌شد. واژه‌هایی چون trimmer به معنی راه رفتن و trimard به معنی مسیر و pincer و bouliner به معنی دزدیدن و mioche به معنی پسر و ratichon به معنای کشیش در این نمایش به کار رفته است و برخی از آنها یعنی pincer و bouliner و mioche برای اولین بار مکتوب شده است.

چهار سال بعد در سال ۱۷۲۵، گرانوال (که نام اصلی‌اش نیکولا راگو بود) شعری طولانی منتشر کرد. او به این سروده که نامش «مجازات شرارت یا کارتوش» بود واژه‌نامه‌ای ضمیمه کرد که احساس می‌شود از «اصطلاحات اصلاح شده زبان مخفی» گرفته برداری کرده است. در این واژه‌نامه واژگانی مشاهده می‌شود که تا پیش از آن ناشناخته بود. این واژه‌نامه در زیر آمده است:

cache-mitte	زندگی	affe	زندان
camarde	زن دزدی که دله دزدی‌هایش را زیر پیش‌بندش پنهان می‌کند	anquilleuse	مرگ
craquelin	پله	antiffe	دروغگو
crier au vinaigre	شمشیر	astic	در پی کسی فریاد کشیدن
crocs	کتاب	babillard	دندان‌ها
dardant	نامه	babillarde	عشق
daron	بستن	bacler	ارباب، پدر
daronne	هیچ	brenicle	ارباب، مادر

brouée	شلاق	défrusquiner	لخت کردن، عریان کردن
démurger	رفتن	michon	پول
embander	به زور گرفتن	pacant	عابر
esganacer	خندیدن	palpitant	دل، قلب
farot	آقا	plotte	کیسه پول
fêtu	جایگاه جلاد	pouchon	کیسه پول
frétillante	دُم	rebatir	کشتن
frétiller	رقصیدن	renacler	در پی کسی فریاد کشیدن
frusquiner	لباس پوشاندن	rossignoler	خواندن
gance	باند، دارودسته	rupine	بانو
gaudille	شمشیر	sabouler	ناراحت کردن
gratouse	دانتل، تور	santu	سلامتی
guibons	زانو	sapin	قفه
nuile	پول	stuc	سهمی از سرقت
jaspiner	صحبت کردن	suer, faire suer	سهم سرقت را ستاندن
longue	سال	tirans	جوراب زنانه
toccante	ساعت	tirou	راه
trimancher	راه رفتن		

بعضی از این عبارت واژگانی مشتق هستند (مثلاً défrusquiner و frusquiner از frusque (پوشاک) گرفته شده‌اند) بعضی دیگر تصاویری هستند که خود شاعر خلق کرده‌است (مثل dardan) اما این واژه‌نامه نمونه‌های خوبی از زبان مخفی به ما می‌دهد. مثل

همه واژه‌نامه‌های دیگر مشاهده می‌کنیم که بخشی از واژگان طی قرن‌ها دست نخورده مانده‌اند. مثلاً affe در اصطلاح eau d'affe (آب حیات)، crocs در اصطلاح avoir les crocs (گرسنه بودن)، jaspiner، daron، toccante هنوز هم با همان معانی رایج هستند. واژه croquelin امروزه به croques یعنی دروغ تبدیل شده است. برخی از این واژگان ریشه‌ای در زبان عوام دارند مثل daron از dare (شکم گنده) آمده است. بعضی دیگر از صورت‌های گویشی آمده‌اند. مثلاً pouchon از pochon به معنای کیف گرفته شده است و démuguer به معنای «از جایی خارج کردن» است و در منطقه مین فرانسه کاربرد دارد. بعضی از این واژگان هم تصاویری را نشان می‌دهند (مثل gance و tirans و palpitant و غیره) و سرانجام واژگانی از گویش پرووانسی وام گرفته شده‌اند (stuc، esganacer و غیره) آنچه از زبان مخفی کارتوش در دست ما است برخلاف اسناد قبلی، ریشه‌ای ادبی دارد. لوگران یک نمایش کمدی نوشته است و گرانوال شعری سروده و واژه‌نامه‌ای به آن ضمیمه کرده است. مسئله اصلی منابع آنها است. گرانوال از فرهنگ «اصطلاحات اصلاح شده زبان مخفی» استفاده کرده است و برخی عبارات را به آن افزوده است اما این عبارات نظیر واژگان جدید لوگران از کجا آمده است؟ سنه آن منبع جالبی را ذکر کرده است. او بخشی از دفتر خاطرات ماتیو ماره را ذکر کرده است. او بخشی از دفتر خاطرات ماتیو ماره را ذکر کرده که در آن نوشته است در نوامبر ۱۷۲۱ کارتوش را کمی قبل از مرگش، از زندان خارج کردند و مردانی شیک‌پوش در سرسرای مجلل از او سوال‌هایی می‌کردند: «این مردان شیک‌پوش بازیگران فرانسوی تئاتر بودند که می‌خواستند شعر و زبان مخفی را در یک نمایش کمدی به کار ببرند این نمایش به نحوی شرم‌آور در تئاتر با عنوان کارتوش یا دزدان به اجرا درآمد.»

بنابراین احتمالاً کارتوش خودش مستقیماً خبرچین بوده است. نکته مسلم این است که شخصیت کارتوش در آن زمان باب روز بوده است در نتیجه مستقیماً موجب مطرح شدن زبان مخفی در همه محافل شد. در آن زمان بورژواها شیفته این عبارت شدند در همان ابتدای قرن هجدهم در بسیاری از نمایشنامه‌های ادبی کلمات زبان مخفی رایج شد.

۵- آتش افروزان

زبان مخفی آتش افروزان منطقه اورژر نیز مثل زبان مخفی صدفیون از طریق محاکمه‌ای به ما منتقل شده است. در اواخر قرن هجدهم گروهی از دزدان عادت داشتند برای حرف کشیدن از مالباختگان و افشای محل اختفای اموالشان، کف پای آنان را بسوزانند به همین علت به آتش افروزان شهرت پیدا کردند. در مناطق مختلف فرانسه نظیر شمال و شرق و در منطقه لیون نیز آتش افروزی وجود داشتند اما دارودسته آتش افروزان منطقه اورژر (در استان اور-ا-لوار) که در سال ۱۸۰۰ محاکمه شدند، ارزشمندترین اطلاعات را درباره زبان زبان مخفی بر جا گذاشته است.

اطلاعاتی از کتاب پ. لوکلر (با عنوان «تاریخچه تبهکاران اورژر») که در تحقیقات محاکمه نیز همکاری داشت، برگرفته شده است. آنچه در زیر آمده فهرست واژگانی است که در زبان فرانسوی با حرف C آغاز می‌شود و طولانی‌ترین قسمت واژه‌نامه محسوب می‌شود. این واژه‌نامه ابتدا به زبان فرانسوی است و واژگان زبان مخفی مقابل واژگان فرانسوی آمده است.

piole	میخانه	mettre au noir	درسیاهچال انداختن
piolier	میخانه‌دار	cambricole	اتاق
mittes	زندان	mouchiques	شمع
barbotier	اردک	combre	کلاه
barbotte	اردک ماده	combre galuché	کلاه لبه‌دار
prophète	انبأشراب	ligotantes	طناب
des barons	خروس	vanterne	پنجره
un fait de gaffe	گاریچی	gourgane	گردن
une roulotte	گاری	chibres	بیضه
un pipet	قصر	sciager la gourgane	سر بریدن

sabouler	پاها را گرم کردن	ériffler le poturon	در پی کسی دویدن
un lingre, un bargaya	راه، مسیر	le tiche	چاقو، خنجر
un tranchant	پیراهن	une limace	خنجر
un doffe	اسب	un gré	گاوا آهن
une branlante en gé	مو	les douillets	صلیب زرین
une branlante en cé	ریدن	filer le rondin	صلیب سیمین
louches	شراب سب	godelay	قاشق
culbute, montante	کلید	tournante	زیرشلواری
ratichon	کلاتر، کمیسر	un quart-d'oeil	کشیش
caporal	زندانبان	l'oncle	خروس

در این فهرست نیز با فرایندهای خلاق واژه‌سازی زبان مخفی مواجه هستیم:

– ابتدا وام‌گیری از زبان‌ها یا گویش‌های دیگر (مثل زبان کولی‌ها، پرووانسی اسپانیایی و غیره). پس می‌توان تصور کرد اعضای دارودسته را افرادی تشکیل می‌دادند که از مناطق مختلف می‌آمدند. در ادامه این فهرست به واژه schnouf به معنای تنباکو برخورد می‌کنیم که از schnupftabak آلمانی می‌آید. واژه chique به معنای کلیسا نیز از chiké از زبان کولی‌ها به معنای خانه آمده است.

– تصاویر و کنایه‌های طعنه‌آمیز نیز به وفور به چشم می‌خورند. برخی از این تصاویر عبارتند از barbotier و comble (comble به معنای آنچه در بالا قرار دارد است) و branlante و tranchant و tournante و غیره.

– گاهی بعضی کلمات بریده شده‌اند و پسوند دیگری گرفته‌اند مثلاً culotte به culbute و profonde به prophète تبدیل شده است و الی آخر.

– به نظر می‌رسد برخی واژه‌ها از زبان مخفی قدیمی آمده باشند و تغییر شکل یافته‌اند. برای مثال ratichon از ras و ériffler از rifle و cé از cercle و غیره آمده است.

– و بالاخره واژگانی مثل doffe مشاهده می‌شوند که ادوات مخصوص شکستن قفل و در را بیان می‌کنند. سپس عباراتی مرتبط با اشرافیت به طور تمسخرآمیز از واژه doffe مشتق شد:

کلمه doffe از dauphin به معنای ولیعهد آمده است که مشابه آن واژه daviot از roi David (شاه داوید) یا واژه pince-monseigneur ساخته شده است.

این سند همچنین اطلاعاتی درباره آداب زندگی و نحوه سازماندهی این دارودسته می‌دهد. مثلاً متوجه می‌شویم اطراف دزدان را افرادی به نام francs campagnes می‌گرفتند که با گشتن در روستاها به دنبال فرصت‌های سرقت بودند. افرادی موسوم به francs de maison نیز با پنهان کردن دزدان و کالاهای سرقتی، سارقان را یاری می‌کردند. افرادی موسوم به mioches شاگرد دزد بودند که آموزگار (instituteur) به آنان آموزش می‌داد. آنان گدایی می‌کردند و در عین حال با شناسایی اماکنی برای سرقت خبرچینی می‌کردند. دزدی نیز به شکل کشیش در می‌آمد و مراسم عروسی برگزار می‌کرد. اینجا ما با یک جامعه دارای طبقه‌بندی و سلسله‌مراتب مواجهیم که زیرمجموعه‌ای اجتماعی را تشکیل می‌دهد.

۶- ویدوک

فرانسوا اوژن ویدوک (۱۸۵۷-۱۷۷۵) که ابتدا زندانی محکوم به اعمال شاقه و سپس مامور پلیس شد دو کتاب منتشر کرد که اولی خاطرات (۱۸۲۸) و دومی دزدان (۱۸۳۷) نام دارند. این کتاب‌ها مهمترین سند مربوط به زبان مخفی قرن نوزدهم محسوب می‌شوند. این فرد الگوی بالزاک در شخصیت ووترن vautrin در کتاب «شکوه و فلاکت روسپی‌های درباری» بود و همان طور که در فصل پنجم خواهیم دید، ویکتور هوگو نیز از این شخصیت استفاده کرده است.

در واژگان او چند کلمه زبان مخفی قدیمی به چشم می‌خورند برای مثال gaffe (کمین) را باند صدفیون نیز به کار می‌بردند و mouchailler (نگاه کردن) از قرن هفدهم رایج بوده است. بخشی از واژگان قرن شانزدهم یعنی زمان ایجاد کشتی‌های برده کش نیز

مشاهده می‌شود. واژه ای چون barberot (آرایشگر) یا cadènes (زنجیرها) از جمله این واژگان است. همچنین در این کتاب‌ها کلماتی محلی مشاهده می‌شود که اصلیت‌های جغرافیایی گوناگون زندانیان را نشان می‌دهد.

- واژه‌های مناطق جنوبی عبارتند از roustons (بیضه‌ها) و baite (خانه) و cambrouse (استان) و flaque (کیف) از گویش پرووانسی قرض گرفته شده‌اند. واژه beribona (ابله) نیز از گویش لانگدوکی آمده است.

- واژه‌های مناطق شمالی که از منطق پیکار آمده‌اند شامل gambiller (رقصیدن) و abéquer (غذا دادن) است.

- واژگان مناطق مرکزی که از گویش Berry آمده‌اند عبارتند از abouler (آمدن)، arpions (پا) و panoufle (کلاه گیس).

ویدوک همچنین کلماتی را به کار برده است که از زبان‌های خارجی آمده‌اند. fenin (به معنای لیار) liard (پول قدیمی معادل یک چهارم سو) از واژه آلمانی pfening گرفته شده است، niente به معنای هیچ از ایتالیایی آمده است. senaqui (سکه طلا) و berger (سال) و chourin (چاقو) نیز از زبان کولی‌ها برگرفته شده است. این نوع واژگان نشانگر حضور افرادی از مناطق مختلف فرانسه و کشورهای خارجی در زندان‌ها بوده که واژگان زبان مخفی را غنی کرده‌اند. یکی از خصوصیات زبان مخفی ویدوک این است که جهان شمول است.

ویژگی دیگر این واژگان این است که برخی‌ها قاعده تلخیص (مثل aff به معنای affaire تجارت، come به معنای commerce تجارت) و برخی دیگر قانون پسوندگیری (aidance یعنی aide (کمک)، alentoir یعنی alentours (اطراف)، burlir یعنی bureau (دفتر کار)، patraque یعنی patrouille (گشت)) را دنبال می‌کنند. همچنین سه نمونه از اصطلاحات لارگونژی largonji (فصل سوم) به کار رفته است: lorgne و lorgnebé به معنای یک چشمی و lorcefée (قدرت) و linspré (به معنای شاهزاده و پرنس از جمله این

موارد است. مهمترین نکته این زبان مخفی بازی با کلمات است. برای مثال ویولون mirecourt نامیده می شود که این نام شهری است که به خاطر ساخت سازهای زهی شهرت دارد. فرد کهنه جمع کن نیز amour (عشق) و همچنین کوپیدون (cupidon) رب النوع نامیده می شود و علت آن مقایسه سبد کهنه، جمع کن با تیردان کوپیدون است.

در این زبان قاضی، curieux یا فضول خطاب می شود، نان شکری، کودک دلبنده گفته می شود (آیا به این خاطر که هر دو سفید و شیرین هستند؟) طبل نیز پوستین خر است. در این واژه نامه واژه charrieur همان دزد است یعنی کسی که قربانیان خود را با گاری (charrette) می برد. همدست این دزد فردی به نام «آمریکایی» است که خود را ثروتمند جلوه می داده است تا افراد ساده لوح را به دام اندازد.

ویدوک به ندرت فرایندهای ساخت واژگان را توضیح می دهد اما با خواندن کتاب هایش به چند نکته جالب بر می خوریم. برای نمونه او به واژه گربه (chat) معنای زندانبان را داده است شاید به این علت که زندان لانه موش بوده است. اما توضیح دیگری نیز وجود دارد. واژه گربه در زبان مخفی greffier معنی می شود و این واژه به چنگال (griffe) بسیار نزدیک است. پس زندانبان همواره زندان را در چنگ خود دارد.

درباره واژه chourin به معنای چاقو که بالاتر به آن اشاره شد، باید گفت هر چند این واژه امروزه دیگر رایج نیست اما شکل جدید آن یعنی surin که از طریق تبدیل ش به س در ابتدای واژه ایجاد شده است همچنان مرسوم است.

ویدوک همچنین اصطلاح flingue à dard را به کار برده است و آن را «گروهبان شهری» ترجمه کرده است. او یادآور شده است این اصطلاح دزدان یهودی است. یهودیانی که در قرن نوزدهم در پرونده های قضایی از آنها صحبت می شود به زبان عبری - آلمانی صحبت می کردند (مثلاً ویدوک عبارت هایی را مثال زده است که از rotwelsch آمده است یکی از آنها dring-gelt است به منای پول) در نتیجه flingue à dard مگسی است (fliege مگس) که نیش دارد. به عبارتی دیگر مگس (mouche) دارای شمشیر یا

همان جاسوس شمشیردار است و fliege ریشه کلمه flic نیز هست. سنه آن عکس این مطلب را نوشته بود می گفت flic نام آوایی برگرفته از صدای ضربه است. در این واژه نامه عبارات زیادی به چشم می خورد که امروزه نیز مرسوم است. مثلاً می توان به عبارات زیر اشاره کرد:

fric-frac (سرق) (نام آوایی که صدای شکسته شدن را می رساند)، mac که از maquereau آمده است (غلطبان)، pioncer (خوابیدن)، môme (بچه)، papelard (کاغذ)، pieu (تخت)، pingre (خسپس)، pogne (دست)، roustons (بیضه)، mézigue (من)، tézigue (تو)، toc (جواهرات تقلبی) و غیره.

این واژگان باز هم به ما نشان می دهد که واژگان باند صدفیون و واژگان ویدوک و همچنین اصطلاحات اصلاح شده زبان مخفی و آتش افروزان اورژر به زبان مخفی امروزی منتقل شده است و معنی همچنان ثابت مانده است. هر چند زبان مخفی همواره در حال تغییر و تحول است، بسیار محافظه کار نیز هست.

۷- زبان مخفی معاصر

منابع زبان مخفی تا زمان انتشار کتاب های ویدوک انگشت شمار بود اما پس از آن به تعدادشان افزوده شد. نوع آنها هم تغییر کرد. منابع زبان مخفی که تاکنون به آنها اشاره شده یا از جلسات محاکمه ها استخراج شده است یا از خاطرات زندانیان سابق یعنی افرادی که در برهه ای از عمرشان با تبهکاران یعنی کاربران اصلی زبان مخفی، در تماس بوده اند.

پس از آنکه فرانسیسک میشل در سال ۱۸۵۶ کتابی با عنوان مطالعات متن شناختی درباره زبان مخفی و گویش های مشابه در اروپا و آسیا منتشر کرد این جریان تغییر اساسی یافت. نویسنده این کتاب دانشمندی است که هرگز با محافل تبهکاران سروکار نداشته است و فقط بر روی مدارک مکتوب به خصوص آنهایی که پیشتر ذکر شد کار کرده است. مدتی بعد زبان مخفی به مبحثی برای مطالعه تبدیل شد و منابع از تاریخچه یا مشاهدات به تفسیر و شرح و فرهنگ تبدیل شد. آلفرد دلوو با چاپ فرهنگ زبان سبز در

سال ۱۸۶۶ در این زمینه پیشرو بود. در سال ۱۸۷۸ لوردان لارشه زبان‌شناس و فرهنگ‌نویس با چاپ فرهنگ تاریخی زبان مخفی و سپس ضمیمه جدید فرهنگ زبان مخفی در سال ۱۸۸۹ پر آوازه شد. در سال ۱۹۰۸ وان گنپ مقاله‌ای به نام جستاری در نظریه زبان‌های خاص نوشت و مبانی نظری این زبان‌ها را بررسی کرد. اسلافش صرفاً زبان‌های خاص را به صورت فرهنگ در می‌آوردند و کار وان گنپ از این نظر نوآوری بود.

لازار سنه آن سپس در سال ۱۹۱۲ کتاب مشهورش را با عنوان منابع زبان مخفی قدیم منتشر کرد که به کتابی مرجع تبدیل شد. بعد از آن آلبر دوزا کتابی با عنوان زبان‌های مخفی در سال ۱۹۲۹ به چاپ رساند. گاستون اسنو در سال ۱۹۶۵ فرهنگ تاریخی زبان‌های مخفی فرانسوی را منتشر کرد. پی‌یر گیرو در سال ۱۹۶۸ در کتابش به بررسی زبان مخفی ویون یا اطلاعات جالب از صدف پرداخت و همان سال دینز فرانسوا (در دائرة المعارف بسیار معتبر پلیاد در بخش مربوط به زبان، فصلی کامل را به زبان‌های مخفی اختصاص داد. الن ری سرپرست فرهنگ معتبر روبر در سال ۱۹۸۰ با همکاری با ژاک سلار که آن زمان مسئول ستون ویژه «زبان» در روزنامه لوموند بود، فرهنگ زبان فرانسوی نامتعارف را منتشر کرد.

همان طور که مشهود است زبان مخفی ظاهراً مبحث مورد علاقه زبان‌شناسان بوده است اینک این پرسش مطرح است که تغییرات منابع به چه تغییراتی در بطن زبان مخفی مربوط می‌شود؟ در حقیقت فقط زبان‌شناسان به مطالعه «زبان سبز» نپرداخته‌اند، رمان‌نویسان و شاعران نیز به زبان مخفی گرایش داشته‌اند. اوژن سو و پل فیه‌وال و بالزاک و زولا و ویکتور هوگو در قرن نوزدهم در آثارشان به کرات از واژگان زبان مخفی استفاده کردند. امروزه نیز نویسندگان رمان‌های پلیسی چنین گرایشی دارند. این نویسندگان گاهی احساس می‌کنند فرهنگ‌نویس هستند مثلاً البرسیمون که در انتهای کتاب به پول دست نزدیک یک واژه‌نامه زبان مخفی ضمیمه کرده بود، در سال ۱۹۵۹ فرهنگ کوچک مصور سیمون را منتشر کرد.

اوگوست لوبروتن یک سال بعد زبان سبز و نیات شوم را منتشر کرد. شاعران نیز از نویسندگان عقب نماندند. آریستید پروان در سال ۱۹۰۱ فرهنگ فرانسوی - زبان مخفی را منتشر کرد و یهان ریکتوس در دیوانش با عنوان تک گویی های مستمند بارها از واژگان زبان مخفی استفاده کرد. و این سنت همچنان پا بر جا است. خوانندگان چون لئوفره پی پر پره و رنو در سروده های خود از زبان مخفی استفاده می کنند. علاوه بر آن پی پر پره چند فرهنگ زبان مخفی نوشته است. در سال ۱۹۲۸ دکتر لاکاسانی پزشکی که در زندان لیون کار می کرد کتاب زبان مخفی دارودسته تبهکاران را منتشر کرد. پلیس نیز در این بین از دیگران عقب نماند.

در سال ۱۹۵۳ یکی از کلاتران بلند پایه به نام مارسل کارر با همکاری با ژئو ساندردی فرهنگ زبان مخفی معاصر را نوشت. به نظر می رسد زبان مخفی دیگر خاص حوزه زبان شناسان نباشد و هر کسی سهمی از آن داشته باشد. این تناقضات، زبان مخفی معاصر را به خوبی معرفی می کند. گاستون اسنو در مقدمه فرهنگش نوشته است: «ما در طبقه بندی خود واژگان متعلق به گروه های بی خطر را «مردمی» و واژگان گروه هایی را که به جنایت گرایش دارند «لابالی» خوانده ایم.» وی بلافاصله پس از آن افزوده بود: «اما مرز این دو مقوله را می توان برچید.» علت این امر جامعه شناختی و در عین حال زبان شناختی است. کلمات از گروهی اجتماعی به گروهی دیگر منتقل می شود و در عین حال گروه ها نیز مثل گذشته مشهود و تفکیک پذیر نیستند. این ویژگی زبان مخفی معاصر است. در این زبان بی وقفه واژگان جدید ایجاد می شود و فرایندهای جدید واژه سازی در آن مشاهده می شود (مثل ورلان که به جزئیات آن اشاره خواهد شد) علاوه بر آن نوواژگان خیلی زود وارد زبان روزمره می شود علت سرعت انتقال واژگان به مردم شاید این است که یک زبان «مخفی» هنگامی که بر همگان افشا می شود باید تغییر کند. اما این تصور دیدگاهی کوتاه بینانه است زبان مخفی معاصر که این کتاب نیز به آن اختصاص دارد زبانی مخفی محسوب نمی شود بلکه یکی از عناصری است که گویشور برای ابراز سخن در اختیار دارد. در فصل نتیجه گیری به این نکته پرداخته خواهد شد. اما از هم اکنون باید خاطر نشان کرد

که دیگر لازم نیست افراد، زندانی سابق و مامور پلیس یا پزشک زندان باشند (یعنی به نحوی با تبهکاران در تماس باشند) تا درباره زبان مخفی مطالعه کنند. این امر هم به تغییر و تحول زبان مخفی و هم به تغییر و تحول در علوم اجتماعی مربوط می‌شود. در ابتدای این بخش بر جنبه ادبی منابع زبان مخفی تاکید شد اما تحولات روش شناختی موجب شده است عصر جدیدی بر پایه جامعه‌شناسی زبان و مشاهدات گروهی و رسانه‌های مدرن آغاز شود. وقتی که زبان مخفی در رادیو، تلویزیون یا سینما رایج می‌شود و در پیام‌های بازرگانی همواره از واژه‌های مخفی استفاده می‌شود، جایگاهش لزوماً تغییر می‌یابد. بعضی‌ها از روی مد اصطلاحات زبان مخفی را که از رسانه‌ها شنیده‌اند تکرار می‌کنند. مثلاً دبیرستانی‌های محله‌های مرفه واژگان ورلان را به کار می‌برند. برخی دیگر که این واژگان را ساخته‌اند، واژگان دیگری ایجاد می‌کنند تا فاصله گروه خود را با مقلدان زبان مخفی حفظ کنند به همین علت در حومه پاریس ورلان بی‌وقفه در حال تحول است. خبرنگاران و زبان‌شناسانی که این داده‌های زبانی را توصیف می‌کنند مجبور می‌شوند داده‌های خود را تغییر دهند. هنگامی که پدیده‌ای زیر ذره‌بین می‌رود تغییر می‌یابد به عبارتی زمانی که مطالعات پیچیده و عالمانه درباره زبانی مخفی صورت می‌گیرد که پیش از آن مورد شناخت عوام نبود، آن زبان به زبانی معمولی تبدیل می‌شود. زبان مخفی معاصر با همه تحولاتش به ما نشان می‌دهد که زوج جاودانه ناظر / منظور با تاریخ تحول می‌یابد.



فرایندهای معنایی

واژه‌سازی زبان مخفی

«ویژگی یک زبان برای بیان هر چیز و نهان کردن هر چیز، تعدد استعارات آن است. استعاره همان معمایی است که سارق برای دسیسه چینی سرقتش یا زندانی برای نقشه فرارش به آن پناه می‌برد. هیچ زبانی بیش از لوتری استعاره ندارد.»

ویکتور هوگو

با شنیدن واژه‌های از زبان مخفی می‌توان دو سوال پرسید. پرسش اول «معنایش چیست؟» در پی نقش رمزآمیز زبان مطرح می‌شود. اما جواب این سوال اطلاعاتی بسیار محدود می‌دهد زیرا این سوال باید برای هر کلمه پرسیده شود.

پرسش دوم «این چگونه است؟» یا «چرا فلان کلمه فلان معنایی دارد؟» نشانگر اهمیت دادن به فرایندهای واژه‌سازی در زبان مخفی است و اغلب اوقات هرگاه به پرسش دوم پاسخ داده می‌شود جوابی نیز برای سوال اول پیدا می‌شود. به همین علت به جای تلاش برای تهیه فهرستی از کلمات هم معنا (قاموس) بهتر است تلاش شود این فرایندها رده‌شناسی شوند. برخی تحلیلگران اقدام به این کار کرده‌اند.

۱- رده‌شناسی‌های سستی

الف وان گنپ در سال ۱۹۰۸ به نقل از ار. لاش نویسنده‌ای آلمانی چهار فرایند واژه‌سازی زبان مخفی تشخیص داده است که عبارتند از:

— اطناب

– وام‌گیری از زبان‌های خارجی

– کهنه‌گرایی

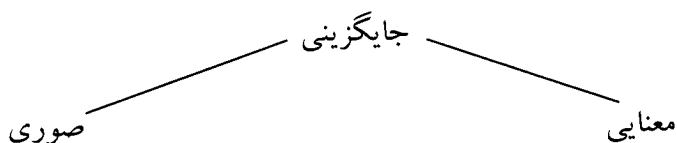
– تغییراتی با افزودن آوا و هجا یا دوگان‌سازی

او افزوده بود «هر چند این طبقه‌بندی صحیح است، به نظرم چندان برای مسئله زبان‌های خاص مفید نیست. حتی یکی از این فرایندها مختص زبان‌های خاص نیست و در زبان‌های متعارف نیز وجود دارد.» او می‌گفت بهتر است در زبان‌های خاص:

الف. کلماتی برجسته شوند که ریشه‌ای نامرسوم دارند. واژگان بیگانه و کهنه و ابداعی (که معمولاً با معادل‌سازی ایجاد می‌شوند) در این قسمت جای می‌گیرند.

ب. واژگانی تشخیص داده شوند که از عناصر رایج در زبان عمومی ساخته شده‌اند. این‌ها اغلب واژگان توصیفی یا واژگان معمولی هستند که از طریق افزودن هجا در مکان دلخواه یا دوگان‌سازی تغییر می‌یابند.

پی‌یر گیرو در کتاب زبان مخفی در سال ۱۹۵۶ گفته است که میان جایگزینی معنایی و جایگزینی صوری تمایز قائل شویم. رده‌شناسی گیرو به این صورت است:



رمزها

لارگونژی

لوشبم

ورلان و غیره

افزودن پسوندی زائد

mézigue (moi) من

صفت یا استعاره

وکیل = (وراج) bavard

قاضی = (فضول) curieux

دبر = (رقاص والس) valseur و غیره

هم‌معنایی

سر = (میوه) fruit: در نتیجه به سیب و توت‌فرنگی و لیمو

- و کدو قلیانی و سیب زمینی و شرنگ و امثال آن هم سر
 tézigue (toi) تو
 گفته می‌شود.
 valdingue (vous) شما
هم آوایی
 pardingue (pardon) ببخشید
 - به شهر Cachan (کاشان) رفتن (aller à cachan)
 sourdingue (sourd) کر
 (se cacher) (پنهان شدن)
 poulaga (poule) پلیس
 - از شهر تورن (تورینو) بازگشتن (revenir de Turin)
 Postaga (poste) پست
 = از شکار دست خالی برگشتن
 به شهر Niort رفتن (aller à Niort) = انکار کردن
 (Nier) و غیره

در هر صورت اگر نقش واژگان زبان مخفی پنهان کردن معنی و محدود کردن ارتباط به محفل آشنایان باشد به دو روش می‌توان به این هدف دست یافت: یکی پنهان کردن صورت از طریق فرایند بازی با معنی است (در این صورت واژه نفوذناپذیر و ناشناس می‌شود) و دیگری تغییر معنی صورت شناخته شده با بازی بر روی مدلول است (که در این صورت واژه به اشتباه نفوذپذیر می‌نماید). در این بخش به فرایندهای بازی با معنی پرداخته می‌شود.

۲- چارچوب معنایی

واژه‌سازی زبان مخفی عامیانه اغلب محصول «دستگاه‌های واژه‌سازی» یا همان ساختمان معنایی است. ساختمان آغازین مثل معادله‌ای در ریاضیات است: از آنجا که پول برای خرید آذوقه به کار می‌رود پس نام چیزی را که خورده می‌شود به خود می‌گیرد. این امر بدیهی که تقریباً جهان شمول است «یعنی پول همان نان است» عمیقاً در زبان رخنه کرده است. نان در می‌آوریم تا «دیگ» را بجوشانیم یا در اسفناج «کره» بریزیم. در اصطلاحات روزمره می‌توان تحول سطح زندگی مردم فرانسه را مشاهده کرد: ابتدا همان طور که ذکر شد نان در آورده می‌شود، سپس با بهبود اوضاع اجتماعی و تضمین نان روزمره مردم به

دنبال پول بیفتک در آوردن (gagner son bifteck) رفتند. بنابراین کاربرد واژگان خوراکی برای نامیدن پول امری شگفت نیست و قبل از هر چیز پایه غذای فرانسوی تا قرن نوزدهم یعنی نان همان پول نامیده می‌شد. پس نباید تعجب کرد که واژگانی چون (گندم) blé و (کلوچه) galette و (بیسکویت) biscuit و (ترشک) oseille و واژه قدیمی michon معنای پول گرفته‌اند. michon در قرن هفدهم نان معنی می‌داد و نزدیکی این واژه به miche (گرده نان) نیز از همین امر حکایت دارد. برخی واژگان دیگر نیز که معنای آنها نامفهوم‌تر است نیز با مواد خوراکی سروکار دارد. این واژگان عبارتند از: fric بر گرفته از fricot (غذا)،

pognon بر گرفته از pogne که نانی محلی در منطقه لیون و جنوب شرقی فرانسه است. braise: پول لازم برای خرید آذوقه.

Pèze از واژه لاتین pisum (نخود). برخی‌ها نیز این واژه را به فعل peser یعنی وزن کردن (چیزی که در جیب سنگین می‌کند) نسبت می‌دهند.

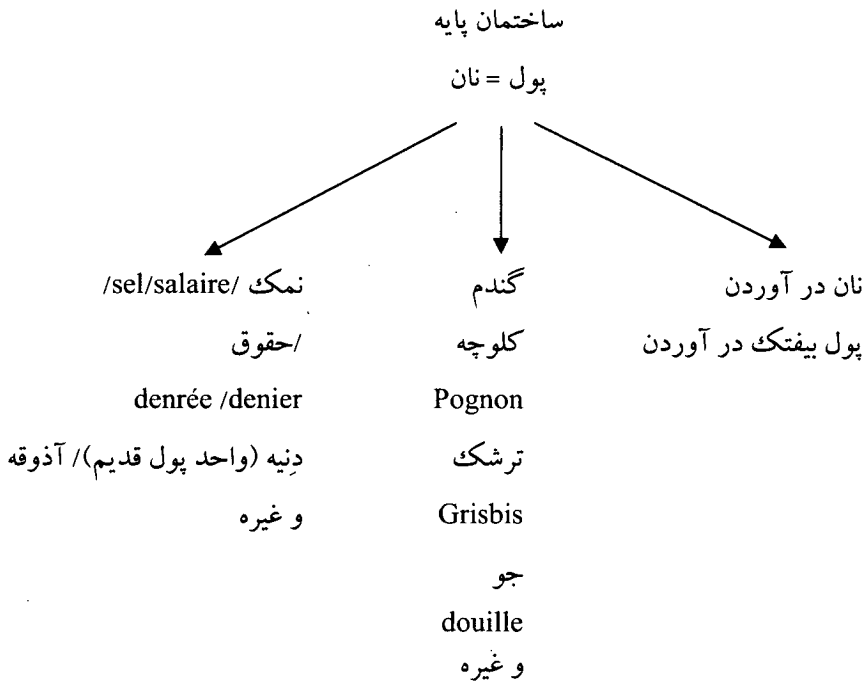
artiche: به گفته بعضی‌ها این واژه از artichaut (کنگر فرنگی) می‌آید و به گفته بعضی دیگر از artie می‌آید که در زبان مخفی قرن هفدهم نان معنی می‌داده است. خود کلمه artie از arton گرفته شده است این واژه در اصطلاحات دارودسته صدفیون مصطلح است و مستقیماً از αὐτοπ (یونانی (نان) آمده است.

carne: (نان سفید که اشاره‌ای به رنگ لباس کشیش‌ها نیز بوده است). و الی آخر.

اما کلمه مشکل‌ساز دیگری هم وارد ساختمان معنایی شده و آن grisbi است. در کتاب اصطلاحات اصلاح شده زبان مخفی (۱۶۲۸) کلمه grisbi معنای آسیابان می‌داد. اما آن زمان آسیابان شهرت خوبی در صداقت و درستکاری نداشت و به همین علت خیلی زود این واژه معنای «دزد» گرفت.

آریستید بروان این واژه را به شکل grisbi به معنای پول آورده است و در قرن بیستم با رمان به پول دست‌نزد (۱۹۵۳) نوشته آلبر سیمونن دوباره به روز در آمد. می‌توان دو ریشه را تصور کرد که هر دو به نان منتهی می‌شود. از یک سو می‌توان به صورت کهنه آن

(grisbis) برگشت که در آن حالت این واژه معنای آسیابان می‌دهد (آسیابان - نان - پول) از سوی دیگر می‌توان به ترکیب (gris-bis) نزدیک شد که از دو اصطلاح pain gris و pain bis (نان سیوس دار) گرفته شده است. شکل کلی ساختمان معنایی به این صورت است:



همان طور که می‌بینیم ساختمان پایه (پول = آذوقه) به واژگان زبان مخفی محدود نمی‌شود. نمونه‌هایی چون salaire (حقوق) (یعنی پولی که با آن می‌توان نمک (sel) خرید) یا denier (پول قدیم فرانسه) (مبلغی که می‌توان با آن آذوقه (denrée) خرید) به خوبی نشان می‌دهد که زبان رایج نیز از این ساختمان معنایی استفاده می‌کند.

زبان مخفی یا عامیانه فرانسوی همچنین به روش دیگر یعنی توسل به روش مجازی روی آورده است تا مبالغه‌های مختلف پول را مشخص کند. بسیاری از دانش آموزان در زبان فرانسوی به یکدیگر می‌گویند t'as pas cent balles (یه صدی نداری قرض بدی؟)

واژگانی نظیر (unité, bâton, brique, sac, rond, rotin, balle) نیز از همین منطق پیروی می‌کنند. با اینکه پول به طور کلی چیزی نامیده می‌شود که امکان خرید آذوقه را فراهم می‌کند، مبلغی معین در زبان زبان مخفی با توجه به حجم پول یا چیزی که می‌توان با آن خرید، به صورت واژگان زیر نامیده می‌شود:

— une balle (یک توپ) که ارزش آن یک فرانک است: هم به ظاهر گرد سکه اشاره دارد (در اصطلاح rond (گرد) نیز همین تصویر به کار رفته است) و هم به توشه‌دان کالایی که با این مبلغ می‌توان به آن دست یافت.

— un sac (یک کیسه) معادل ۱۰ فرانک. با این مبلغ می‌شد یک کیسه کالا خرید.

— une brique (یک آجر) معادل ۱۰۰۰۰ فرانک یا یک میلیون فرانک قدیمی. قرار دادن هزار اسکناس هزار فرانکی روی یکدیگر تقریباً شکلی مثل آجر می‌سازد.

— unité (واحد): این واژه نشان می‌دهد در جامعه‌ای که در آن تجارت رونق دارد، بازرگانان مایلند مبلغهای کلان را بشمارند. علت اینکه unité (واحد)، bâton (چوب) نیز نامیده می‌شود شاید به خاطر شمارش باشد. تجار ترجیح می‌دادند به جای نوشتن ارقام شکل یک چوب را بکشند. به این ترتیب می‌بینیم که در زبان مخفی فرانسوی از تصاویر استعاری زیادی استفاده شده است. پول با balles و sacs و bâtons و briques و unité شمرده می‌شود. همه این عبارات به حجم پول یا ارزش خرید کالاها اشاره دارد.

تحولات مذکور ثابت می‌کند که پس از برقراری ساختمان معنایی (که ریشه‌هایش در وضع زندگی و جامعه است) می‌توان تا بی‌نهایت واژه جدید ساخت. به سادگی به پول می‌توان گفت خاویار (caviar) یا کباب‌بره (méchoui) و غیره. همچنین ممکن است ساختمان معنایی در تصویر ریشه داشته باشد. مثلاً واژه سر (tête) ممکن است ابتدا نوعی ظرف برداشت شود و کلمات (کله) bouille، مشتق از bouillotte (کیسه آب جوش و کتری) و fiole (ظرف شیشه‌ای) و cafetière (قهوه‌جوش) به آن نسبت داده شود. سر همچنین ممکن است میوه‌ای را تداعی کند و واژگان fraise (توت‌فرنگی) و pêche (هلو) و

cerise (گیلاس) و citron (لیمو) و citrouille (کدو تنبل) و patate (سیب زمینی) و poire (گلابی) و غیره همه معنای سر پیدا می‌کنند.

واژگان زبان مخفی مربوط به قواد نیز نمونه‌ای دیگر از ساختمان معنایی است. واژه proxo تلخیصی از proxénète (دلال محبت) است که پسوند /o/ به آن افزوده شده است. این فرایندی رایج است که در بخشی دیگر به آن پرداخته خواهد شد. واژه maquereau نیز دیگر گزینه قواد در زبان مخفی است که مطالب زیادی درباره ریشه‌اش نوشته شده است. این یکی از قدیمی‌ترین واژگان زبان مخفی فرانسه است و تاریخ آن به قرن سیزدهم بر می‌گردد. داستانی جالب نیز درباره‌اش وجود دارد که بعداً ثابت می‌کنیم کاملاً غلط است. ماهی ماکرو یا سیب‌اه (maquereau) در زمان‌های گذشته به این نام خوانده شده است زیرا در فصل جفتگیری واسطه‌ای میان شاه‌ماهی‌های نر و ماده بوده است.

در فرهنگ ریشه‌شناسی بلوک و وارنبورگ نیز نوشته شده است: «ماهی» maquereau «ماهی»، ۱۱۳۸ به احتمال زیاد به معنای واژه قبلی براساس اعتقادات عوام، ماهی ماکرو، همان طور که مشهور است، شاه‌ماهی‌ها را در مهاجرشان همراهی می‌کند و نقشش نزدیک کردن ماهی‌های نر به ماهی‌های ماده است.»

مقصود از چنین توضیحی این خواهد بود که واژه maquereau پیش از آن که معنای ماهی بدهد به معنای قواد بوده است. مشکل اینجا است که واژه maquereau به معنی ماهی دو قرن قبل از قواد پدید آمده است. پی‌یر گیرو زبان‌شناس در کتاب «ساختارهای ریشه‌ای واژگان فرانسوی» در سال ۱۹۸۶ ثابت کرد نام ماهی از ساختمان معنایی mak به معنای لکه آمده است (یعنی دقیقاً از فعل maculer لکه کردن). بنابراین mak هم معنی نام ماهی maquereau را توجیه می‌کند (ماهی راه‌راه) و هم نام groseilles à maquereau (نوعی انگور فرنگی یا تمشک) را. برخلاف آنچه تصور می‌شود این میوه در تهیه سس ماهی ماکرو دخالت ندارد بلکه علت این نام، خال‌های مشکی روی آن است. واژه maquereau به معنای «دلال محبت» نیز با وجود تشابه هیچ ربطی به ماهی ندارد بلکه ریشه‌اش واژه هلندی makelaer از فعل maken (انجام دادن است) است.

اما نکته قابل توجه این است که پس از آنکه تصور شد ماهی ماکرو پاندا از معنی می‌دهد ساختمان معنایی آن شکل می‌گیرد و اسامی همه ماهی‌ها برای نامیدن قواد ممکن است در فرانسوی به همان معنی باشد: brochet اردک ماهی، barbeau ماهی ریش‌دار، barbillon ماهی ریش‌دار، dos-bleu پشت آبی، hareng شیرماهی، poiscaille ماهی.

در قرن پانزدهم در زبان مخفی دارودسته صدفیون واژه «fourbir» به معنای دزد مصطلح بوده است. این کلمه از فعل «fourbir» به معنی تمیز کردن جسمی فلزی و برق انداختن آمده است. بنابراین دزد یا همان fourbe به nettoyeur (پاک کننده) تبدیل شده است. اینجا تصویری دیگر داریم که موجب ایجاد ساختمانی معنایی از تمیز کردن به معنای دزدیدن می‌شود. به این ترتیب فعالیت دزدی laver شستن، nettoyer پاک کردن، blanchir سفید کردن، lessiver با مواد شوینده شستن، éponger دستمال کشیدن، essorer چلانیدن، rincer آب کشیدن و repasser اتو کردن هم نامیده می‌شود. اصطلاحی نظیر «se faire nettoyer» (شسته شدن) معنای «مالباختن» می‌گیرد. همین ساختمان در زبان مخفی قرن پانزدهم فعل polir (برق انداختن) را به دزدیدن تبدیل کرده است که واژه (بیچه تخس) polisson از آن گرفته شده و هنوز در زبان معاصر مصطلح است.

واژه‌هایی که بخت و اقبال معنی می‌دهند، اغلب مقعد را تداعی می‌کنند. واژه‌های anneau (حلقه)، bagouse (انگشتر)، bague (انگشتری)، bol (کاسه)، cul (دُپُر)، fion (جارو)، oignon (پیاز)، pot (نشیمن)، prose (نشیمن)، vase (گلدان، لگن) که همگی ممکن است معنای دُپُر (cul) بگیرند، در اصطلاحاتی نظیر avoir du cul (شانس آوردن)، manquer du cul (بد آوردن) quel cul! (عجب شانس!) و غیره معنای اقبال می‌دهند. آلبر سیمونن این ساختمان معنایی را چنین توضیح می‌دهد:

«شاید در اصطلاحاتی که معنای خود را از دست داده‌اند، اشاره‌ای ناخودآگاه به موفقیت‌های بی‌نظیر نوجوانانی شده است که در زمانی با شخصیت‌های قدرتمند مافیا روابطی غیرعادی داشته‌اند.»

واژه‌های زبان مخفی مربوط به مامور پلیس با همین اصل ساختمان‌های معنایی متفاوتی دارند. نخستین ساختمان به تصویر مامور پلیسی اشاره دارد که به دنبال اطلاعات می‌گردد درست مثل «مرغی» (un poulet) که دنبال دانه می‌گردد.

بنابراین معنی‌های زیر برای پلیس به دست می‌آید:

— perderau: (که در ورلان به drauper تبدیل شده است) جوجه کبک .

— piau: گنجشک

— poulardin: جوجه

— poulman: مرغ

— hironnelle: پرستو

— poulaillie: مرغ

— la maison poulaga: مرغدانی

— volaille: طیور

— roycou: مرغ

این مامور پلیس که اطلاعات را از این سو و آن سو جمع‌آوری می‌کند اغلب لباس شخصی است. در کنار ماموران لباس شخصی که به دنبال سرخ می‌گردند، ماموران پلیس با یونیفورم تصویری خشونت‌آمیز گرفته‌اند. به آنان cogne (از فعل cogner ضربه زدن) bourre (افراد را مورد ضرب و شتم (bourrer) قرار می‌دهند) گفته می‌شود. و نیز واژگان bourrin (اسب) و bourrique (خر ماده) هم به پلیس اطلاق می‌شود. این عبارات به تصویری قدیمی بر می‌گردند. در قرن پانزدهم در میان دارودسته صدفیون به پلیس roue (چرخ) گفته می‌شد و این اشاره‌ای به شکنجه چرخ بوده است در آن صورت جلاد rouastre یا rouart نامیده می‌شد. ویدوک در مثال‌هایش واژه roue (چرخ) را برای اداره پلیس و rouart (جلاد شکنجه چرخ) را برای مامور پلیس به کار برده است. این واژگان معنایی پیچیده دارند که از یک سو از roue (چرخ) و اشاره به شکنجه گرفته شده است و

از سوی دیگر معنی ضمنی آنها به فرد موحنایی (roux) مرتبط است که از زمان یهودا نماد شخص خائن است. علاوه بر آن بار معنایی اش به roussin نیز بر می گردد که نوعی یابو و خر است. افزون بر اینها bourrin در غرب فرانسه خر و اسب چموش است. بنابراین واژه bourre مثل bourrique و bourrin در تقاطع این معنی های متفاوت قرار دارد که هم فعل bourrer (مملو کردن از ضربه) را یادآور می شود و هم اسب را و در پس همه آنها صورت roussin تداعی کننده چرخ و موهای حنایی خائن است.

آخرین نمونه واژه guigne به معنی بدیمنی و نحثی است. این واژه از فعل guigner به معنی «طلسم کردن» و «چشم زدن» آمده است. اما شباهت ظاهری آن با واژه guigne به معنی نوعی گیلان موجب شده است واژه cerise (گیلاس) هم بدیاری معنی دهد. در همه این صورت ها در الگوهای واژه گزینی شاهد تصویری اولیه هستیم که قابل توجیه است و واژه را برای کاربران رمز شفاف می سازد اما برای آنهایی که واژه را نمی شناسند کاملاً مات و کدر می نماید.

۳- آیا ساختار معنایی جهان شمول نیز وجود دارد؟

نمونه های بالا همگی از زبان مخفی فرانسوی یا زبان عامیانه فرانسوی برداشت شده است. این پرسش را می توان مطرح کرد که آیا تصاویری جهانی وجود دارد که در زبان های گوناگون اجازه ایجاد معنای مشابهی از کلمات متفاوت را بدهد؟ بعضی مثال ها به این پرسش پاسخی مثبت می دهد. مثلاً ساختمان معنایی اسامی پول فقط به فرانسوی محدود نمی شود در زبان مخفی ایتالیایی پول grano یعنی graine (بذر) ترجمه می شود، در زبان مخفی انگلیسی bread (نان) یا dough (خمیرنان) گفته می شود. در زبان مخفی اسپانیایی به آن pasta (خمیر) یا trigo (گندم) گفته می شود و زبان مخفی یونانی آن را psomi (نان)

می‌نامد و به زبان چینی fanwan (کاسه برنج) به معنای کار یا حرفه است. این جا شغل به معنای نان در آوردن نیست بلکه برنج در آوردن معنایی می‌دهد*.

در دوران استعمار اصطلاحی در زبان فرانسوی منطقه مغرب رایج شد که معنای انتقال سریع و کنترل‌ناپذیر خبر را می‌داد. این اصطلاح téléphone arabe یا تلفن عربی است. این اصطلاح از لحاظ ساختاری بسیار جالب است زیرا فناوری پیشرفته‌ای (تلفن) را به صفت (عربی) نسبت می‌دهد و در افکار آن زمان در معنی ضمنی صفت «عربی»، هر چیز آشفته و تقریبی نهفته بوده است. (مثلاً برای «کار سرهم‌بندی و بی‌دقت» اصطلاح travail arabe (کار عربی) استفاده می‌شد.) به موازات تلفن عربی و در همان زمان استعمار اصطلاح تلفن قبیله‌ای (téléphone kabyle) به همان معنی رایج بود. در سنگال این اصطلاح به téléphone de brousse («تلفن بیشه‌ای») تغییر پیدا کرد و سپس در مناطق آفریقایی سیاه‌پوست‌نشین فرانسوی زبان در مورد رادیو به کار رفت: radio bambou رادیو بامبو در نیجر رادیو بائوب radio baobab یا رادیو سیکاپ بائوباب در سنگال، رادیو تریشویل radio Tricherille در ساحل عاج و رادیو غیت radio cancan یا رادیو پیاده‌رو radio trottoir در کشورهای مختلف رایج شد. همه این اصطلاحات عامیانه بر پایه یک ساختمان معنایی استوار است:

عربی، قبیله‌ای

تلفن + بیشه‌ای

یا غیت، پیاده‌رو

* در زبان فارسی نیز اصطلاحات: نان در آوردن، یک لقمه نان، نان خشک و روزی تازه، نان بخور و نمیری دارد، مثل نان گدایی، آدم زنده نان می‌خواهد. نان دروغ نمی‌شود، نان را باید به نرخ روز خورد، نان شب به نان شب نمی‌رسد، نان شب پخته است، نان شب توی روغن است، نان شب آجر شد، همگی با پول مرتبط است (مترجم).

رادیو

باتوباب، تریشویل و غیره

یعنی از یک سو به یک فناوری قابل اعتماد اشاره می‌شود و از سوی دیگر به متضاد آن (بدگویی‌ها، پیاده‌رو، محله مردمی تریشویل و ...) به موازات آن معنی آن دگرگون شد و امروزه فقط معنای انتقال سریع و نامطمئن خبر را نمی‌دهد بلکه شایعه‌ای مهار نشدنی را که bruists de chiottes (سر و صدای مستراح) نیز نامیده می‌شود، هم در بر می‌گیرد. گرایش مشابهی در زبان مخفی نظامی امریکا در دوران جنگ جهانی اول صورت گرفت. جاناتان لایتر در این باره واژه‌های latrine news و latrine telegraph و latrine rumor و غیره را برای آنچه در زمان فرانسوی «سر و صدای مستراح» نامیده می‌شود به کار برده است.

بنابراین این مقوله جای تحقیق و مطالعات تطبیقی دارد تا در وهله نخست مشخص شود آیا همه زبان‌های مخفی در زبان‌های مختلف از اصل ساختمان معنایی استفاده می‌کنند و در گام بعدی مشخص شود آیا این ساختمان‌ها مثل ساختمان پول قابل مقایسه و تشبیه هستند؟

۴- دامنه‌های زبان مخفی

در کنار فرایندهای بازی با معنی، دامنه وسیع معنایی زبان مخفی نیز وجود دارد برخی مدلول‌ها، دال زبان مخفی ندارند، در حالی که بعضی دیگر تعداد زیادی دال دارند. واژه نامه ای فرانسوی - زبان مخفی به فرهنگ زبان مخفی نوشته پل کولن و ژان پی-یر مهول ضمیمه شده است که مطالعه اش جالب توجه است. در میان چند صد مدخل فرانسوی بسیاری از آنها فقط یک یا دو معادل زبان مخفی دارند. مثلاً برخی از ملیت‌ها نظیر tunisien (تونسی)، porto برای portugais (پرتغالی)، ricain یا amerloque برای américain (آمریکایی) یا واژه‌های flotie برای حمام (bain)، zarbi برای عجیب (bizarre)، barbot برای اردک (canard)، bouguiste برای ساعت‌فروش (horloger)، frangine برای خواهر (soeur) و شکل و رلان آن carante negifran برای میز (table)، douloureuse برای چمدان (valise) به کار رفته است.

اما کمتر از صد مدخل معادل‌های متعددی دارند که گاهی تعداد واژه‌های معادل به ده مورد هم می‌رسد. مدخل پول (argent) از نمونه‌های بارز آن است (که واژه‌های معادل زبان مخفی آن artiche و aspine و botte و tout و boulange و boules و braise و broque و bulles و broque و auber و beurre و blanc و blé و bob و candelabra و calerie و caisse و cadeau و cachet و demi-sac و demi-ambe و carle و carbure و carbi و douille و غیره است که در مجموع تعداد آنها به ۷۱ واژه می‌رسد). برای نوشیدن (boire) ۳۴ واژه و پنجاه اصطلاح، برای نیوتش (coïter) ۶۳ واژه و ۵۰ اصطلاح، برای مدفوع کردن ۱۳ واژه و ۱۸ اصطلاح، برای فرار کردن ۱۸ واژه و ۳۹ اصطلاح، برای نعوظ ۵ کلمه و ۱۹ اصطلاح، برای زن ۴۰ کلمه و ۴۰ اصطلاح برای دزدیدن ۶۲ واژه و ۲۰ اصطلاح و غیره به کار رفته است.

یکی از ویژگی‌های زبان مخفی کثرت واژه‌های مترادف است. زبان‌ها معمولاً برای نامیدن پول و عمل جنسی و پلیس یا روسپیگری نیازی به پنجاه واژه ندارند. همان طور که اسکیموها (یا اسکی‌بازان) برای نامیدن حالت‌های مختلف برف، واژگان بسیار زیادی دارند، به همان ترتیب هم افراد متکلم به زبان مخفی واژگانی دارند که به چیزهای کمی اشاره می‌کنند اما واژه‌های هم معنی بسیار زیادی دارند. برای درک این نکته که واژه‌های هم معنی فقط برای چند حیطه معنایی متعدد است، باید به یاد آورد که زبان مخفی ابتدا زبان خاص پیشه‌ای بوده است. برای مثال در فصل قبل ملاحظه شد که واژگان صدفیون مملو از عباراتی بود که برای روش‌های مختلف سرقت به کار می‌رفت. هر شغلی واژه‌های تخصصی خود را دارد و تبهکاران هم از این قاعده مستثنی نبودند. آنان جامعه‌ای تشکیل داده بودند که رفتار خاص و بازیگران خاص و دشمنان خاص خود را داشت بنابراین واژگان زیادی برای نامیدن آنها به کار می‌بردند. این جامعه برعکس اصلاً به مسائل سیاسی یا فلسفی اهمیتی نمی‌داد بنابراین هیچ واژه‌ای در این زمینه‌ها وجود ندارد. در واژگان آنان عبارات پول و نزدیکی مترادف‌های بسیار زیادی دارد در حالی که هیچ واژه‌ای برای عشق وجود ندارد. این دامنه زبان مخفی و این حیطه‌های معنایی مرتبط با واژگان متعدد به تاریخ

جوامع زبان مخفی و گروه‌های اجتماعی متکلم به زبان مخفی وابسته است. در پس این رمزها، قشری اجتماعی قرار دارد و واژگان آنان ردّ فعالیت‌های افرادی را که با این اقشار در ارتباط بودند، به ما می‌دهد. در خصوص واژگان مرتبط با مواد مخدر (drogue) مثالی می‌زنیم. به طور کلی در زبان مخفی فرانسوی مواد مخدر came نامیده می‌شود که تلخیص واژه camelote (جنس) است. اما پشت این عبارت حیطه معنایی بسیار دقیقی قرار گرفته است که به ترتیب در زیر آمده است:

– chnouf: ریشه آن واژه آلمانی Schnouptabak یعنی انفیة است که این واژه ابتدا برای مخدرهایی به کار می‌رفت که از طریق بینی استنشاق می‌شد و سپس مثل واژه came به کل مواد مخدر اطلاق شد.

– haschisch: (حشیش) واژه‌ای عربی است که معنای (گیاه خشک) می‌دهد. این کلمه H (هاش) هم نامیده می‌شود. دیگر اسامی آن chanvre (بَنگ) و herbe (علف) و luzerne (یونجه) و همچنین shit انگلیسی هستند که این واژه آخر در زبان فرانسوی گه هم ترجمه شده است. واژه shit در ورلان به teuch یا toch و haschisch به chichi تبدیل شده است.

– noir: (مشکی) برای تریاک (opium) به کار می‌رود که در زبان مخفی confiture (مری) هم نامیده می‌شود و دیگر اسامی آن op (تلخیص opium) و toufiane هستند. شیر تریاک نیز dross نامیده می‌شود که به انگلیسی scories ترجمه شده است.

– blanche: (سفید) به معنی هروئین است. هروئین ناخالص به brown sugar معروف است و دیگر واژه‌های مربوط به هروئین poudre (پودر) و smack (از to smoke انگلیسی) هستند.

– neige: (برف) و coke یا coco و sucre (شکر) و crack (کرک) واژگانی هستند که برای کوکائین به کار می‌روند dropau (ورلان poudre)، renifle یا respirette هم نامیده می‌شود. نحوه مصرف کوکائین (استنشاق) موجب رایج شدن عبارات فنی دیگری هم شده است. مثلاً کوکائین را به خط (ligne) می‌کنند و در نتیجه یک «خط می‌زنند.» (on se fait une ligne).

واژگان مرتبط با مصرف مواد هم بسیار زیادند. مصرف مواد به طور کلی chnoufer و se camer و se défoncer نامیده می‌شود. اگر مصرف مواد از طریق تزریق باشد فعل‌های se shooter و se fixer و se piquer برای به کار می‌رود. اگر قرار باشد مخدری توان فردی را بالا ببرد از فعل se doper (نظیر doping) استفاده می‌شود. اگر داروی مخدر مصرف شود فعل se speeder به کار می‌رود. سرنگ برای تزریق مخدر، piquose یا fixe نامیده می‌شود، مواد مخدر کشیدنی درون joint یا pétard قرار می‌گیرد. (که واژه آخر در ورلان tarpé شده است).

بنابراین در مقایسه با واژگان نسبتاً محدود زبان رایج (stupéfiants, drogues, se droguer)، در زبان زبان مخفی دقتی بسیار زیاد هست که از فنی بودن و تخصصی بودن واژگان حکایت دارد.

در مورد واژگان مرتبط با سرقت هم همین طور است. در بخش قبلی مشاهده کردیم که دارودسته صدفیون تخصص‌های مختلفی در انواع سرقت و کارهای اطراف آن داشتند (crocheteurs و vendeurs و bleffeurs و غیره).

این گونه تخصص‌ها در طول تاریخ زبان مخفی ادامه داشت. در محاکمه آتش‌افروزان واژه‌نامه مربوط به سرقت با اسنادی که پیش از آن درباره زبان مخفی وجود داشت، بسیار متفاوت بود. این واژگان عبارت بودند از:

— enturner = وارد شدن به خانه‌ای

— faire mouser la lourde = در را باز کردن

— faire une maison = از خانه‌ای سرقت کردن

— franc = پناه‌دهنده به سارق یا اموال مسروقه

— grinche = سارق

— grincer = دزدیدن

— passer le durier = از دیوار بالا رفتن

– poisser = دزدیدن

– torchir les tenants = شکستن در اشکاف‌ها

– travailler = دزدیدن

– travailler à la bombe = دری را شکستن

ویدوک نیز در واژه‌نامه فرانسوی – زبان مخفی در پایان کتاب دزدان فهرستی بلند و بالا از واژه‌های مترادف «دزد» تهیه کرده است که عبارتند از:

Fourlineur, rat یا raton, ramastique یا ramastiqueur, chiffonier, rabateux یا doubleux de sorgue, détourneur, garçon de cambrouze, graisse یا soulasse, grinche, posse, ouvrier, marchand de tire-teigne, caroubleur, blaviniste, careur, cambrioleuse, chanteur, charron, riffaudeur, romanichel et tireur et mion de boule, roulottier, tire-laine, cambrouzior, venternier, charrieur, pègre à marteau, boucadier, charrieur à la mécanique, papillonneur, pécoreur, potier, solliceur à la goure, suageur, trimballeur de pilier de boutanche, valtreuzier, vigie, emporteur, empousteur, fileur, aval-tout-cru, aumônier, arcasineur, limousineur, nep, nonne یا nonneur.

اما این واژگان کاملاً هم معنی نیستند و به جز poisse و grinche که دزد را به طور کلی مشخص می‌کنند، هر کدام به فن خاصی از دزدی و مهارتی ویژه مربوط می‌شود. برات مثال rats (موش‌های صحرایی) سارقان اتاق‌های مهمان‌سراها هستند، suageurs (آتش‌افروزان) پاهای قربانیان خود را داغ می‌کردند تا از آنان درباره محل اختفای دارایی‌هایشان اعتراف بگیرند، papillonneurs فقط از کالسکه‌های رخت‌شورها سرقت می‌کردند، tireurs (تیراندازان) در سرقت مسلحانه تخصص داشتند، caroubleur دزدی است که با همدستی خدمه و کارگران از خانه‌ای سرقت می‌کند و غیره.

امروزه نیز در زبان مخفی واژگانی خاص وجود دارد که مردم عادی چیزی از آن سر در نمی‌آورند یا اگر هم متوجه معنای کلی آن شوند، به اختلاف‌های جزئی آنها پی نمی‌برند.

امروزه مثلاً اصطلاحات زیر مصطلح است:

— vol à l'étalage (سرقت از بساط) هنگامی که فروشنده‌ای از بساط خود غافل شود، سارق از آن سرقت می‌کند.

— vol à la tire (جیب‌بری): سارق با دو انگشتش کیف جیبی مسروق را می‌رباید این سارق که tireur (جیب‌بر) نام دارد به سرعت کیف مسروقه را به همدستی (به نام trimballeur) می‌دهد تا از شر آن خلاص شود.

— vol à l'arraché (کیف‌قاپی) به کمک موتورسیکلت یا با موتور گازی کیف فردی را قاپیدن.

— vol à la roulotte (سرقت لوازم داخل خودروهای پارک شده به خصوص دستگاه ضبط آنها).

— enquillage: پنهان کردن جنس سرقت شده میان رانها (quilles). این کار را معمولاً زنی به نام enquilleuse انجام می‌دهد. (زیرا این فعالیت به پوشیدن دامن نیاز دارد) و غیره.

بعضی از این روش‌ها به زبان ورلان نیز نامیده می‌شوند مثلاً chéara همان vol à l'arraché است و reti جیب‌بری است (vol à la tire). علاوه بر اینها، تعداد قابل توجهی مترادف برای فعل دزدیدن وجود دارد که بعضی از آنها chouraver و chourer و faucher و taxer و tirer و piquer و étouffer و ratisser و repasser و غیره هستند. امروزه همه در فرانسه با این واژگان آشنایی دارند و سلیقه‌ای از هر یک استفاده می‌کنند.

اما واژگان مربوط به اخاذی (chantage) کمتر شناخته شده است مثلاً goualeur (آوازه‌خوان دوره‌گرد) و rossignol (بلبل) برای اخاذی‌بگیر به کار می‌رود فعالیت این فرد gouale یا musique است. برای خرید کالای مسروقه نیز باید نزد fourgue (مالخر) یا fourgat (مالخر) یا carreur (پنهان‌کننده کالا) رفت. همان طور که پیشتر نیز ذکر شد، این حیطه‌های بسیار دقیق معنایی مختص زبان خاص مشاغل است. نجاران و کشاورزان و ماهیگیران و امثال آنها هم واژگان خاص خود را دارند زیرا باید به دقت اشیا یا اعمال مرتبط با پیشه خود را بنامند و این از درک افراد غیرمتخصص خارج است. مثلاً واژه‌ای را

که مردم عادی و غیرمتخصص رنده (rabot) می‌نامند، مبل سازان bouvet و doucine و feuilleret و gorget و guillaume و guimbarde و riflard و varlope می‌نامند و تفاوت هر یک از اینها نیز برای مبل سازان بسیار مهم است.

در پایان این بخش به دو نمونه استفاده ادبی از این الگوها اشاره می‌شود. اولین مورد ترانه‌ای به اجرای موریس شووالیه است. نام این ترانه «هر چه می‌خواهید اسمش را بگذارید» یا «ترانه زبان مخفی» است. (متن آن از ژان بویه و موسیقی‌اش اثر ژرژ وان پاریس (۱۹۳۹) است). این ترانه به خوبی کثرت مترادف‌ها را نشان می‌دهد:

رودرواسی نکنین، می‌تونین کلمتون رو انتخاب کنین تخت، plume (پلوم)، pucier (پوسیه)، pageot (پاژو).

هر چی دلتون می‌خواد اسمش رو بگذارید، به من چه. فقط مهمه که توش زنم، régulière (رگولیهر)، Gonzess (گونزس)، houri (حوری)، musaraigne (موزارینی)، ménesse (منس)، souris (سوری) باشه.

هر چی دلتون می‌خواد اسمش رو بذارید، به من چه. فقط مهمه که مرد، پول کلان، fric (فریک)، blé (بله)، oseille (اوزی)، braise (برز)، picaillons (پیکایون)، flouze (فلوز)، یا pèze (پز) داشته باشه.

هر چی دلتون می‌خواد اسمش رو بذارید، به من چه. فقط مهمه که تو جیام، تو profond (پروفون)، تو fouilles (فوی)، تو morlingue (مورلنگ) پر باشه ...

مثال شعر رب تون تون داوید (Tonton David) به نام mon v است و خواننده سرقتهای مختلفش را در گذشته در این شعر توصیف کرده است. چند واژه‌ای که بیشتر عنوان شد به صورت ورلان مشاهده می‌شود:

۷۹ می‌رویم جیب‌بری (reti)

فقط در مترو در بازار هم

۸۹ قرار ملاقات در ونسن (Vincennes)

در زمین دوچرخه‌سواری برای CR زدن

۸۱ دوران کیف‌قاپی (chéara) است

به XT۵۰۰ در تقاطع (stepo) آنجا

۸۲ دوران گند زدن است (peta)

پول‌داری، خوش‌تیبی، بریم.

۸۴ بازگشت به جیب‌بری (reti)

در مترو نه، در اورلی، و رواسی ...

۵- تصاویر زبان مخفی

پی‌یر گیرو سه نوع واژه در زبان مخفی شناسایی کرده است که عبارتند از:

– واژگان فنی که مستقیماً با سبک زندگی و اعمال تبهکاران مرتبطند.

– واژگان مخفی که بر اثر نیازهای فعالیت تبهکاران پدید می‌آیند و اغلب فعل‌های جالبی می‌آفرینند.

– واژگان زبان مخفی که همان کلمات مخفی سابق هستند و پس از آنکه نقش رمزآمیز خود را از دست دادند، نقشی هویتی پیدا کرده‌اند یعنی گویشوران زبان مخفی با استفاده از آن واژگان به خود هویتی می‌دهند و خود را متمایز می‌کنند.

واژگان فنی دامنه‌های زبان مخفی را دیدیم. در فصل بعدی روشی را که طبق آن زبان مخفی واژگان «مخفی» می‌سازد ملاحظه خواهیم کرد. فقط مطالعه آنچه گیرو «واژگان زبان مخفی» می‌نامد و بهتر است دنیای استعاری زبان مخفی یا «تصاویر زبان مخفی» نامیده شود، باقی می‌ماند.

ساختمان‌های معنایی پیشین گاهی جنبه رمزآمیز خود را از دست می‌دهند. در زبان فرانسوی هم می‌دانند «fourbe» دزد معنی می‌دهد یا فعل «fourbir» به معنی دزدیدن است و تقریباً همه فرانسوی‌ها اصطلاحاتی را که از فعل fourbir مشتق شده است می‌شناسند. اما

استعاره‌هایی که از واژگان رخت‌شویی گرفته شده‌اند بیشتر جنبه «رنگ‌آمیزی» زبان مخفی دارند تا نقش رمزآمیزی.

در اصطلاحات زیر، هدف رمزآمیزی نیست بلکه کاربرد برخی اصطلاحات تصویری است.

- | | | | | |
|--|-------------------|----|----|----|
| * changer d'eau ses olives | ادرار کردن: | | | |
| (آب زیتون‌ها را عوض کردن) | | | | |
| * ouvrir les écluses | | // | // | // |
| (دریچه‌های سد را گشودن) | | | | |
| * égoutter la nouille | | // | // | // |
| (ماکارونی را آب‌کش کردن) | | | | |
| * boucler sa bavarde | سکوت اختیار کردن: | | | |
| (از وراجی دست کشیدن) | | | | |
| * fermer son claque-merde | | // | // | // |
| پوزه خود را بستن | | | | |
| * se mettre un bouchon | | // | // | // |
| (چوب‌پنبه گذاشتن) | | | | |
| * chier dans la colle | اغراق کردن: | | | |
| در چسب ریدن | | | | |
| * faire un fromage | | // | // | // |
| پنیر درست کردن | | | | |
| * grimper aux arbres | | // | // | // |
| از درخت بالا رفتن | | | | |
| * avoir une casquette en peau de fesse | کچل | | | |
| کلاهی از پوست دُبُر داشتن | | | | |
| * agité du bocal | دیوانه | | | |
| تکان خورده در تُنگ | | | | |

در این موارد تصاویر جایگاه مهمی پیدا کرده‌اند:

واژه دیگری که مثال زدنش جالب توجه است castagne است. ریشه آن در لانگ‌دوک است که هم «مشت» معنی می‌دهد و هم «دعوا». فردریک میسترال در فرهنگ پرووانسی - فرانسوی، دو اصطلاح آورده است که ریشه این تصویر را نشان می‌دهند:

«داغ شده» la castagno tubo:

«الان می‌ترکه» la castagno peto:

در حقیقت اینها شاه بلوط‌هایی هستند که روی آتش داغ می‌شوند، می‌ترکند، به این سو و آن سو می‌جهند به هم برخورد می‌کنند درست مثل تصویر دعوا. پس با توجه به این تصویر در زبان مخفی ضربه «marron» (شاه‌بلوط) یا «châtaigne» (نوعی شاه‌بلوط) نامیده می‌شود. این تصاویر و عبارات به شکلی طراحی شده‌اند که معنی را به مخاطب می‌رسانند. چنین اصطلاحاتی اغلب به اغراق و بزرگ‌نمایی گرایش دارند و هرگز میانه‌روی در کار نیست.

در زبان مخفی جوانان همواره از اوصافی نظیر «hyper» و «méga» یا «super» (به معنای خیلی زیاد) استفاده می‌شود. مثلاً جوانان هرگز به کسی «con» (احمق) نمی‌گویند بلکه «grand con» و «super con» و «sale con» و یا برعکس «petit con» می‌گویند.

همه واژگانی که در زبان مخفی برای غذا یا غذا خوردن به کار می‌رود نیز، رابطه‌ای طنزآمیز یا تحقیرآمیز با مصداق خود دارند. این واژگان عبارتند از:

— ratatouille = غذای بد

— rata = غذای گند، جیره نظامی

— graille = خوردنی

— grailon = غذای مانده چربی مانده که این واژه تداعی کننده واژه grailonner = سرفه کردن است.

— tortore = غذا

— boustifaille = سورچرانی

– frichti = خورش

– jaffe = آتش

– bectane = خوردنی که از فعل becqueter (تُک زدن) می‌آید

– bouffe شکم‌چرانی

– boustiffe غذا

– boustifaille خوردنی

– briffe غذا

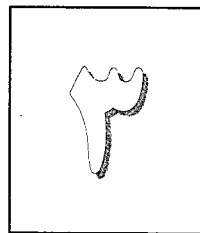
– croque لقمه

– croûte لقمه

– graine بخور و نمیر

در حقیقت هیچ یک از این واژگان تداعی‌کننده غذای خوب و خوشمزه نیست حتی واژه «gueuleton» به معنای سور و ضیافت به علت آنکه یادآور واژه «gueule» به معنای پوزه است تحقیرآمیز به نظر می‌رسد.

در همه این حالت‌ها نقش بیانی زبان غالب است. ابتدا هدف از بازی با معنی نقش رمزآمیز بوده است اما برخلاف رمز که در آن نام‌ها خنثی است، در این وضع دال رابطه‌ای را با جهان بیان می‌کند که طنزآمیز یا انتقادی یا خشونت‌آمیز یا تحقیرکننده است. بدین‌سان زبان مخفی ابراز درماندگی و فلاکت و غضب گویشوری است که این احساسات را در زبان خود بیان می‌کند.



فرایندهای صوتی

واژه‌سازی زبان مخفی

«اغلب اوقات لوتری برای گمراه کردن شنوندگان ناخواسته، به همه کلمات زبان نوعی دُم نفرت‌انگیز، یا پسوندی به صورت «aille» و «orgue» و «iergue» یا «uche» اضافه می‌کند. مثلاً این جمله «Vousiergue trouvaile bonorgue ce gigotmuche? Vous trouvez ce gigot bon?» یعنی «آیا این ریگو مورد پسند شما است؟» معنی می‌دهد. این جمله را کارتوش به زندانبانی گفته بود تا از او بپرسد آیا مبلغ پیشنهادی فرار کافی است؟ پسوند «mar» نیز به تازگی افزوده شده است.»

ویکتور هوگو

قبلاً گفته شد که یکی از راه‌های پنهان کردن معنا، کدر کردن صورت واژگان و تبدیل دال است در زبان مخفی برای این کار از دو روش استفاده می‌کنند: یکی کاستن بخشی از کلمه (تلخیص) یا افزودن چیزی به آن (وندافزایی) و دیگری تبدیل کلمه طبق قواعد ثابت.

۱- تلخیص و وندافزایی

یکی از اصول کلی تحول زبان‌ها و تغییرات در واژگان اصل کم‌کوشی است. این امر در تلخیص تجلی می‌یابد. این فرایند حذف یک یا چند هجا در ابتدا یا در انتهای واژه است. مثلاً در زبان رایج واژه prof برای professeur (استاد) ciné برای cinéma (سینما) که خودش تلخیص cinématographe است و métro برای métropolitain (مترو) به کار می‌رود.

از زبان نوجوانان دهه ۱۹۵۰ واژگانی چون *impec* تلخیص *impeccable* (به معنای بی‌عیب و نقص) *sympa* تلخیص *sympathique* (مطبوع) شنیده می‌شد و امروزه نوجوانان اصطلاحات *dèbe* (débile) (یعنی بی‌عرضه و کودن) و *gol* (تلخیص *mongolien*) (یعنی خنگ) را به کار می‌برند. این پدیده در واژگان خاص دبیرستانی‌ها و نظامیان بیشتر مشاهده می‌شود و واژه‌سازی زبان مخفی نیز از آن بهره می‌جوید.

چند نمونه از تلخیص پایانی در زیر آمده است:

— *blase* از *blazon* به معنای نام

— *clille* از *client* یعنی مشتری

— *occasse* از *occasion* به معنای فرصت استثنایی

— *perpète* از *perpétuité* یعنی ابد

— *vapes* از *vapeurs* (بخار) که اینجا معنای بیهوشی می‌دهد.

تلخیص آغازین در واژگانی چون *siflard* یعنی *sauciflard* (نوعی سوسیس) و *ricain* یعنی *américain* (آمریکایی) مشاهده می‌شود. همچنین ممکن است فرایند پیچیده‌تری برای واژه‌سازی صورت گیرد به این شکل که مثلاً واژه *arbi* (به معنای عربی) پسوندی به شکل *cot* می‌گیرد و به *arbicot* تبدیل می‌شود سپس تلخیص آغازین روی آن صورت می‌گیرد و به صورت «*bicot*» در می‌آید.

دو روش دیگر به نام‌های حذف آوا و درج آوا نیز به کار می‌رود: روش اول یعنی حذف آوا، حذف یک واج یا یک هجا در آخر کلمه است (مثلاً *prof* برای *professeur*)، روش دوم یعنی درج آوا حذف یک واج یا یک هجا در ابتدای کلمه است (مثل *bicot* برای *arbicot*). زبان عامیانه بیشتر به حذف آوا گرایش دارد زیرا پاسخگوی قانون کم کوشی با حفظ هجای اول کلمات یعنی هجایی است که بیشترین اطلاعات را می‌دهد به همین علت معنادار نیز است.

معمولاً وند افزایشی پس از فرایند حذف آوا صورت می‌گیرد. چند نمونه از این روش واژه‌سازی در زیر آمده است:

clodo ← clochard _ تبدیل می‌شود.

jalmince ← jaloux _

حسود

chinetoque ← chinois _

چینی

alboche ← allemand _

آلمانی

morbaque ← morpion _

فرد مزاحم

cinoche ← cinéma _

سینما

gigolpince ← gigolo _

ژیگول

proxo ← proxénète _

در فصل چهارم خواهیم دید که پسوندهای (o- و -oche و -aque و ard و غیره) خاص زبان مخفی هستند که در زبان رایج بسیار نادرند یا اصلاً وجود ندارند. این پسوندها به کلمات رنگ و بویی خاص می‌دهند به عبارتی دیگر نقش رمزآمیز جنبه ثانوی دارد. پسوندی که پس از فرایند حذف آوا افزوده می‌شود اصلاً معنی را پنهان نمی‌کند بلکه ویژگی خاصی به کلمه می‌دهد. اما درج آوا که هجای اول را حذف می‌کند (هجایی که بیشترین اطلاعات را می‌دهد) نقش رمزآمیز دارد. در واژه‌ای نظیر cryptos اگر بخش

پایانی آن حذف شود و فقط crypt بماند، نتیجه این حذف آوا به هیچ وجه قابل مقایسه با درج آوای آن یعنی tique نخواهد بود.

در اولین مورد صورت به دست آمده ریشه کلمه را باز هم نشان می‌دهد و اگر پسوندی به صورت /o/ یا /os/ بر آن افزوده شود crypto یا cryptos تغییری در پی بردن به ریشه کلمه نمی‌دهد و فقط سلیقه‌ای از هر یک از دو واژه استفاده می‌شود. اما برای دومین مورد صورت tique معنایی مبهم دارد و اصلاً به ریشه آن اشاره‌ای ندارد و بنابراین نقش رمزآمیز ایفا می‌کند. به همین علت اکثر قواعد زبان مخفی که در زیر معرفی می‌شود بر روی هجای اول واژگان اعمال می‌شود.

۲- لارگونژی و لوشیم

در کنار واژه‌سازی‌های بی‌قاعده کلمات زبان مخفی که در آن برخی واژگان را بی‌حساب و کتاب تلخیص می‌کنند و به برخی دیگر پیشوند یا پسوند می‌افزایند فرایندهای صوری با قاعده‌ای شبیه رمز نیز وجود دارد که هر کدام یک قاعده پایه دارند و آنها را زبان مخفی با قاعده می‌نامند و مثال‌هایی از آن را عرضه خواهیم کرد. لوشیم در حقیقت از مشتقات لارگونژی یعنی زبان مخفی با قاعده‌ای است که فرمول آن این گونه بیان می‌شود:

$$Ci \dots \rightarrow L \dots ci$$

واکه اول (Ci) کلمه به آخر کلمه فرستاده می‌شود و جای آن را یک ال (L) می‌گیرد. مثلاً واژه jargon به largonji تبدیل می‌شود که نام همین نوع رمزگذاری نیز هست.

لوشیم که زبان مخفی قصابان است چنین فرمولی دارد:

$$Ci \dots \rightarrow L \dots ci + em$$

واژه (boucher) یعنی قصاب پس از طی این فرایند به louchébem تبدیل می‌شود.

ویدوک اولین بار از لارگونژی صحبت کرده است و عبارات lorgne و lorgnebé را برای واژه borgne (فرد یک چشم) به کار برده است. همچنین lorcéfé معنای force (قدرت و زور) linspiré معنای prince (شاهزاده) می‌دهد. این فرایند برای برخی از

واژگان روزمره نظیر linvé یعنی vingt (sous) بیست سو (پول قدیم)، lochébé به معنای boche (آلمانی)، (sac) laxé کیسه en douce یعنی en loucedé (یواشکی) louf به معنی fou (دیوانه) نیز به کار می‌رود. البته همین واژه louf سپس به loufoque و loufdingue هم تبدیل شده است.

در لارگونژی و لوشیم با نقش رمزآمیز سروکار داریم که واژگان فرانسوی عامیانه یا زبان مخفی را استعار می‌کند. گاستون اسنو در این باره به طنز می‌گوید «این فرایندها مثل این است که اسم بیچاره را شکنجه کنند. اسمی که از جلو دهنش با طناب بسته می‌شود، از پشت مورد آزار قرار می‌گیرد و تا قلبش دریده می‌شود.»

این فرایند به ساختار واکه‌های واژه یعنی زیربنای آن لطمه می‌زند نمونه‌ای از جمله‌ای لوشیم در زیر آمده است که فرانسواز ماندلبوم – راینر گفته است در یک قصابی در پاریس آن را شنیده است:

"Lonjourbèm. C'est lonbèm? C'est l'artipem! Ça larchémès! Quand on lavèm loirbèm un loukès d'loug(e)rok dans un larbèm, si un lecmé à lotékès d'loimé pis de mon lopainkès, i'nous fait lièch, on larlépèm l'argomuche du louchébèm et l'lecmès i'lonprenkès lapuche."

که به زبان فرانسوی این گونه ترجمه می‌شود:

"Bonjour. C'est bon? C'est parti! Ça marche! Quand on va boire un coup de rouge dans un bar, si un mec à côté d'moi pis d'mon copain i'nous fait chier, on parle l'argomuche du boucher et le mec i'comprend rien."

که معنایش این است: «سلام. خوبه؟ شروع می‌کنیم! باشه! وقتی که برای یک پیک شراب قرمز به بار می‌رویم، اگر کسی بقل من یا رفیقم حالمون رو بگیره ارگوموش قصاب‌ها (یا لوشیم) صحبت می‌کنیم و یارو هیچی نمی‌فهمه»

در این متن واژگان زبان مخفی غیر لوشیم نظیر argomuche و lapuche مشاهده می‌شود. این واژه آخر به معنای que lape (هیچ) است که مشتقی از que la peau (فقط پوست) یعنی هیچ است. علاوه بر آن واژگان زبان مخفی و عامیانه هم هست که طبق قواعد louchebem تبدیل شده است (mec و chier) و در نهایت واژگان زبان رایج هم به

louchebèm تبدیل شده‌اند. اما فرمولی که در بالا داده شد یعنی $Ci \dots \rightarrow L \dots ci + em$ اینجا واقعاً رعایت نشده است یا اینکه متغیرهایی دارد. واژگان *lonbèm* و *lonjourbem* و *lavèm* و *lartipem* و *loirbèm* و *larbèm* و *larlèpèm* دقیقاً قاعده را رعایت کرده‌اند، اما واژگان *larchémès* و *lècmès* و *lonprenkès* و *loukès* و *lopainrès* و *lotékès* فرمولشان کمی متفاوت است.

$$Ci \dots \rightarrow L \dots ci + ès$$

و واژگان *lièch*، *loimé*، *lecmé* با فرمول $Ci \dots \rightarrow L + ci$ مطابقت دارند بنابراین نوعی لارگونژی ونه لو شیم هستند.

واژه *lougerok* نیز مطابق فرمول $Ci \dots \rightarrow L \dots ci + ok$ است.

بنابراین مشاهده می‌شود که قاعده اصولی رمز ممکن است کمی تغییر کند. این تغییرات هم ممکن است در انتهای کلمه‌ها صورت گیرد هم در ابتدای کلمات. مثلاً به جای لارگونژی می‌توان نارگونژی با فرمول $Ci \dots \rightarrow N \dots ci$ یا پارگونژی با فرمول $Ci \dots \rightarrow P \dots ci$ یا زارگونژی با فرمول $Ci \dots \rightarrow Z \dots ci$ و غیره را تصور کرد. اما در همه این حالت‌ها عملی روی نشانه زبان‌شناختی رمز صورت می‌گیرد. این کار در ورلان هم انجام می‌شود.

۳- ورلان

همیشه میان آشکار شدن پدیده‌ها و زندگی زیرزمینی‌شان تفاوت است. می‌توان تصور کرد ورلان پس از ترانه رنو خواننده فرانسوی با نام *laisse béton* (یعنی *laisse tomber* بی‌خیال) رایج شد و قبل از آن به ندرت واژه‌ای مشاهده می‌شد که «وارونه» شده باشد. اما در همه ۱۹۶۰ برخی از نوجوانان در بعضی از محله‌های پاریس نظیر منطقه چهاردهم پاریس یا بلویل ورلان صحبت می‌کردند. ژان مونو در مقاله‌ای در سال ۱۹۶۵ یادآور شد که در زندان‌ها به وفور ورلان را به کار می‌برند.

اوگوست لوپروتون نویسنده مشهور نیز در مصاحبه‌ای با روزنامه لوموند در سال ۱۹۸۵ گفت «ما با ژانو دلقک، تولوزی بزرگ و چند نفر دیگر در سال‌های ۱۹۴۰-۱۹۴۱ ورلان را اختراع کردیم.» واژه ورلان *verlan* همان وارونه واژه *l'envers* به معنای وارونه است. اسنو آن را «*vers l'en*» و برخی‌ها آن را «*verlen*» و بعضی دیگر *verlan* می‌نویسند. این طور که معلوم است در اوایل جنگ جهانی دوم عده‌ای «لات و لوت» آن را اختراع کرده‌اند اما در نیمه اول قرن نوزدهم واژه *Lontou* برای نامیدن زندان شهر «*Toulon*» به کار می‌رفت و در قرن هجدهم به لوئی پانزدهم (Louis XV)، *Sequinzouil* گفته می‌شد، حتی در سال ۱۵۸۵ واژه *bonbour, bourbon* گفته می‌شد. بنابراین همان طور که مشاهده می‌شود بازی با صورت واژگان با این روش پیشینه‌ای دراز دارد و از آنچه اوگوست لوپروتون مدعی شده است قدیمی تر است اما این فرایند محدود بود و فقط چند واژه ورلان می‌شد. در قرن بیستم میلادی ورلان در دهه ۱۹۳۰ ابتدا میان دارودسته تبهکاران رایج شد سپس در دهه ۱۹۶۰ گروهی از جوانان به استفاده از ورلان گرایش پیدا کردند. اما این نوع صحبت کردن نوجوانان زیرزمینی ماند و اکثر فرانسوی‌ها مفهوم را آن را نمی‌فهمیدند. با این حال از هنگامی که رسانه‌های مختلف و آگهی‌های بازرگانی به این پدیده روی آوردند، وضع تغییر کرد و در دهه ۱۹۹۰ خلاقیت‌های زیادی در ورلان مشاهده شد.

فرایند تبدیل کلمات که اینجا ورلانیزه کردن نامیده می‌شود صورت متفاوتی نسبت به صورت اولیه می‌آفریند.

صورت اولیه ← ورلانیزه کردن ← صورت دوم

اگر همه هجاهای صورت اولیه به واکه ختم شوند (یعنی به شکل *cv*) فرایند تبدیل کلمات ساده خواهد بود. اما اگر در پایان هجا واکه‌ای باشد (یعنی به شکل *cvc*) باید ابتدا آن را به شکل *cvcv* در آورد که اغلب این کار با افزودن «*eu*» یا «*e*» صامت پس از آخرین واکه میسر می‌شود. پی‌یر لئون نوشته است «*e*» صامت در زبان فرانسوی نقش

سوراخ پرکن آوایی دارد و قادر است اتصال کلمات را تسهیل کند. در مواردی که در زیر معرفی می شود نیز همین پدیده پیش می آید اما این کار برای تسهیل اتصال کلمات نیست بلکه برای آسان کردن تبدیل آنها است. بنابراین حالت های زیر به دست می آید:

(۱) واژگان تک هجایی

الف. اگر هجا به واکه ختم شود، واژه به دو هجا تبدیل می شود. مثلاً واژه punk (پانک) ابتدا به punkeu تبدیل می شود و پس از طی فرایند ورلانیزه شدن شکل keupon می گیرد. واژه tronche (صورت) که troncheu می شود به صورت chetron در ورلان در می آید. گاهی در این فرایند بخش پایانی واژه حذف می شود. مثلاً femme (زن) به صورت femmeu و سپس meufa در می آید که در نهایت در ورلان به meuf تبدیل می شود. به همین ترتیب flic (مامور پلیس) به filkeu سپس keufli سرانجام keuf تبدیل می شود.

ب. اگر هجا به همخوان ختم شود، ترتیب واج ها تغییر می کند. مثلاً fou (دیوانه) به ouf، chier (ریدن) به toi iéche (تو) به ouate و ... تبدیل می شود. ویویان مه لا چند مثال نادر زده است که در آنها املائی کلمات هم نقش دارد. واژه cul (دُبر) با در نظر گرفتن تلفظش به uk و با در نظر گرفتن املایش به luc تبدیل می شود. واژه nez (بینی) به zen تبدیل می شود.

(۲) واژگان دو هجایی

هجا های صورت اولیه جابه جا می شود و S₁S₂ به S₂S₁ تبدیل می شود. به این ترتیب واژه l'envers (برعکس، واژگون، وارونه) به verlan (ورلان) تبدیل می شود و نام خود را به این سبک رمز گذاری می دهد: واژه bonhomme (آدم) به nombo و taxi (تاکسی) به xita تغییر می یابد. گاهی نیز فرایند تلخیص روی آن صورت می گیرد. مثلاً maquereau در ورلان به kroma تبدیل می شود که پس از تلخیص واژه krom را می دهد. یا xita پس از تلخیص به xit تغییر می یابد الی آخر.

گاهی نیز یک اصطلاح یا یک عبارت به عنوان کلمه دو هجایی در نظر گرفته می‌شود و فرایند ورلانیزه شدن روی آن انجام می‌پذیرد. مثلاً *vas-y* (به آنجا برو) به *ziva* و *comme ça* (این طوری) به *sakom* تبدیل می‌شود.

۳) واژگان سه هجایی

قاعده ممکن است به سه حالت اعمال شود:

— $S_1S_2S_3$ به $S_1S_2S_3$ تغییر می‌یابد مثلاً واژه *cigarette* به *garetsi* تبدیل می‌شود.

— $S_1S_2S_3$ به $S_3S_2S_1$ تغییر می‌یابد. مثلاً *calibre* (کالیبر) به *brelica* یا *portugais* (پرتغالی) به *gaitupor* تبدیل می‌شود.

— $S_1S_2S_3$ به $S_3S_1S_2$ تغییر می‌یابد. مثلاً *enculé* به *léancu* تبدیل می‌شود.

بنابراین اینجا تبدیل کلمات فرایندی صرفاً فنی است. صورت اولیه، واژه‌ای کاملاً عادی است و صورت دوم واژه‌ای است که ورلانیزه شده است. اما با توجه به نوع زبان، ویژگی گروه و طبقه سنی اش. این فرایند معنای ضمنی پیدا می‌کند به عبارتی دیگر صورت اولیه به خودی خود این معنای ضمنی را در بر گرفته است. فرایند ورلانیزه کردن بر روی هر کلمه‌ای امکان‌پذیر است.

— می‌توان همه واژگان زبان رایج را ورلانیزه کرد. نمونه‌های بالا گواه این مطلب است.

— می‌توان واژگان ورلان را دوباره ورلانیزه کرد. مثلاً *arabe* (عرب) پس از طی فرایندهای ورلانیزه شدن و تلخیص به *beur* تبدیل می‌شود که این واژه اگر ورلانیزه دوباره شود به *reubeu* تبدیل می‌شود که امروزه رایج است. یا *keuf* ورلان واژه (مامور پلیس) *feuke* تبدیل می‌شود.

— می‌توان واژگان زبان مخفی و کلمات عامیانه را ورلانیزه کرد. مثلاً اسکناس پانصد فرانکی نزد عوام پاسکال نامیده می‌شود زیرا عکس بلز پاسکال (*Blaise Pascal*) روی آن چاپ شده است. این واژه به صورت ورلان *scalpa* نامیده می‌شود. واژه زبان مخفی *larfeuil* به معنای کیف جیبی به صورت ورلان *feuillar* می‌شود.

افرادی که ورلان را به کار می‌برند اغلب چنین کلماتی را ورلانیزه می‌کنند. ویویان مه‌لا نوشته است واژه pantalon (شلوار) ورلانیزه نمی‌شود بلکه معادل زبان مخفی آن یعنی «futa» ورلان می‌شود. و همچنین به جای ورلانیزه کردن «chaussure» (کفش) و «figure» (چهره) ترجیح می‌دهند «pompes» و «gueule» و «tronche» یعنی معادل‌های زبان مخفی آنها را ورلانیزه کنند. در صورت اولیه، واژگانی مشاهده می‌شود که دارودسته‌های خاص آنها را به کار می‌برند بنابراین صورت دوم از دو لحاظ ویژگی دارد یکی اینکه در حیطه واژگان گروه‌های خاص است و دیگری اینکه ورلانیزه شده است.

اما چه کسی ورلان را به کار می‌برد؟ امروزه این صورت زبانی مشخصه هویت گروه‌هایی از نوجوانان ساکن حومه‌های شهرهای بزرگ است. این گروه‌ها درست شبیه دار و دسته تبهکارانی هستند که قبلاً جامعه‌شناسان دانشگاه شیکاگو به ویژه تراشر Thrasher مطالعه کرده بودند. یعنی جامعه آنان را طرد کرده است و در وضع شکست تحصیلی قرار دارند و می‌خواهند تفاوت و خشم خود را برجسته کنند. برای کارهایی چون موسیقی دور هم جمع می‌شوند، بعضی‌هایشان بزهکارانی می‌شوند که کمی مواد می‌فروشند و کیف‌دستی و ضبط خودرو می‌دزدند. آنان برای خود فرهنگی خاص درست می‌کنند که مشخصه آن نوعی موسیقی (رپ)، سبکی گرافیکی (tag)، پوششی خاص (کفش‌های ورزشی و کاسکت بیس‌بال) و صورتی زبانی (ورلان) است. البته هر کدام از اجزای این عناصر ممکن است تغییر یابد اما از دیدگاه جامعه‌شناختی وضع همیشه ثابت خواهد بود یعنی در یک ریز جامعه، فرهنگی خاص ایجاد می‌شود که زبان خاص خود را دارد.

پس طبیعی است که علاوه بر حومه‌های شهرهای بزرگ در زندان‌ها نظیر زندان سائنه (tésan) و زندان فلوری - مروژی (rifieu) نیز ورلان رایج باشد. حوزه معنایی واژگانی که ورلانیزه می‌شوند نیز اغلب به مواد مخدر و زندان و غیره مرتبط است. مثلاً در متون شعرهای رپ مکان‌هایی ورلانیزه شده‌اند که سرقت ممکن است در آنها صورت گیرد:

مترو ← temro، اتوبوس (bus) ← sebu، یا برخی واژگان فنی سرقت چون (reti، keblo به کار می‌رود. اینجا صورت اولیه از لحاظ اجتماعی بار معنایی خود را دارد و سپس واژه ورلانیزه می‌شود.

باید اضافه کرد میان جوانان مرفه و بچه دبیرستانی‌های محله‌های اعیانی نیز ورلان رایج است اما نقش آن تفاوت دارد نقش این ورلان فاصله گرفتن از والدین و ادای افراد سرسخت را در آوردن است. پس چند نوع ورلان هست و متخصصان پس از شنیدن نحوه استفاده گویشوری که ورلان را به کار می‌برد، می‌توانند طبقه اجتماعی او را مشخص کنند.

۴. چند زبان مخفی با قاعده آفریقایی

همان طور که دیدیم ورلان، لارگونژی و لوشیم کلید رمز خود را در نامشان جای داده‌اند. در خصوص دو زبان مخفی دیگر که در زیر معرفی خواهیم کرد، همین قاعده صدق می‌کند. نوجوانان کشور مالی برای رمزآمیز کردن جملات خود و مخفی کردن معنا از بزرگسالان یا پنهان کردن رازی از دوستان خود که با این رمز آشنا نیستند یا برای بازی کردن به این زبان‌ها تکلم می‌کنند.

در زبان زبان مخفی ان کوسورو nkosoro به هر هجا دو هجای زائد افزوده می‌شود که یکی با /s/ است و دیگری با /t/ که همان همخوان را دارد. یعنی هجایی به صورت ca به casara تبدیل می‌شود و هجایی به شکل cu به cusuru الی آخر. در این زبان جمله‌ای نظیر néto go Sétigi یعنی «اسم من ستیگی است» به «néséré toso ro gosoro sesere tisiri» تبدیل می‌شود. بنابراین متوجه می‌شویم نام این رمز یعنی nkosoro همان nko است که در زبان bambara به معنای «من می‌گویم» است و در مکالمات و نطق‌ها «به نظر من»، «عقیده دارم که» معنی می‌دهد.

زبان koka نیز مشابه ورلان است و همان جابه‌جایی ترتیب هجاها در آن روی می‌دهد. Ko به معنای «پشت» و kan به معنای «روی» و همچنین «زبان» است بنابراین koka که نام رمز است دو معنا دارد یکی «روی پشت» (یا وارونه) و دیگری «زبان وارونه»

است. با این روش رمزگذاری جمله‌ای نظیر n'taara dugu tigi kaso به معنای «به خانه رئیس دهکده رفتم» به این جمله تغییر می‌یابد: an rata kudu kiti ka so. بر اساس قواعد آواشناسی زبان حرف /g/ که بین دو واکه واقع شده باشد به /k/ تبدیل می‌شود.

همه زبان‌های مخفی با قاعده، ویژگی مشترکی دارند که آن تجزیه و تحلیل زبان است. همان طور که دیدیم برای ورلان به تغییرات آوایی و آگاهی به برش هجاها نیاز بود که این کار به شناخت کافی از زبان نیاز دارد. دومینیک نوا در مطالعه‌ای درباره زبان مخفی جوانان پئول (peul) در شمال کامرون که به ورلان شباهت دارد، حتی ثابت کرده است که برخی پرسش‌های زبان‌شناسان با مطالعه این رمز پاسخی می‌یابد. در زبان پئول نوعی تشدید روی همخوان قرار می‌گیرد که چندان واضح نیست و زبان‌شناسان درباره آن تردید دارند آیا واژه pucu صحیح است یا puccu (اسب)، nagge صحیح است یا nage (گاو) wicco درست است یا wicó (دم) و غیره.

در زبان ورلان جوانان پئول این واژگان به cupuc، genag و cowic تبدیل می‌شوند بنابراین نویسنده مقاله نتیجه گرفته است که «wicco صحیح است نه wico». نمونه دیگری از زبان مخفی با قاعده آفریقایی رئوس مراکش است که عبدالرحیم یوسی آن را توصیف کرده است. اصل این رمزگذاری بسیار پیچیده است زیرا فرمول پایه به هر یک از هجاها اعمال می‌شود. فرمول آن این است cv به kvucan تبدیل می‌شود یعنی هم جابه‌جایی ترتیب واکه‌ها و همخوان‌ها صورت می‌گیرد (cv به vc تبدیل می‌شود) و هم صداهای زائد (k و u و an) افزوده می‌شود. مثلاً (ذه) ذهب (آمدن) به کائوذن kauzan، الکتاب به لکابوتن و مراکش به کراکشومن تبدیل می‌شود. اینجا برای اجرای فرمول به توانایی زیادی نیاز است و این گونه بازی با زبان نشانگر تسلط بر زبان است.

۵. rhyming slang ریمینگ اسلنگ

ریمینگ اسلنگ معمولاً زبان cockneyها معرفی شده است یعنی زبان لندنی‌هایی که در بخشی از پایتخت زندگی می‌کنند که می‌توان در آن صدای ناقوس‌های سنت مری‌بو

(Saint Mary the Bow) را شنید (born with the sound of Bow bells). با اینکه این زبان مخفی در منطقه ای از لندن ایجاد شد، به سرعت به سراسر جهان از لندن تا نیویورک و کالیفرنیا و ایرلند و استرالیا سرایت کرد و صورت‌های مختلف پیدا کرد. اما اصل آن همچنان یکسان مانده است و آن جایگزینی کلمه‌ای در زبان رایج با کلمه‌ای دیگر یا یک عنصر همنشین است که هم قافیه باشد. اما این تنها قاعده این زبان مخفی نیست و چند نمونه زیر به خوبی نشان می‌دهد که علاوه بر این فرایند صوری، اشکال دیگری هم دخیل هستند.

انگلیسی رایج	معنی	rhyming slang
stairs (۱)	راه‌پله	apples and pears
money (۲)	پول	bees and honey
wife (۳)	همسر	joy of my life
wife (۴)	همسر	trouble and strife
state (۵)	دولت، کشور	Harry Tate

نمونه اول از همه ساده‌تر است رابطه میان stairs و apples and pears (سیبها و گلابیها) فقط جنبه صوری دارد و ظاهراً علت جایگزینی راه‌پله با این عنصر همنشین فقط قافیه است. نمونه‌های سه و چهار علاوه بر قافیه، به استعاره نیز مرتبطند یعنی زن ممکن است شادی عمرم (joy of my life) باشد یا برعکس کسالت و دعوا (trouble and strife). در نمونه پنجم Harry Tate تداعی‌کننده irritate است یعنی می‌شود تصور کرد دولت آزاردهنده است.

اما نمونه دوم: bees and honey (زنپورها و عسل) قافیه money است اما علاوه بر آن عسل یادآور استعاره جهانی «پول یعنی خوراکی» است و همچنین «پول به سختی با عرق جبین به دست می‌آید» که در استعاره «زنپور» نهفته است. در rhyming slang فقط مخفی کردن معنا مطرح نیست بلکه بازی با کلمات و بازی با معنی نیز ورای بازی صوری وجود دارد.

گاهی قافیه‌ای که برای جایگزینی عبارت اول به کار برده می‌شود از ترانه‌های مشهور یا شعرهای کودکان گرفته می‌شود. ژان پوشار در مثالش اصطلاح جک و جیل Jack and Jill را آورده است که به جای hill به کار رفته است و به جمله «Jack and Jill, went up the hill» اشاره دارد. برای واژه clock نیز Dickory dock به کار رفته است که اشاره‌ای است به اصطلاح «Hickory, dickory dock, The mouse ran up the clock».

پس از مرسوم شدن اصطلاح جایگزین شده عبارت اول، ممکن است گاهی فرایند تلخیص صورت گیرد و در نتیجه قافیه اول به فراموشی سپرده شود. مثلاً واژه china جایگزین mate شده است و too irish جایگزین too true است اینها اصلاً به rhyming slang شباهتی ندارند اما صورت اولیه china همان اصطلاح china plate بوده است که قافیه mate است و عبارت دیگر صورت اولیه اش too Irish stew بوده است.

مثال دیگر واژه bottle (بطری) است که در این زبان مخفی به Aristotle (ارسطو) پس از تلخیص به Arry یا Aris تبدیل می‌شود و در نهایت arse (دُبُر) نامیده می‌شود. فرایندهای مختلف یکی پس از دیگری روی می‌دهد و گاهی پیدا کردن ریشه اصلی یک اصطلاح به تحقیقی طولانی منجر می‌شود.

ویژگی این زبان مخفی این است که یک عنصر همنشین که اغلب از دو کلمه تشکیل شده است جایگزین عبارتی در زبان عمومی می‌شود. تلاش برای یافتن اصطلاح با جست و جوی قافیه توأم است. ژان پوشار رده‌شناسی این روش تبدیل کلمات را ترسیم کرده است. او برای این کار به روش رومان یا کوبسون برای تمایز دو نوع رابطه میان واحدهای زبانی یعنی روابط جایگزینی محور جانشینی و روابط گزاره‌ای محور همنشینی روی آورده است. «ابتدا در محور جانشینی، واحدی از طریق شباهت آوایی جایگزین واحد دیگری می‌شود و به این ترتیب از زبان رایج، کلمه قافیه دار ساخته می‌شود.» با همین روش جایگزینی از واژه stairs به pears یا از money به honey یا از wife به life و الی آخر می‌رسیم. اما نتیجه نهایی گسترده است یعنی فقط pears نیست بلکه apples and pears و

bees and honey و joy of my life و غیره است. پوشار می‌گوید ارتباط میان قافیه و کلمه اضافی پیچیده است. او آنها را در چهار بخش طبقه‌بندی کرده است که عبارتند از:

— مجاورت موقعیتی: مثلاً برای واژه breast اصطلاح Mae West/ برای boil، واژگان Conan Doyle/ برای fuck اصطلاح Friar Tuck/ برای Oliver Twist و الی آخر به کار می‌رود. در این مثال‌ها قافیه در West و Doyle و Turk و Twist است و نام کوچک هنرپیشه، رمان‌نویس یا شخصیت‌های رمان به علت مجاورت موقعیتی کنارشان قرار گرفته است.

— مجاورت موقعیتی و معنایی: در نمونه‌های cobbler's awls (بوی دهان کفاش) به معنای balls (توپ‌ها) و elephant's trunk (خرطوم فیل) برای drunk (نوشیدنی) واژگان awls و trunk قافیه می‌سازند و دو واژه elephant و cobbler's به طور طبیعی به آنها چسبیده‌اند.

— شباهت موقعیتی و شباهت معنایی: واژه Breast که در نمونه بالا به Mae West تبدیل شده بود همچنین ممکن است به east and west تبدیل شود و این تداعی‌کننده دو جهت اصلی است.

— شباهت موقعیتی و مجاورت معنایی: bow and arrow جانشین sparrow می‌شود و rat and mouse به جای house به کار می‌رود. در این دو مثال arrow (تیر و فلش) و mouse (موش) قافیه می‌سازند و rat (موش صحرایی) و bow (کمان) به علت مجاورت معنایی به کار رفته‌اند.

همه اینها نشان می‌دهد که در این فصل و فصل قبلی تمایزی که میان فرایندهای معنایی و صوری برای واژه‌سازی زبان مخفی ایجاد شده است، آن قدرها واضح نیست. معنی و صورت گاهی با هم دخیل هستند. تحقیق ژان پوشار مسئله دیگری را نیز مطرح می‌سازد. نویسنده از همه اینها نتیجه گرفته است که زبان مخفی «را نمی‌توان ضدزبان تعریف کرد زیرا هنجار فقط به شرطی وجود دارد که بتوان بر آن آزادی‌هایی اعمال کرد. هنجار از آزادی عمل تفکیک‌ناپذیر است.» اما ظاهراً این نویسنده فراموش کرده است هر نقشی یک

صورت دارد و هر صورت نقشی. مسلم است که فرایندهای واژه‌سازی زبان مخفی از زبان صحبت می‌کنند و محصول زبان هستند. همان طور که دیدیم ورلان فرانسوی موجب تحلیل هجاهای زبان فرانسوی می‌شود، و زبان مخفی kokan زبان bambara علاوه بر آن، جنبه‌های آواشناختی زبان را نیز رعایت می‌کند. (برای مثال dugu به kudu تبدیل می‌شود و نه به gudu).

اما فقط برای رمزآمیزی و نشان دادن تسلط بر این رمز، روی زبان کار نمی‌شود. این فرایندهای صوری نقش اجتماعی خود را دارند که در آخرین فصل کتاب به آنها پرداخته خواهد شد.



ارتباط زبان مخفی با زبان رایج

«لوتری روی زبان آشیانه دارد: هر وقت بخواهد از زبان بهره و اتفاقی از آن وام می‌گیرد و موقع نیاز ماهیتش را به طرز سطحی و ناشیانه‌ای تغییر می‌دهد.»

ویکتور هوگو

آرگو یا زبان مخفی صورتی جدا از زبان نیست بلکه یکی از صورت‌های متنوع آن است: وجود این زبان نشان می‌دهد جامعه از گروه و «قبیله» تشکیل شده و هر یک از این گروه‌ها تاثیری بر زبان عمومی می‌گذارد.

وان گنپ نظری خردمندانه در این باره داده است: «همان طور که این جوامع مقررات داخلی دارند که برای کل جامعه صدق می‌کند، (وگرنه از آن جدا خواهند شد تا جوامعی خود گردان تشکیل دهند)، زبان‌های ویژه نیز پیرو مقررات بنیادین زبان عمومی مرتبط به خود هستند.»

می‌توان استدلال را فراتر از این برد و گفت میزات تفاوت هر زبان مخفی با زبان رایج به میزان خصوصیت گروهی بستگی دارد که از این زبان مخفی استفاده می‌کند. هر چه گروه‌ها متفاوت‌تر باشند یا بخواهند این طور خود را نشان دهند بیشتر از صورت‌های زبانی متفاوت استفاده می‌کند. این تفاوت ممکن است شامل چند واژه خاص باشد یا برعکس واژگانی گسترده را در بر گیرد.

به طور کلی زبان کاربردهای چندگانه‌ای دارد که هر کدام به نقش‌های متفاوتی مربوط می‌شود. این نقش‌ها عبارتند از برقراری ارتباط میان بیشترین افراد (و این موجب و پیدایش زبان‌های میانجی و من‌درآوردی و گاهی نامفهوم می‌شود) و محدود کردن ارتباط میان افراد معدود (و این به شکل‌گیری زبان‌های مخفی منجر می‌شود).

نخستین ویژگی زبان مخفی نقش رمزآمیز آن است برای این کار زبانی جدید خلق نمی‌شود بلکه روی زبان رایج کار می‌شود. ویکتور هوگور در کتاب بینوایان در این باره نوشته است: «زبان مخفی رختکنی است که زبان برای کارهای خلاف در آن تغییر چهره می‌دهد.» اگر قضاوت هوگو (کارهای خلاف) را نادیده بگیریم و فقط تصویر رختکن را تجسم کنیم به خوبی به ارتباط میان زبان مخفی و زبان رایج پی می‌بریم به عبارتی دیگر تکلم به زبان مخفی، به معنای عوض کردن لباس است. «تغییر چهره» زبان با واژگان امکان‌پذیر است و در این فصل فقط به بخشی از این مبحث اشاره می‌شود.

۱- یک نظام فرعی واژگانی

همان‌طور که قبلاً هم گفته شد یکی از ویژگی‌های زبان مخفی وجود واژگان خاص در این زبان است و حتی برخی نویسندگان تعریف زبان مخفی را فقط به همین نکته محدود کرده‌اند. در این خصوص باید اذعان کرد زبان مخفی با زبان رایج ارتباط تنگاتنگی دارد یعنی می‌توان همه عناصر واژگانی یک زمان را تغییر داد اما به علت مشکلات آواشناختی و نحو نتیجه آن همواره، گفته‌ای از همان زبان می‌ماند. کتاب مصور Schtroumpf نمونه‌ای از این استدلال است. این واژه را پیو (نام واقعی‌اش پی‌یر کولیفور است) نقاش کتاب‌های مصور روزی هنگام صرف ناهار با فرانکن دیگر نقاش مشهور ابداع کرده است. پیو به فرانکن گفته بود «اون چیز، همون چیزه دیگه، schtroumpf رو بده (مقصودش نمکدان بود)». به این ترتیب پیش از آنکه شخصیت‌های داستان چند ماه بعد به تصور کشیده شوند و به سبک خاص خود صحبت کنند، واژه ایجاد شد. این شخصیت‌های کوچک هنگام صحبت کردن اکثر کلمات را با واژه schtroumpf جایگزین می‌کنند. این کتاب سپس به

زبان آلمانی schlumph ترجمه شد، به زبان‌های سوئدی و انگلیسی smurf نامیده شد، به اسپانیایی pitufo و به ایتالیایی puffo ترجمه شد، و برگردان آن به زبان ژاپنی sumafu و چینی lan shin ling است. در هر یک از این زبان‌ها پس از ابداع واژه اصلی واژگان با رعایت واژه‌سازی زبان خلق می‌شوند. مثلاً به انگلیسی واژگانی چون smurf to و smurfly و smurfed پدید آمده است و در زبان اسپانیایی کلمات pitufar و pitufado و pitufamente ایجاد شده است. با بازی با این واژگان می‌توان جملات چند زبانه نوشت مثلاً:

Le smurf a pitufé schtroumpfement le sumafo sur le puffo.

یا

Cette schlumpf sonne puffement comme une lan shin ling française.

این جملات فرانسوی به این علت فرانسوی به نظر می‌رسند این است که برخی عناصر دستوری فرانسوی (le و sur و ...) و بعضی نشانه‌های واژه‌سازی (é- و -ment) و ساختار معنایی فرانسوی در آن به کار رفته است و نشانگر نقش دستوری نیز هست. مثلاً puffement با اینکه بی‌معنی است، به علت وجود پسوند -ment متوجه می‌شویم این واژه قید است یا é- در pitufé نشان می‌دهد این واژه مفعول است.

با مطالعه تئوری این «زبان schtroumpfe» می‌توان درباره جایگاه زبان‌های مخفی به خصوص زبان‌های خاص نیز اندیشید. در همه شرایط اصل یکی است یعنی زیرمجموعه‌ای منظم به دست می‌آید که ساختارهای آوایی و ریخت‌شناسی و معنایی زبان را رعایت می‌کند اما از لحاظ واژگان و استعاره با آن زبان فرق دارد. این زیرمجموعه واژگانی فرایندهای زبانی مشابه زبان رایج را دنبال می‌کند.

زبان مخفی درست مثل زبان رایج از زبان‌های خارجی وام می‌گیرد مثلاً واژه berge (به معنای سال) از کلمه berj رومانیایی گرفته شده که همان معنا را دارد. bésef (به معنای خیلی، زیاد) از عربی آمده است و glass (به معنای شیشه) از همان واژه انگلیسی وام گرفته شده است. زبان مخفی نیز مثل زبان رایج از اسامی خاص برای ساخت اسامی عام استفاده

می‌کند مثلاً واژه poubelle (سطل زباله) از نام شهردار poubelle آمده است واژه زبان مخفی bénard (شلوار) از اسم Auguste Bénard شلواردوز آمده است و godillot (کفش) از نام Alexis Godillot کفش گرفته شده است.

در زبان مخفی نیز بیشتر اوقات اصطلاحات زبان رایج به کار می‌رود، با این تفاوت که یکی از واژگان اصطلاح به معادلش در زبان مخفی تبدیل می‌شود درست مثل زبان schtroumpf. مثلاً وقتی واژه pogne در زبان مخفی دست (main) معنی می‌دهد، اصطلاح réussir haut la pogne (خیلی راحت موفق شدن) و passer la pogne (گذشتن از نوبت خود) به جای اصطلاحات réussir haut la main و passer la main پدید می‌آید یا از آنجا که brèmes معنای (نقشه) می‌دهد اصطلاح brouiller les brèmes به معنای گمراه کردن به جای brouiller les cartes و être en brème (پیشینه کیفری داشتن) و brème ساخته می‌شود.

در واژگان ویدوک کلماتی نظیر flac یا flacul به معنای کیف و médaillon به معنای دُبر مشاهده می‌شود. بنابراین اصطلاح cul-de-sac (بن‌بست) در زبان مخفی به médaillon de flac تغییر می‌یابد. از آنجا که caner (مردن) و pégrenne (گرسنگی) معنی می‌دهد، اصطلاح از گرسنگی مردن (mourir de faim) به زبان مخفی caner la pégrenne ترجمه می‌شود.

علاوه بر اینها زبان مخفی فرانسوی از واژگان هم‌آوا و چندصدا نیز بهره می‌جوید. مثلاً اگر معنای فعل rendre در زبان رایج باز پس دادن و بالا آوردن باشد، اصطلاح زبان مخفی aller au refile که از فعل refile به دست آمده است نیز همان دو معنا را خواهد داشت. واژه پپ pipe در زبان مخفی هم به معنای fellation است و هم آلتی برای استنشاق دود تنباکو. از آنجا که در زبان مخفی نام دیگر این آلت (پپ) bouffarde است، این واژه نیز همان دو معنا را خواهد داد.

در فصل دوم به چگونگی استفاده از واژگان rousse و roussin برای مامور پلیس اشاره شد. واژه roussin همچنین در اصطلاح ça sent le roussin به کار رفته است (یعنی

به نظر می‌آید ماموران پلیس دور نیستند). این اصطلاح به مرور زمان به اصطلاح رایج کنونی *ça sent le roussi* (بوی سوختگی می‌آید) تغییر یافته است.

در زبان فرانسوی معاصر اصطلاح *ça sent le brûlé* (بوی سوختگی می‌آید) معنای «کارها ممکن است خراب شود» و «احساس خطر می‌شود» نیز می‌دهد. با توجه به این الگو، زبان مخفی اصطلاح *ça sent le cramé* (به همان را) ایجاد کرد و اصطلاح *roussin* یا *ça sent le roussin* sent le roussi معنای دیگری پیدا کرد. بنابراین اصطلاح اولیه *ça sent le roussin* در اولین سطح معنایی به کلی تغییر کرد (یعنی از مامور پلیس به حیله آتش پرداخته شد) و در سطح دوم همان معنی را حفظ کرد (بوی بد می‌آید).

در مثالی دیگر *on brûle un feu* (آتش زدن) در زبان مخفی به *on grille un feu* یا *on crame un feu* تغییر می‌یابد (آتش زده می‌شود).

در زبان مخفی *derche* به معنای *cul* (دُبر) است بنابراین اصطلاح *faux cul* به *faux derche* (آدم دو رو و ریاکار و نارو) تغییر پیدا می‌کند و اصطلاح دیگر *l'avoir dans le cul* به *l'avoir dans le derche* (فریب خوردن و بد آوردن) تبدیل می‌شود.

بنابراین از این منظر میزان استقلال زبان مخفی از زبان رایج امری نسبی است زیرا به نظر می‌رسد بسیاری از اوقات با حفظ ساختار رمز اولیه، فقط واژگان را با یکدیگر عوض می‌کند. با توجه به این امر زبان مخفی فرانسوی، بخشی از زبان فرانسوی است، زبان مخفی انگلیسی بخشی از زبان انگلیسی است و الی آخر. در این جا زبان مخفی نوعی گرت‌برداری زبان می‌نماید و هر واژه زبان مخفی امکان جانشینی در اصطلاحی از زبان رایج را دارد. به همین علت بعضی نویسندگان، زبان مخفی را صرفاً منظومه‌ای از واژگان می‌پندارند اما خواهیم دید که زبان مخفی از روش‌های دیگر نیز استفاده می‌کند.

۲- زبان مخفی منبعی برای واژگان

این مجموعه واژگان که از زبان‌های مخفی پیاپی تشکیل شده است همواره واژگان عمومی را تغذیه کرده است. جابه‌جایی از سطحی به سطح دیگر در زبان ثابت می‌کند صورت‌هایی

که هنجار آنها را قبلاً تحقیر کرده و خوار شمرده است، اغلب اوقات در آینده به زبان رایج پیوسته‌اند. فهرستی نامحدود از این واژگان سیال در زیر آمده است:

— **Abasourdir**: در زبان مخفی قرن هفدهم فعل **basourdir** به معنای کشتن و مردن به کار می‌رفت و تا قرن نوزدهم با همان معنی مورد استفاده قرار گرفت. امروزه این فعل معنای متحیر کردن می‌دهد.

— **Basourdir**: از فعل **bazir** گرفته شده است و در واژگان دارودسته صدفیون به معنای کشتن بود. این فعل واژه **abasourdir** را داده است.

— **Abouler**: واژه‌ای به معنای دادن، پرداختن که از گویشی محلی وارد زبان مخفی شده و سپس دوباره در زبان عامیانه جای پیدا کرده است.

— **Amadou**: (دل کسی را به دست آوردن، سیل کسی را چرب کردن) این فعل در زبان مخفی قرن هفدهم به کاری اطلاق می‌شد که مختص گدایان بود. گدایان ماده‌ای به نام آمادو (**Amadou**) به صورت خود می‌مالیدند تا رنگ پوستشان به زردی گراید و ترحم افراد ثروتمند را برانگیزند.

— **Balade**: (امروزه گردش) واژه‌ای فنی مختص زبان مخفی صدفیون است که گدایی معنی می‌داد. **baladeur** ابتدا به معنی تبهکار بود و بعدها معنای تنبل و تن‌لش به خود گرفت. اما امروزه معنای آن گردش‌کننده است.

— **Baluchon**: (امروزه بچه) در واژه‌نامه ویدوک به معنی بسته و بچه آمده است.

— **Bouffarde**: پپ. در قرن نوزدهم صرفاً در زبان مخفی مورد استفاده قرار می‌گرفت اما امروزه وارد زبان رایج شده است.

— **Cambrouse**: در زبان مخفی قرن نوزدهم ده سیار معنی می‌داده است. (امروز هم به همان معنی است)

— **Camelote**: (از واژه **Camelot** فروشنده دوره گرد) در زبان مخفی قرن نوزدهم معنای آن «کالا» و سپس «کالای مسروقه» بود. این واژه وارد زبان رایج شده است.

– Camoufleur و Camouflage (استار کردن و استار): در لغتنامه ویدوک معنی آن «تغییر چهره دادن»: به کمک (camoufle) نوعی شمع دود روی چهره مالیدن برای آنکه کسی فرد را نشناسد، است.

– Drille (مرد خوش خلق) در زبان مخفی قرن هفدهم به سرباز به خصوص سرباز ولگرد گفته می‌شد. این واژه سپس به صورت اصطلاح joyeux drille در زبان رایج به کار گرفته شد.

– Frangin (داداش) در زبان مخفی قرن نوزدهم هم برادر معنی می‌داد.

– grivois و grivier این دو واژه زبان مخفی در قرن هجدهم برای سرباز به کار می‌رفته است و واژه دوم سپس با گرفتن معنی «جلف مبتذل» وارد زبان فرانسوی معاصر شد.

– chouette در لغتنامه ویدوک معنای «زیبا» و «خوب» می‌دهد. این عبارت هیچ ربطی به ماده جغد (chouette) ندارد بلکه ریشه آن در زبان فرانسوی کهن choëtter است.

– Larbin در زبان مخفی قدیم «گدا» معنی می‌داد. سپس به معنای «نوکر جلاد» در آمد و بعد از آن در زبان معاصر معنی «نوکر» را به خود گرفته است و کمی هم بار تحقیرآمیز در آن وجود دارد.

– Maquiller در زبان مخفی قرن هفدهم معنی «دزدیدن» می‌داد و سپس بعدها به معنی «تقلب کردن در قماربازی» در آمد (maquiller les brêmes) بعد از آن با معنی آرایش کردن وارد زبان رایج شد.

– Mioche (بچه) در زبان آتش افروزان اورژر شاگرد دزد معنی می‌داد.

– Narquois که در زبان مخفی به معنی سرباز ولگرد بود مثل واژه drille وارد زبان رایج شد. (دزد و تمسخرآمیز).

– Paquelin در قرن هفدهم به معنی سرزمین و در میان دارودسته آتش افروزان اورژر به معنای روستا بود. با املای patelin (دهه، دهات) وارد فرانسه رایج شد.

– rupin: در زبان مخفی قرن هفدهم «نجیب‌زاده» معنی می‌داد و آتش افروزان اورژر به بورژوا و سرمایه‌دار rupin می‌گفتند. سپس با معنای «ثروتمند و دارا» وارد زبان معاصر شد.

Trac: در لغتنامه ویدوک به معنای «ترس» آمده است. این کلمه اصطلاح «avoir le trac» (نگران بودن) را ایجاد کرده است.

در این اصطلاحات مشاهده شد برخی واژگان که ریشه ای تاریخی در زبان مخفی دارند بار معنایی عامیانه یا تحقیرآمیز خود را حفظ کرده اند (مثلاً abouler و larbin و patelin) و برخی دیگر هیچ اثری از ریشه زبان مخفی خود بر جا نگذاشته اند (مثلاً amadou و baluchon و grivois و maquiller و trac).

۳- ارتباط با نوشتار

زبان مخفی بیشتر جنبه کاربرد شفاهی دارد ولی گاهی در ادبیات به کار می رود. اما فرایندهای واژه سازی زبان مخفی و نوواژگان آن اغلب شفاهی هستند. برای مثال حذف آوا و درج آوا فرایندهای گفتاری هستند و این دو پروسه با فرایند اختصار سازی در تضادند. برای اختصار واژه ای باید با املای آن به خوبی آشنا بود و دانست که هر کلمه با چه حرفی آغاز می شود. اما برای دانستن تبدیل شدن mongolien به gol یا con به connard یا l'envers به verlan، املاً اصلاً اهمیتی ندارد.

هر چند زبان مخفی جنبه گفتاری دارد ارتباط های آن با نوشتار جالب توجه است که از دو دیدگاه به ترسیم آنها می پردازیم. نکته نخست اینکه زبان مخفی گاه به املای واژگان تغییر یافته، اشاره هایی می کند. مثلاً واژه cul در ورلان به luc تبدیل می شود و این اشاره ای به حرف «l» و «cul» است که تلفظ نمی شود. در برخی زبان های مخفی علائم اختصاری شفاهی مشاهده می شود. جانائاتان لایتر نوشته است در زبان مخفی نظامی آمریکایی P and S به جای pick and shovel work (کاری با بیل و کلنگ) و P and P به جای piss and punk (رژیمی غذایی با آب و نان) به کار می رود.

اما ممکن است عکس آن نیز صدق کند یعنی علامتی اختصاری نوعی دیگر تعبیر شود یا کلمه ای در زبان رایج، علامتی اختصاری تلقی شود. در زبان فرانسوی عامیانه در کشور کنگو علامت اختصاری SIDA (ایدز) «عارضه تخیلی برای مایوس کردن عشاق»

(Syndrome Imaginaire pour Décourager les Amoureux) تعبیر شده است. یا مثلاً مارک تجاری آبجوی primus را «بابا الان می آید خونه تو سلامتیو از دست می دی» (Papa Rentre Immédiatement à la Maison tu Uses ta Santé) قلمداد می کنند. واژه sapeur (مهندس) نیز علامت اختصاری «جامعه نشاط آوران و افراد آراسته» (Société des Ambianceurs et Personnes élégantes) تعبیر می شود.

در هر صورت نوواژگان «P and S luc» و بازی با کلمات (عارضه تخیلی برای مایوس کردن عشاق SIDA) بر پایه شناخت دقیق از زبان مکتوب چه در زمینه رمزآمیزی و چه در زمینه رمزگشایی استوار است. دیدگاه دوم به استفاده مکتوب از زبان مخفی به ویژه در ادبیات مربوط می شود.

در این قسمت مسئله واژگان مطرح نیست بلکه به مسئله آوایی پرداخته می شود. بعضی از نویسندگان می کوشند در نحوه نوشتار خود نوعی تلفظ را برجسته کنند. نخستین بیت های شعری از یهان ریکتوس نمونه بارز چنین نویسندگانی است:

صورت صحیح فرانسوی رایج	صورت مورد استفاده ریکتوس
Merde! Voilà ... duretés	Merd'! V'là l'Hiver et ses dur'tés
le moment ... ne plus se ...	V'là l'moment de n'pus s'mettre à poil:
que ... c'est-ce qui tiennent	V'là qu'ceuss'qui tienn'nt la queue de la poêle
le Midi ... se ...	Dans l'Midi vont s'carapater
le temps ou ce que	V'là l'temps ous que jusqu'en Hanovre
de Gibraltar	Et d'Gibraltar au cap Gris-Nez
bourgeois le ... plaindre	les borgeois, l'soir vont plaind' les pauvres
	Au coin du feu ... après dîner

در این شعر واژگانی از زبان مخفی یا عامیانه نظیر (se carapater, à poil) به چشم می‌خورد اما لحن کلی شعر با نحوه نوشتار واژگان مرتبط است. مثلاً «e»های گنگ حذف شده‌اند و جای آنها آپاستروف گذاشته شده است، برخی واژگان از لحاظ آوایی تغییر کرده‌اند (ceuss, boregeois) برخی از واژگان همخوان خود را از دست داده‌اند (plaind', pus) و صورت برخی از آنها تغییر یافته است (ousque) و الی آخر.

در شعر دیگری نوشته مک نب Mac Nab نیز ترفند مشابهی برای انتقال تلفظ‌های زبان مخفی و عامیانه به زبان مکتوب مشاهده می‌شود. این شعر «le grand métingue du Métropolitain» نام دارد:

Mais tout à coup on entend du bastringue
C'est un mouchard qui veut fair' le malin
Il est venu pour troubler le métingue
Le grand métingu' du Métropolitain.

Moi, j'tombe dessus et pendant qu'il proteste
D'un grand coup d'poing j'y enfonc' son chapeau
Il déguerpit sans demander son reste
En faisant signe aux quat' municipaux
A la faveur de c'que j'étais brind'zingue
On m'a conduit jusqu'au poste voisin
Et c'est comm' ça qu' a fini le métingue
le grand métingu' du Métropolitain.

Peuple frnçais, la Bastille est détruite
Et y a z'encore des cachots pour tes fls
Souviens-toi des géants de quarant'-huite
Qu' étaient plus grands qu'ceuss'd'au jour d'aujourd'hui.
Car c'est toujours l'pauvre ouvrier qui trinque.
Mêm' qu'on le fourre au violon pour rien
C'était tout d'même un bien chouett' métingue
Que le métingu' du Métropolitain.

علت اینکه این فرایندها جنبه زبان مخفی به متن می‌دهد این است که زبان مخفی چیزی بیش از زیرمجموعه واژگانی است. زبان مخفی قواعد نحو و آواشناسی مختص خود را

دارد و شاید از آنچه تصور می‌شود، کمتر به زبان رایج تکیه داشته باشد در این قسمت به این مقوله پرداخته می‌شود.

۴- نحو زبان مخفی

مشکل تفکیک نظری دو مقوله نحو و معناشناسی این شبهه را ایجاد می‌کند که برخی مسائل در زبان مخفی جنبه نحوی دارد. اغلب معنای یک نشانه زبان‌شناختی هم از رابطه درونی میانی دال و مدلول ناشی می‌شود و هم از نحو قرارگیری این نشانه در جمله یعنی از برخی ارتباط‌های نحوی.

برای مثال سه ساختار زیر را تجسم می‌کنیم:

C'est + اسم فاعل.

Je suis + اسم مفعول.

Ça me + صرف فعل.

افعال فرانسوی که قادرند در این سه ساختار جای گیرند نادرند. افعال روزمره نظیر vivre (زندگی کردن) و aimer (دوست داشتن) و manger (خوردن) و aller (رفتن) و غیره در این ساختارها قرار نمی‌گیرند. مثلاً Je suis vécu ça me vit , c'est aimant , لحاظ دستوری غلط است. اما اگر فعلی نظیر schtroumpfer را اختراع کنیم و جمله‌ای مشابه c'est schtroumpfant و je suis schtroumpfé و ça me schtroumpfe به کار ببریم فعل بلافاصله وارد صیغگان می‌شود (مثل افعال ennuyer = اذیت کردن و fatiguer = خسته کردن و énerver = عصبانی کردن و choquer = شوکه کردن و satisfaire راضی کردن و exciter به هیجان آوردن). فعل در مجموعه‌ای از افعال قرار می‌گیرد که همگی ویژگی معنایی مشترک دارند. همه آنها فعل‌هایی هستند که به حس و احساس اشاره دارند. به این ترتیب فعل schtroumpfer معنایی تقریبی می‌یابد که گاه در کنار راضی کردن و گاه در کنار شوکه کردن قرار می‌گیرد.

بنابراین باید از این دیدگاه صورت‌های زبان مخفی با نحو خاص را تجزیه و تحلیل کرد. مثلاً فعل *craindre* (ترسیدن از، نگران بودن از، بیمناک بودن) در زبان رایج فرانسوی متعدی است.

«از پیامدهای این بحران در هر اسم (*Je crains les retombées de cette crise*) یا از واکنش‌های فلانی می‌ترسم: *Je crains les réactions de telle personne* اما در زبان مخفی فعلی لازم است: *ça craint* کار خطرناکیست، ریسک داره و غیره.

فعل *assurer* (تضمین کردن) معمولاً فعلی متعدی است زیرا چیزی یا فردی را تضمین می‌کنیم. اما در زبان مخفی هنگامی که به صورت لازم به کار می‌رود (*il assure*) معنای (از پس چیزی به خوبی بر آمدن) می‌دهد. نکته دیگری که زبان مخفی فرانسوی در آن از لحاظ نحوی نوآوری کرده است، فرایند جابه‌جایی است یعنی فرایندی که واژه‌ای از یک مقوله نحوی را جای واژه‌ای از مقوله‌ای دیگر می‌برد. در زبان عامیانه فرانسوی گاهی از این روش استفاده می‌شود مثل اصطلاح *je suis colère* (عصبانی‌ام) که در آن نام به جای صفت به کار برده شده است. در زبان مخفی نیز اغلب اتفاق می‌افتد که صفتی به جای قید به کار رود. مثلاً *Je le fais facile* (این کار را آسان انجام می‌دهم) به جای *Je le fais facilement* به کار می‌رود یا *il cause tranquille* (راحت حرف‌شو می‌زنه) به جای *il cause tranquillement* و *elle a cuisiné spécial pour moi* (مخصوص من آشپزی کرده است) به جای *(spécialement pour moi)* به کار رفته است.

اینجا دیگر صحبت از نقش رمزآمیز زبان نیست بلکه نقش سبک آفرینی زبان در میان است. *Je le fais facile* معنایش مخفی نیست بلکه فقط صورتی خاص به زبان می‌دهد. زبان مخفی در زمینه ریخت‌شناسی نیز ویژگی‌هایی دارد. فقط یک مثال می‌زنیم. زبان مخفی معمولاً به ایجاد فعلی جدید با افزودن پسوند *-ars* پس از فعلی از زبان رایج گرایش دارد. این فعل جدید به این شکل تغییرناپذیر می‌شود. این کار در زبان فرانسوی عجیب است زیرا ریخت فعل پیچیده می‌شود. مثلاً می‌توان

— اسم مفعولی را به این شکل به کار برد:

Encalossarès en moins de deux cette fiotte

— مصدری را بیان کرد:

la ponette elle s'entend à emballarès les clilles

— هر فعل صرف شده‌ای را به این شکل در آورد:

il envelopparès facile les caves

به طور کلی زبان مخفی از نحو فرانسوی عامیانه استفاده می‌کند مثل تکرار فاعل سوم شخص:

(یارو گفت le mec il a dit و جایگزینی que به جای dont:

(ce que j'ai besoin, ce que je parle) والی آخر.

۵- رنگ‌های زبان مخفی

بارها پیش آمده است هنگامی که در خیابان راه می‌رویم و زبانی خارجی می‌شنویم که با آن آشنایی نداریم، پی ببریم این چه زبانی است. مثلاً متوجه می‌شویم که آن زبان آلمانی یا عربی یا پرتغالی است زیرا تصویری آوایی از این زبان‌ها داریم و ارتباط میان همخوان‌های تفشی و زبان پرتغالی / تشدید آوا و زبان عربی / و آواهای پسکامی و زبان آلمانی را برقرار می‌کنیم. علاوه بر این تصاویر که می‌توان آنها را «شبه دانش» نامید (البته این شبه‌دانش‌ها اغلب درست از آب در می‌آید و منجر می‌شود زبانی پس از شنیدنش شناخته شود) عناصری عینی وجود دارد (مثل همخوان‌های تفشی و پرتغالی) و عناصری ذهنی مطرح است که نشانه‌شناسی زبان‌ها و گویشوران آنها را تشخیص می‌دهند. گفته می‌شود چینی‌ها تودماغی صحبت می‌کنند یا ایتالیایی‌ها دستان خود را زیاد حرکت می‌دهند و الی آخر.

با این همه میزان تفاوت زبان مخفی با زبان رایج پیرو میزان تخصص گروهی است که به این زبان مخفی تکلم می‌کند. می‌توان برداشت کرد که یک نشانه‌شناسی زبان مخفی و نشانه‌شناسی گویشوران زبان مخفی وجود دارد که ضمن رمزآمیز بودن، عمداً از جانب

گویشوران پدید می‌آید و تخیلی است. در پیوستار زبان‌شناختی گویشوران و در دستور زبانی که امکان تولید این گفته‌های زبان موردنظر رایج، عامیانه یا زبان مخفی را فراهم می‌کند فقط عناصر واژگانی یا نحوی وجود ندارد که صورت آن قابل شناسایی باشد یعنی متغیرهایی که نشان دهد در کدام سطح زبانی قرار گرفته‌ایم، بلکه مجموعه‌ای از اعمال مبهم‌تر نیز وجود دارد که برداشتمان از آنها این است که هیچ نقشی در انتقال معنا ندارند و بیش از آنکه دلالت عینی داشته باشند دلالت ضمنی دارد.

در این بخش این مجموعه که رنگ‌های زبان نامیده شده است مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

الف. صورت آوایی

ژرار دومستر با توصیف زبان مخفی زبان بامبارا Bambara خاطرنشان کرده است در واژگان زبان مخفی «نابهنجاری‌های آوایی» وجود دارد. در این زبان مخفی بخش پایانی واژگان به چندین واکه ختم می‌شود در حالی که قاعده ساختار زبان توالی واکه - هم‌خوان (cvcv) است، واکه‌های گنگ میان هم‌خوان‌ها به کار می‌رود در حالی که تضاد هم‌خوان‌های g/k در این موقعیت به نفع واکه خنثی می‌شود یا واج‌هایی نادر یا ناشناخته از زبان مورد استفاده قرار می‌گیرد و غیره.

این نابهنجاری‌ها بیش از هر چیز در واژگانی مشاهده می‌شود که از زبان فرانسوی عاریه گرفته شده است یا واژگانی مختلط است. مثلاً برای نامیدن fille (دختر) و copine (دوست دختر) در این زبان مخفی از واژه gonas استفاده شده است که با ترکیب go (دوست دختر) از زبان بامبارا و conasse (احمق) فرانسوی ایجاد شده است یا واژه supunyas از ترکیب supu (soupe سوپ فرانسوی) و پسوندی بامبارایی nyas (زیبا) به وجود آمده است. manes از کلمه man انگلیسی و پسوند -esse فرانسوی ساخته شده است.

اما در واژگانی که از زبان مخفی وام گرفته نشده‌اند صورت واژه فرانسوی به صورت بامبارایی در می‌آید برای نمونه poison (سم) فرانسوی به شکل posoni در می‌آید

automobile (خودرو) به شکل mobili تغییر پیدا می کند که /i/ پایانی آن برای استمرار CVCV است. دومستر درباره این تغییرات نوشته است:

«برخلاف استفاده رایج که طبق آن می بایستی واژگان فرانسوی در قالب آوایی زبان بامبارایی ریخته می شد، واژگان زبان مخفی ویژگی بیگانه خود را حفظ می کنند و به این ترتیب هم عجیب و هم دلپسند می شوند.» می توان این را قاعده ای کلی دانست. زبان مخفی فرانسوی اغلب هم پای لهجه پاریس تصور می شود، rhyming slang همپای لهجه کاکنی cockney تلقی می شود و الی آخر. در حقیقت واج شناسی خاص زبان مخفی وجود ندارد (واج شناسی آن همان واج شناسی زبان رایج باقی می ماند) اما ویژگی های آوایی وجود دارد که مثلاً معنی ضمنی خارجی یا مردانگی و غیره دارد.

در نحوه گویش جوانان عرب تبار و سیاهپوست، گروه های رپ حومه های شهرهای بزرگ چون پاریس و لیون و مارس ویژگی هایی مشاهده می شود که عبارتند از تشدید هجای ما قبل آخر جملات و کلمات، تلفظ واژه های بسیار باز و پیشین و غیره. همه این تغییرات، صورتی آوایی به نحوه صحبت کردن آنان می دهد که ما را به یاد قشر زیرین عربی (یا لهجه عربی) می اندازند. اما قشر زیرین صرفاً این ویژگی های صوری را توجیه نمی کند. این گویشوران جوان همگی عربی صحبت نمی کنند بلکه متولد فرانسه هستند اما به دلایلی می خواهند نوعی زبان فرانسوی صحبت کنند که قابل شناسایی نباشد. با این کار می خواهند هویت خود را مطرح کنند، آنان علاقه زیادی به ایجاد هویتی فرهنگی دارد که در موسیقیشان، نحوه لباس پوشیدنشان و نوشتارشان و نحوه صحبت کردن به زبان مشترکشان مشهود است. رومان یا کوبسون در دیباچه کتابی از ایوان فوناژی نامه ای از مارکس به انگلس را ذکر کرده است که در آن تلاش می کرد حالت لب و لوچه تحقیرآمیز در زبان آلمانی تولید شود به این ترتیب واژه آلمانی sehr (خیلی، زیاد) به söhr تبدیل می شود که نشانگر تلفظی گردشده است. او مثالی از یکی از شخصیت های رمان تورگنیف زده بود که نوکری است که هر وقت خود را می گیرد به جای 'teper (اینک) tüpür تلفظ می کند. او نوشته است:

«مایلم مثال‌های دیگری از این فرایند صوری و عاطفی پیدا کنیم و ببینیم آیا در دیگر زبان‌های جهان نیز بسامد آن مشابه است؟» فوناژی در همان کتاب به مطالعه آنچه «واکه‌های تحقیرآمیز» نامیده است می‌پردازد و می‌نویسد واکه‌های پسین و واکه‌های باز بیشتر از واکه‌های پیشین و بسته تحقیرآمیز احساس می‌شوند.

— پسین کردن تلفظ ظاهراً به گرایشی ناخودآگاه مربوط می‌شود تا صدا، تفاوت ظریف و متشخص‌تری پیدا کند.

— در میان دو واکه، واکه‌ای که معمولاً بازتر است «تحقیرآمیزتر» احساس می‌شود.

بنابراین می‌توان نحوه صحبت کردن زبان فرانسوی را که در بالا به آن اشاره شد نوعی ترجمه آوایی از اراده‌ای برای تفاوت هنجاری از زبان استاندارد فرانسوی دانست. پی‌یر بوردیو نوشته است زبان مخفی تنها مصداق مخالفت با مشروعیت زبان است و این مثال اظهارات او را به خوبی به اثبات می‌رساند. برخی گویشوران برای نشان دادن ویژگی اجتماعی خود، تفاوت اصلی خود را در صورت زبان خویش بیان می‌کنند. برخی گروه‌های سیاسی نیز به همین ترتیب مثل رئیس خود صحبت می‌کنند. درباره این مقوله نیز گویشوران زبان مخفی سوای صورت‌های واژگانی و نحوی، از رنگی آوایی خاص استفاده می‌کنند.

ب. پسوندهای زبان مخفی

درباره پسوندهای غالب در صورت‌های زبان مخفی نیز همین طور است. مطالعه جاناتان لایتر درباره زبان مخفی نظامیان آمریکایی در جنگ جهانی اول نشان می‌دهد که مثلاً علامت‌های اختصاری به طور ترجیحی

— از تلخیص همراه با واکه پایانی /o/ استفاده می‌کنند.

مثل ammo برای واژه ammunition

bolo برای bolochhevik

commo برای communications و غیره.

— از تلخیص همراه با واکه پایانی /i/ استفاده می کنند.

aussi برای australian

bivie برای bivouac

civvy برای civilian

divvy برای division

در این چند مثال مشاهده می کنیم که پسوند /o/ و /i/ افزوده شده است. تلخیص ammunition می بایست ammu می داد و australian به austra یا aus منجر می شد. در زبان فرانسوی نیز به همین شکل است. در این زبان صورت های انتهای واژگان گرایشی شکل می گیرد (مثل /o/ یا /i/ انگلیسی) و می توان آنها را در دو گروه جای داد:

— پسوندهایی که پس از تلخیص اضافه می شود و در زبان رایج وجود ندارد مثل ieux—
 کلمه classieux به جای classique (کلاسیک)، -os در واژه matos به جای matériel (تجهیزات)، ringardos به جای ringard (جواد)، gratos به جای gratuit (رایگان)، -
 oche در boche (به معنای آلمانی به آن alboche نیز گفته می شود)، fastoche به جای
 facile (آسان)، -ot در واژه biot که به معنای عربی است (واژه arabe به arbi تبدیل شده
 است و سپس واژه arbicot و در نهایت bicot را داده است)، parigot به جای parisien
 (پاریسی) و غیره.

— پسوندهایی که در زبان رایج وجود دارد و اندکی بار تحقیرآمیز دارد. مثل ard— در واژه
 potard واژه ای فنی که از potentiomètre (پوتانسیومتر) تکسین های رادیو گرفته شده
 است، connard به جای con (احمق)، zonard به جای zone (منطقه)، ringard و الی آخر.
 ریشه این پسوندها هیچ وقت به طور دقیق مشخص نبوده است و طبق مد روز تغییر می کند.
 گاه از پسوند -os گاه از ard- و گاه از -ot استفاده می شود. بالزاک در کتاب بابا گورریو
 مثالی از این پسوندهای مطابق مد روز زده است که وارد زبان شده است:

«اختراع تازه دیوراما که در چشم اندازها خطای دید شگفت‌انگیزی ایجاد می‌کرد، موجب شده بود در چند نگارخانه نقاشی به شوخی به صورت «راما» صحبت شود که این مد را نقاشی جوان که در پانسیون ووکر نشست و برخاست داشت رایج کرده بود.

- کارمند موزه گفت: خوب آقا (monsieur) پواره، حال رامای شما چطور است؟ سپس بدون آنکه منتظر پاسخش شود خطاب به خانم کوتورو و ویکتورین گفت: خانم‌ها شما غصه دارید؟

- هوارس بیانسون دانشجوی پزشکی و از دوستان راستیناک گفت: آیا شیم می‌خوریم؟ (dinaire به جای dinner (شام))، از گرسنگی مردم.

- ووترن گفت هوا بسی سرتوراما (froitorama) است! مزاحم بابا گوریو می‌شوید؟ عجب! پایتان را روی دهانه بخاری گذاشته اید.

- بیانسون گفت آقای ووترن محترم چرا می‌گویید سرتوراما؟ اشتباه است. باید بگویید سردوراما. (froidorama).

- کارمند موزه گفت: خیر قاعده اش سرتوراما است: پاهایم سرت است (froit سرت به جای froid سرد) (J'ai froid aux pieds).

در این مثال با زبان مخفی سروکار نداریم اما ترکیبی از پسوندهای غیرعادی از زبان لاتین و همچنین تلفظ /e/ گنگ مشاهده می‌شود که از صورت زبانی گروهی اجتماعی حکایت دارد و این گروه، ریزجامعه پانسیون ووکر است. این ارتباط میان یک گروه و نحوه صحبت کردنش از جمله ویژگی‌های پیدایش صورت‌های زبان مخفی است.

در ادامه همین استدلال در فصل سوم عنوان شد زبان rhyming slang انگلیسی هر واژه‌ای را با واژه یا اصطلاحی دیگر جایگزین می‌کند که اغلب از دو کلمه تشکیل شده‌اند که با and به یکدیگر متصلند. Wife به trouble and strife تبدیل می‌شود و stairs به apples and pears. این فرایند که ماحصل آن طولانی شدن جملات است ظاهری خاص به جملات می‌دهد که معنی را نامفهوم می‌کند اما می‌توان فهمید زبان rhyming slang است.

اما نکته مهم اینجا این است که افزودن پسوندی نظیر OS- به صفتی چه در زبان مخفی (مثل peinar dos که به peinar dos (راحت) تبدیل می‌شود) و چه در زبان رایج (مثل tranquille (راحت) که به tranquillos تبدیل می‌شود) نقشی در رمزآمیزی جمله ندارد و معنا را مخفی نمی‌کند بلکه معنی را به سطحی دیگر می‌رساند. این رنگ‌آمیزی در زبان عامیانه یا زبان مخفی همان نقشی را دارد که برخی‌ها با طرز لباس پوشیدن و راه رفتن خود بروز می‌دهند. به عبارتی دیگر چنین فرایندی نقشی هویتی دارد. در هر حال، صورت آوایی جنبه‌ای به زبان می‌دهد که معنای رایج آن را رکیک یا عامیانه یا مخفی توصیف می‌کند. این صفت‌ها هیچ معنای علمی ندارند. نکته مهم این است که در برابر صورت‌های مشروع و مقابل زبان استاندارد و زبان فاخر رسوم آوایی متفاوت ایجاد می‌شود که بارمعنایی هویتی دارند و ضمناً شاخص‌هایی برای طبقه‌بندی نیز محسوب می‌شوند. برای مثال جوانان عرب‌تبار در لحن آوایی خود اراده‌ای برای عضویت در گروهی را بروز می‌دهند و در عین حال تفاوت رمز خود را به دیگران نشان می‌دهند. به عبارتی این صورت‌ها (یعنی واژه‌های باز، تشدید بخش آخر عبارات و افزودن پسوندها) را می‌توان نسخه بدل دانست و مقصود از نسخه بدل تعریفی است که ویلیام لایوف ارائه کرده است: هر بار که برای بیان چیزی روش‌های مختل بیان ایجاد می‌شود، باید تصور کرد که در پشت این تغییرات، معنایی نهفته است و هر بار که نسخه‌ای بدل به ویژگی یک گروه اجتماعی تبدیل می‌شود، این نسخه بدل وارد حیطه جامعه‌شناسی زبان می‌شود.

۶- از نقش رمزآمیز تا نقش نمادین

واژگان زبان مخفی در نتیجه نوعی تغییر هیئت پدید آمده‌اند. گویی واژگان همچون حضور در بال ماسکه تغییر چهره می‌دهند. هدف از این تغییر چهره دو نقش است یکی اینکه شخص شناخته نشود پس نقش رمزآمیز مطرح است و دیگری اینکه افراد می‌خواهند به شکل فرد دیگری در آیند و اینجا نقش معناشناختی مطرح می‌شود.

این نقش دو گانه یعنی رمز آمیز و معناشناختی یا نمادین ویژگی همه زبان های مخفی است. از این دیدگاه مطالعه جامعه شناختی زبان درباره زبان مخفی جالب توجه است. فرانسواز گاده می گوید واژگان زبان عامیانه و زبان مخفی به دشواری قابل تشخیص اند زیرا روش واژه سازی هر دو مشترک است. علتش این است که زبان مخفی دیگر زبان دارودسته تبهکاران گذشته نیست بلکه نقشی دیگر دارد و امروزه نوعی ارتباط با زبان و در نتیجه ارتباط با جامعه تلقی می شود.

برای مثال در کشورهای فرانسوی زبان آفریقایی هنگامی که به زبان عامیانه فرانسوی صحبت می شود، همواره اصطلاحاتی شنیده می شود که از سیاست روز برداشت شده است. در نیجر واژه conjuncture (به معنای اوضاع و احوال) به بطری آججویی گفته می شود که حجم آن در مقایسه با بطری های استاندارد کاهش یافت و این درست زمانی رایج شد که رئیس جمهور وقت در نطقی اوضاع و احوال نامساعد اقتصادی را مطرح کرد و بلافاصله در زبان عامیانه نام آن بطری conjuncture گذاشته شد. در آفریقا همچنین واژگانی از زبان های دیگر آفریقایی وارد زبان فرانسوی عامیانه شده است مثل واژه daba برای کج بیل (houe) و potopoto برای گِل (boue). همچنین نوواژگانی فرانسوی ساخته می شود. واژه essancerie به جای station-service (جایگاه پمپ بنزین) و douchière برای محل دوش گرفتن رایج شده است.

این موارد را نمی توان زبان مخفی نامید بلکه پیدایش زبانی فرانسوی عامیانه محلی در مقایسه با فرانسوی استاندارد است که در مدارس تدریس می شود. اما در شهرهای بزرگ صورت های زبان مخفی به وجود می آید و در این بخش دو مورد از آنها مطرح می شود. یکی از آن دو از زبان فرانسوی ریشه گرفته است و دیگری از زبان لینگالا lingala است که در کنگو صحبت می شود.

ژرمی کوادیو ان گسن زبان نوشی (Nouchi) شهر آبیجان (ساحل عاج) را صورتی زبانی توصیف کرده است که ریشه اش زبان فرانسوی است و در میان تبهکاران جوان رایج است. ویژگی آن فرایندهای مختلف نظیر استعاره و کنایه و وام گیری و تغییرات نحوی و

غیره است. این زبان برای نشان دادن عضویت در گروهی خاص (گروه سنی) مورد استفاده قرار می گیرد. نویسنده متذکر شده است این زبان مخفی به طور شگفت انگیزی میان جوانان و دانش آموزان و دانشجویان و تبهکاران مورد استقبال قرار گرفته است.

زبان مخفی indoubil از زبان لینگالا در کینشاسا و برازاویل آمده است و ابتدا نقشی رمزآمیز داشته است اما به تدریج به نحوه صحبت دوره گردان شهرهای بزرگ تبدیل شده است که می خواهند به کلام رنگ و بویی خاص، جنبه ای غیرمنتظره و سرعت بدهند و زبان را از قید و بند همیشگی اش برهانند تا دیگر در برابر دیگران احساس شرمندگی نکنند. در هر دو مورد نقش نمادین یا معناشناسی مهمتر از نقش رمزآمیز زبان است. تلکم به زبان های nouchi یا indoubil ممکن است ارتباط را با افرادی که فرانسوی یا لینگالا استاندارد صحبت می کنند محدود کند اما بیش از هر چیز پاسخگوی نیازی هویتی است. امروزه شاهد برتری یکی از این نقش ها بر دیگری هستیم و این امر ویژگی همه زبان های مخفی معاصر است زیرا اوضاع جامعه تغییر کرده است. امروزه مافیا دارودسته ای منزوی نیست و زبان مخفی دیگر همان زبان مخفی گروه اجتماعی خاص یا حرفه ای خاص نیست.



زبان مخفی و ادبیات

«به همه کسانی که نمی‌دانند باید گفت: لوتری مجموعه‌ای از پدیده‌های ادبی و محصولی اجتماعی است. لوتری چیست؟ لوتری زبان تنگدستی است.»

ویکتور هوگو

قبلاً به این مسئله متناقض اشاره شد که محصولی صرفاً شفاهی یعنی زبان مخفی به صورت مکتوب به ما منتقل شده است. البته این امر برای عصر حاضر صدق نمی‌کند. ما اینجا منابع زبان مخفی را معرفی نمی‌کنیم بلکه استفاده از آن را در ادبیات مورد توجه قرار داده ایم. اغلب در جنبه‌های صوری ادبی تلاش شده است متن زبان مخفی برجسته شود. مثال‌های زیادی در رمان‌های پلیسی و در آثار شاعرانی چون لئوفره و رنو و رمان‌نویسانی نظیر اریستید بروان می‌توان زد که هر یک آوازه‌ای دارند. علاوه بر آن ترجمه‌هایی نیز به زبان مخفی از متونی ناشناخته یا متونی مشهورتر مثل حکایات لافونتن و ده فرمان و غیره شده است. اما در حقیقت این ترجمه‌ها ممارست در سبک است و ادبیات نیست. نمی‌توان گفت این متون نوعی خلاقیت ادبی است بلکه انطباق سبکی است.

در این فصل پنج نمونه از کاربرد زبان مخفی در ادبیات مورد مطالعه قرار گرفته است که هر یک ارتباطی خاص با زبان مخفی دارد. این نمونه‌ها از فرانسوا ویون و ویکتور هوگو و سلین و الفونس بودار و سان آنتونیو است.

۱- فرانسوا ویون

فرانسوا ویون شاعر فرانسوی قرن پانزدهم (۱۴۳۱- پس از ۱۴۶۳) بی تردید ارتباط‌هایی با تبهکاران دارودسته صدفیون داشته است. در بخشی از آثارش موسوم به ترجیع‌بندی‌های زبان مخفی واژگانی شبیه واژگانی مشاهده می‌شود که دارودسته صدفیون به کار می‌برند. این سروده‌ها در حقیقت مشکل اساسی برای تفسیر ایجاد می‌کنند. این شعرها مدت‌ها نامفهوم تلقی می‌شد و برای اولین بار در سال ۱۹۵۴ آرمان زیوس آنها را به فرانسوی معاصر ترجمه کرد.

ده بیت آغازین این ترجیع‌بند در زیر آمده است:

A Parouard la grant mathegoudie
Ou accolez sont duppez et noirciz
Et par les anges suivans la paillardie
Sont greffiz et print cinq ou six
La sont beffleurs au plus hault bout assis
Pour leuagie et bien hault mis au vent
Eschequez moy tost ces coffres massis
Car vendeurs des ances circuncis
Sen brouent du tout a neant
Eschec eschec pour les fardis.

در این ابیات واژگانی به چشم می‌خورد که در محاکمه دارودسته صدفیون در سال ۱۴۵۵ افشا شد (رجوع شود به فصل اول):

– vendengeur: کیسه‌های پول را می‌قابد

– beffleur: سارق است که افراد ساده‌لوح را به قماربازی می‌کشاند.

این واژگان موجب می‌شود تصور کنیم این متن نامفهوم از صدفیون و اعمالشان حکایت دارد. زیوس ترجمه زیر را پیشنهاد کرده است که به زبان فارسی به این معنی است:

در پاریس در دیوان عظیم سلطنتی

تعدادی ابله کت بسته از سرمای شدید کبود می‌شوند

بشنوید آنان را که به چنگک گروهبان‌هایی افتاده‌اند که

به دنبال الواط هستند
 دزدان آنجا، در طبقه فوقانی هستند
 تا با وزش باد بهتر تاب داده شوند
 مرا زود از تکان‌های شدید دور کنید
 زیرا دزدانی که گوش‌هایشان بریده شده کاملاً به نیستی می‌روند
 مراقب باشید! مراقب جلاد تر که به دست باشید!

با خواندن این ترجمه فرضیه‌ای مطرح می‌شود که طبق آن ویون چند شعر به زبان مخفی صدفیون نوشته است. پی‌ریگرو این ترجیع‌بندها را به نحوی متفاوت تحلیل کرده و مدعی شده است دو سطح معنایی در آن به صورت رمز نهفته است که برای دو خوانند متفاوت سروده شده است بنابراین دو معنای متفاوت درون یکدیگر جای گرفته‌اند.

— معنای الف که واژگان صدفیون را به کار می‌برد درباره سرقت و شکنجه و چوبه دار و غیره است. گِیرو ترجیع‌بندهایی را که به این شکل رمزگشایی کرده است «ترجیع‌بندهای صدف» نام نهاده است و ترجمه‌اش به ترجمه زیوس نزدیک است.

— معنای ب درباره افراد متقلب در قماربازی است «ترجیع‌بند قماربازان» نام گرفته است. بنابراین ده بیت بالا دو بار ترجمه شده است.

ترجمه اول (سطح الف) به این شکل در می‌آید:

این است نمایش عروسی بزرگ چوبه‌دار
 که سر فریبکاران بالای آن می‌رود و جانشان را می‌گیرد
 این پنج یا شش نفر بر اساس جنایاتشان
 دستگیر و محبوس شده‌اند به مدد ماموران
 آنجا متقلبان بالاتر از همه جای دارند

آن بالا در باد و باران
 بر حذر باشید از دزدی
 زیرا دزدان گوش بریده

به فنا می‌روند

مراقب باشید! مراقب طناب باشید!

ترجمه دوم (سطح ب) درباره قماربازان است:

برای قلب قماربازان دور هم جمع شده‌اند

متقلبان و فریب‌خوردگان گرد هم آمده‌اند

یاران طبق تخصصشان

پنج نفره آمده و اجیر شده‌اند

انبازان برای شرط بیشتر آنجا نشسته‌اند

تا جیبشان خالی و حسابی پیاده شوند

مرا از جیب‌های پرتان مصون دارید

زیرا قماربازانی که در احاطه گروه‌های قلب کار باشند

تا آخرین ورقشان بازی می‌کنند

مراقب باشید! مراقب جیب‌های پر باشید.

با مطالعه این ترجمه‌ها متوجه می‌شویم و یون تا چه حد با شاعری که زیوس معرفی کرده است متفاوت است این شاعر زبان مخفی صدفیون را به طنز به کار نبوده است بلکه کار بسیار دقیقی برای چند معنا کردن انجام داده است. پی‌یر گیرو نوشته است «این اثر پیچیدگی شگفت‌انگیزی دارد که مهر تأیید شاعر آن دوران بر روی آن خورده است.»

۲- ویکتور هوگو

ویکتور هوگو که در ترسیم چهره‌های تاریخی - اجتماعی مهارت دارد همواره شیفتگی خاصی برای زبان مخفی داشته است و *بینوایان* مملو از چنین اصطلاحاتی است که علاقه وافر او را به این زبان نابهنجار نشان می‌دهد:

«زبان مخفی چیست؟ زبان مخفی هم ملت است و هم گویش. زبان مخفی سرقتی از دو

نوع است، سرقت مردم و سرقت زبانی.»

«زبان مخفی زبان تنگدستی است.»

«زبان مخفی زبان ظلمات است.»

«زبان مخفی کلام است که به زندان با اعمال شاقه محکوم شده است.»

«هر چند زبانی که میان ملل مناطق رایج بوده جالب توجه است، آنچه بیش از آن جالب

توجه و مطالعه است زبانی است که تنگدستی به آن تکلم کرده است.»

در حقیقت ویکتور هوگو رابطه‌ای دو گانه با زبان مخفی داشته است یعنی ضمن آنکه

شیفته آن بوده، از آن بیزار نیز بوده است. مثلاً برای توجیه کاربرد آن در آثارش نوشته

است:

«یکی اعمال شنیع مانع مطالعه آن شده است؟ از کی بیماری موجب فرار پزشک شده

است؟ آیا می‌توان تصور کرد طبیعت‌شناسی از مطالعه مار و خفاش و کژدم و هزارپا و

رتیل امتناع کند و آنها را به تاریکی بیندازد و بگوید: آه! چقدر زشت است! متفکری که از

زبان مخفی روی برگرداند مثل جراحی است که از دیدن خون یا زگیل حالش بد شود.»

بیش از این نمی‌توان مبهم بود. هوگو به منظور ایجاد رنگ و بوی ویژه دوره‌ای خاص در

منطقه‌ای خاص یا بیگانه همواره این زبان را که متفکران با نزاکت آن را ننگین می‌دانستند،

به کار می‌برد و کاربرد آن در آثارش به قبل از بینوایان و حتی قبل از توصیف دربار

معجزات در کتاب نتردام دوپاری (گوژپشت نتردام) باز می‌گردد یعنی از زمانی که آخرین

روزهای یک محکوم به مرگ را نوشت زبان مخفی را به کار برد. این کتاب که در سال

۱۸۲۹ منتشر شد موضع‌گیری شدیدی علیه حکم اعدام بود. هوگو که اغلب به «خاطرات»

ویدوک مراجعه کرده است ظاهراً به رنگ و بوی پدید آمده با این اصطلاحات رضایت

نمی‌دهد و می‌کوشد توانایی‌های خود را در زمینه واژگان و ریشه‌شناسی نشان دهد. مثلاً در

آخرین صفحاتی که در بینوایان به گاوروش پرداخته است توضیحات حاشیه‌ای به کرات به

چشم می‌خورد. هوگو برای نشان دادن دقت خود حتی گاهی توضیح داده واژه‌ای که به

کار برده از چه گویشی گرفته شده است. مثلاً در بخش واژه‌نامه خود به واژه *veuve* معنای

طناب داده است و *ma tortouse* به معنای طناب من است.

در کتاب هفتم بخش چهارم رمان چهار فصل به زبان مخفی اختصاص داده شده است (اصلیت و ریشه و لو توری گریان و زبان مخفی خندان و دو وظیفه: مراقبت و امید) که نام‌های دو فصل اصلیت و ریشه ظاهری دانشگاهی دارد. بنابراین هوگو نخواسته بود فقط کاربر زبان مخفی باشد بلکه می‌خواسته خود را توصیف‌گر و نظریه‌پرداز آن نیز نشان دهد. ورای نظرات ارزشی او که قابل بحث است، در نوشته‌هایش مقوله‌هایی می‌یابیم که از جامعه‌شناسی زبان به دور نیست. به همین علت در ابتدای هر فصل این کتاب جملاتی از بینوایان ذکر شده است.

اما هوگو گاهی بیش از حد اغراق کرده است. در بینوایان مون پارناس زندانی سابق به گاوروش می‌گوید: «بچه گوش کن بین چی می‌گم! اگر با سگ (dogue) و چاقو (dague) و زنم (digue) در میدان بودم و اگر ده سکه سو به من می‌دادید با ماندن در آنجا مخالفت نمی‌کردم اما امروز آخرین روز کارناوال نیست.»

«این جمله عجیب تاثیری خاص بر روی پسر بچه گذاشت ...» چند سطر بعد نویسنده درباره این چند سطر به طرز آموزنده‌ای نوشته است:

«مهمترین نکته جالبی که در جمله مبهم مون پارناس برای هشدار به گاوروش در خصوص حضور ژاندارم وجود داشت، تکرار صدای dig بود که پنج شش بار به صورت‌های مختلف تکرار شد. این هجای dig که به تنهایی تلفظ نمی‌شود ماهرانه با کلمات جمله ترکیب شده است و معنی آن این است که: «مراقب باشیم دیگر نمی‌شود آزادانه صحبت کرد» علاوه بر آن در جمله مون پارناس نوعی زیبایی ادبی وجود دارد که مورد توجه گاوروش قرار نگرفت mon dogue و ma dague و ma digue اصطلاح زبان خاص تامپل است که معنای آن سگم، چاقوام و زنم است.»

مشکل اینجا است که هوگو معنای جدیدی خلق کرده است. هر چند این حق را دارد اما بسیاری از فرهنگ‌نویسان زبان مخفی حرفش را باور کردند. dogue (واژه‌ای که در قرن پانزدهم از زبان انگلیسی وارد فرانسوی شد) و dague (که در قرن سیزدهم مشاهده شده است) هیچ ربطی به زبان مخفی ندارند و از مدتها قبل وارد زبان فرانسوی رایج شده بودند.

هیچ اثری از این دو واژه پیش از انتشار بینوایان در هیچ منبع مستند مربوط به زبان مخفی مشاهده نمی‌شود.

اصطلاحات اصلاح شده زبان مخفی در قرن هفدهم و توصیف دربار میراکل که در سال ۱۷۲۴ آن سووال آن را به تصویر کشیده است و نتردام دوپاری از آن الهام گرفته است و همچنین واژه‌نامه سال ۱۸۰۰ در محاکمه دارودسته آتش افروزان اورژر و حتی واژه‌نامه ویدوک هیچ یک این عبارت را به کار نبرده‌اند. اما گویا برخی کتاب‌های تخصصی که از سال ۱۸۸۱ به بعد منتشر شد آنها را مشاهده کرده‌اند. برای بهتر نشان دادن آن از جدیدترین کتابها به قدیمی‌ترها می‌پردازیم.

— در سال ۱۹۰۱ آرایستید بروان در فرهنگ فرانسوی — زبان مخفی خود معنای digue را زن ترجمه کرده است.

— در سال ۱۸۹۸ هکتور فرانس در واژگان زبان مخفی نوشته است: digue: روسپی، زن.

— در سال ۱۸۹۶ ژرژ دلسال در فرهنگ فرانسوی — زبان مخفی / زبان مخفی — فرانسوی همان معنا را داده است و مثالی را که زده است سه عبارت را در بر می‌گیرد:

«le costel a sa dague, sa digue et son dogue»

— در سال ۱۸۸۹ لورده آن لارش در ضمیمه جدید فرهنگ زبان مخفی آورده است digue: روسپی و به مقاله "dague" ارجاع داده است که در آن مثال زیر آمده است:

"Maquignons, voleurs, assassins, ne sortent jamais sans leur dague, leur dogue et leur digue"

و بین پرانتز ارجاع داده است به ماسه: (فروشنندگان متقلب، دزدان و قاتلان هرگز بدون چاقو، سگ و زنشان بیرون) نمی‌آیند.

— در سال ۱۸۸۸ گوستاو ماسه در کتاب اعدای من لازار نوشته بود:

«ce vilain monde fraternise, et maquignons, voleurs et assassins ne sortent jamais sans avoir, comme ils disent, leur dogue, leur dague et leur digue»

(سگ، چاقو، زن)

— در سال ۱۸۸۱ اولین بار لوسین ریگو در فرهنگ زبان مخفی معاصر این اصطلاح را به کار برده است:

«digue: زن در زبان مخفی سابق تامل. واژه‌های قدیمی که میان دلقک‌ها و دم‌قرمزهای قرن هفدهم زیاد به کار برده می‌شد. (ویکتور هوگو.)» ریگو به هوگو ارجاع داده است اما نگفته است که بیش از معنای «digue» از او وام گرفته است با خواندن انتهای پاراگرافی که در بالا ذکر شد متوجه می‌شویم ریگو بخشی از جمله را گرت‌برداری کرده است:

«Il y avait en outre dans la phrase de Montparnasse une beauté littéraire qui échappa à Gavroche, c'est mon dogue, ma dague et ma digue, locution de l'argot du Temple qui signifie mon chien, mon couteau et ma femme, fort utilisé parmi les pitres et les queues rouges du grand siècle où Molière écrivait et où Jacques Callot dessinait»

«علاوه بر آن در جمله مون پارناس نوعی زیبایی ادبی مشهود بود که گاوروش به آن پی نبرد. dogue, dague و digue اصطلاحی از زبان مخفی تامل به معنای سگ، چاقو و زن است که میان دلقک‌ها و دم‌قرمزهای قرن بزرگ یعنی زمانی که مولیر نمایشنامه می‌نوشت و ژاک کالو نقاشی می‌کرد، بسیار رایج بود.»

به این ترتیب همه چیز واضح می‌شود: هوگو با تکرار آواها به بیراهه رفته است: (dis garçon پسر بگو ببینیم به dig تبدیل شده است و vous me prodiguez dix gros sous هم به dig انجامیده است.) و به این شکل واژه digue را خلق کرده است و ریگو حرف هوگو را باور کرد، ماسه از روی ریگو گرت‌برداری کرد، لارشه از ماسه تقلید کرد و دلسال از لارشه گرت‌برداری کرده است و دلسال الگوی فرانس بود و بروان از فرانس تقلید کرد و الی آخر. این تاریخچه منحصر به فرد است زیرا نشان می‌دهد چگونه گاهی ادبیات از واژگان سوءاستفاده می‌کند. تأثیر هوگو به همینجا ختم نمی‌شود. آنچه در زیر آمده است بخش‌های از فصل ریشه‌های (زبان مخفی) در کتاب *بنوایان* است:

«آیا واژه‌ای اسپانیایی می‌خواهید؟ در زبان مخفی قدیمی گو تیک نمونه‌ها بسیار زیاد است. مثلاً کلمه boffette به معنای چک از واژه fofeton می‌آید. واژه vantane به معنای

پنجره (که بعدها به *vanterne* تبدیل شد) از کلمه *Ventena* آمده است. واژه *gat* به معنای گربه از *gata* گرفته شده است ...

آیا نمونه‌های انگلیسی می‌خواهید؟

کلمه *bichot* به معنای اسقف از *bishop* و *pilche* به معنای شیلنگ از *pilcher* (غلاف) گرفته شده است.

آیا به دنبال ریشه‌های آلمانی می‌گردید؟

واژه *caleur* به معنای پسر از *kellner* و *hers* به معنای ارباب از *herzog* (دوک) آمده است.

آیا ریشه‌های زبان باسک می‌خواهید؟

gahisto به معنای ابلیس از *gaiztoa* به معنای «بد» گرفته شده است.

آیا به دنبال ریشه‌های سلتی می‌گردید؟ واژه *blavin* به معنای دستمال از *balvet* (آب در حال فوران) گرفته شده است. کلمه *barant* یعنی نهر از *baraton* (چشمه) و *goffeur* (قفل‌ساز) از *goffe* (آهنگر) و *guédouze* (مرگ) از *guenn-du* (سپید و سیاه) آمده است.»

اینک به بررسی تک تک این واژگان می‌پردازیم:

– *boffette* قبل از این متن در هیچ منبعی مشاهده نشده است اما پس از آن لارش و دلسال و فرانس و بروان آن را ذکر کردند.

– *gat* واژه‌ای از گویش محلی است و ربطی به زبان مخفی ندارد. اما لارش و ریگو و دلسال و فرانس و بروان آن را گرته‌برداری کردند و آن را به انگلیسی اسپانیایی و حتی گویش پرووانسی نسبت دادند.

– *bichot* نیز واژه ساخته و پرداخته ویکتور هوگو است. اما در کتاب‌های لارش و ریگو و دلسال و فرانس و بروان مشاهده می‌شود و حتی فرانس نوشته است این کلمه را احتمالاً جیب‌بران انگلیسی از *bishop* وارد زبان کرده‌اند.

— pilche در هیچ منبعی قبل از هوگو مشاهده نشد اما لارش و ریگو و دلسال و فرانس و بروان به آن اشاره کردند.

— caleur از گویش منطقه نورماندی caleux به معنای تنبل و تن‌پرور آمده است و در زبان عامیانه به منای پسر شراب‌فروش است. بروان این معنا را به آن می‌دهد اما ریگو و دلسال معنا و ریشه‌ای را به این کلمه نسبت داده‌اند که هوگو از خودش ساخته بود.

— hers این واژه قبلاً در آثار رابله مشاهده شده بود و فقط در ذهن ویکتور هوگو زبان مخفی جلوه کرده است. با این همه لارش و ریگو و دلسال و فرانس و بروان توضیح هوگو را گرت‌برداری کرده‌اند و ریشه آن را لاتین یا آلمانی عنوان کرده‌اند.

— gahisto نیز ساخته و پرداخته هوگو است و ریگو و دلسال آن را تکرار کردند.

— barant نیز در هیچ منبعی قبل از هوگو مشاهده نشده است اما ریگو و دلسال و فرانسو و بروان آن را گرت‌برداری کردند.

— goffeur نیز از نوآوری‌های هوگو است که لارش و دلسال و فرانس و بروان آن را تکرار کردند.

— guédouze نیز قبل از این اثر هوگو واژه‌ای ناشناخته بود اما لارش و ریگو دلسال و فرانس و بروان از آن تقلید کرده‌اند. در مجموع فقط دو واژه این متن قبل از هوگو به تایید رسیده‌اند.

یکی vatane که در واژگان آتش‌افروزان اورژر و واژه‌نامه ویدوک آمده است و دیگری

blavin است که در بیشتر فرهنگ‌ها دستمال معنی می‌دهد اما به طور حتم ریشه‌اش ریشه‌ای

نیست که ویکتور هوگو به آن اشاره کرده است. (شاید ریشه‌اش bleu (آبی) باشد). در

نهایت لازار سنه آن (ریشه‌های زبان مخفی قدیمی ۱۹۱۲) با ریزینی‌هایش این کلمات

ساختگی را از زبان مخفی بیرون راند.

به این ترتیب مشاهده می‌کنیم که ثمره قوه تخیل یک رمان‌نویس بیش از سی سال بر

کتاب‌های تخصصی غالب شد. متأسفانه اغلب اوقات فرهنگ‌های زبان مخفی از روی

یکدیگر تقلید می‌کنند و در منابع خود دقت لازم را به عمل نمی‌آورند.

۳- سلین

لوئی فردینان سلین (۱۸۹۴-۱۹۶۱) با نام اصلی لوئی فردینان دتوش در آثارش به زبانی خاص گرایش دارد که اغلب زبان مخفی نامیده می‌شود. با وجودی که «سبکی از زبان مخفی» در آثار او مشاهده می‌شود، اما نویسنده فقط به چند واژه از زبان مخفی در متنی ادبی یا جستاری درباره زبان مخفی (نظیر ویکتور هوگو) بسنده نمی‌کند. زبان مخفی او در نحو و ساختار جملات نمایان می‌شود. سبک سلین نوعی زبان عامیانه است که می‌توان آن را نمایان کرد (مثل حذف «ne» منفی که در محاوره به کار می‌رود و ساختار غلط جملات و نام آواها و غیره). اما به طور کلی می‌توان گفت زبان مخفی به آثار سلین رنگ و بوی محلی نمی‌دهد بلکه زبانی است که در آن فلاکت و خشونت و ناهنجاری می‌جوشد. زبان سلین ضمن آنکه ترکیبی از سبک‌ها است، ترجمه نوشتاری زبان محاوره و پشتوانه واژگان زبان مخفی نیز محسوب می‌شود.

این زبان منحصر به فرد در سه مثال از کتاب مرگ اعتباری (*mort à crédit*) برجسته

شده است:

«Il était voyeur par instinct. Il paraît qu'elle avait des cuisses comme des monuments, des énormes piliers, et puis alors du poil au cul, tellement que ça remontait la fourrure, ça lui recouvrait tout le nombril ... Il l'avait vu le petit Robert en plein moment de ses arcagnats ... Elle s'en mettait du rouge par tout et tellement que c'était sanglant, ça éclaboussait tous les chiots, toute sa motte en dégoulinait. Jamais on aurait supposé un foiron si extraordinaire...»

«اون به طور غریزی چشم چران بود. می‌گن پاهاش مثل ستون ساختمان بلند بود. نشیمنگاهش پشمالو بود. اونقدر زیاد بود که از بدنش معلوم می‌شد و روی نافش رو می‌پوشوند ... روبر کوچیکه موقع عادتش دیده بودش، همه جاش ستوخ می‌شد. اونقدر قرمز می‌شد که خون همه جا رو می‌گرفت، همه جا روی توالت پاشیده می‌شد. از اونجاش چیکه چیکه خون می‌ریخت. هیچکی فکر نمی‌کرد این دبر این قدر باحال باشه ...»

در این قسمت واژگان زبان مخفی نظیر arcagnats (عادت) و chiots (توالد) و foiron (دُبر) مشاهده می‌شود اما ساختار خاص جملات مثل ça remontait la fourrure (روی نافش رو می‌پوشوند) یا جملاتی که فاعل در آنها پس از فعل تکرار می‌شود و لحن خاص متن، موجب می‌شود سبک به صورت زبان مخفی درآید. در متن زیر نیز واژگانی از زبان مخفی مشاهده می‌شود. مثل condé (کمیسر) و griffeton (سرباز) و louchebem (دهان) و thune (پول). اما لحن کلی ساختار و نحو، حال و هوای متن را به شکل زبان مخفی در آورده است:

«En plus il avait un condé pour se faire des sous. "C'est facile" qu'il m'a expliqué ... Dès qu'on a eu plus de secrets. Dans le remblai du bastion¹⁸ et dans les refuges du tramway devant La Villette, il faisait des petites rencontres, des griffetons qu'il soulageait et des louchebems. Il me proposait de les connaître. Ça se passait trop tard pour que moi j'y aille ... ça pouvait parfois rapporter une thune, parfois davantage.»

«تازه بهش جواز هم داده بودن تا پول در بیاره. بهم گفت آب خوردنه. بعدش برا هم دیگه رازی نداشتیم. تو خاکریز سنگر هجدهم و تو پناهگاه‌های تراموا جلوی لایولت به این و اون برخورد می‌کرد. به سربازا آب می‌داد و از این کارا. به منم پیشنهاد کرد اما وقتش خیلی دیر بود ... گاهی یکم پول درمی‌آمد گاهی بیشتر.»

در آخرین مثال رابطه میان محتوا و صورت متن بسیار عمیق است. اگر بگوییم در این قسمت واژگان زبان مخفی به کار رفته و نحو عامیانه است و از نام آوا استفاده شده است، کار بیهوده‌ای انجام داده‌ایم. این بخش در حقیقت زبان جار و جنجال و دعوا در برخی محافل است:

«si ma mère l'interrompait, l'appelait qu'il descende, il recommençait à râler. Ils se butaient dans le noir ensemble, dans la cage étroite, entre le premier et le deuxième. Elle écopait d'un ramponneau et d'une bourdée d'engueulades. Ta! ga! dam! Ta! ga! dam! Pleurnichant sous la rafale elle redégringolait au sous-sol compter sa camelote. "Je veux plus qu'on m'emmerde! Bordel de Nom de Dieu! Qu'ai-je donc fait au ciel! ..." la question vociférée ébranlait

toute la cambuse. Au fond de la cuisine étroite, il allait se verser un coup de rouge. On pipait plus il avait sa tranquillité».

«اگر مادرم حرفش رو قطع می کرد و صداش می کرد پائین بیاد، دوباره نق می زد. با همدیگه تو تاریکی تو راه پله باریک بین طبقه اول و دوم کتک کاری می کردن. یک مشت و کلی دعوا نصیص می شد. ترق و تورق! ترق و تورق! گریون به زیرزمین می رفت تا جنساشو بشماره. داد می زد: «دیگه نمی خوام هیش کی مزاحمم شه! کثافت! مگه من چیکار کردم؟» داد و فریادش همه خونه رو می لرزوند. اون هم رفت ته آشپزخانه باریک و یک لیوان شراب ریخت. دیگه کسی باهاش کاری نداشت و دوباره آرامشش رو به دست آورد.»

سلین علاوه بر ایجاد تحول عظیم در زبان، از طریق زبان نیز تحولی بزرگ ایجاد می کند. این نویسنده بر روی جامعه استفراغ می کند و این به خوبی در متن مشهود و مفهوم است. سلین بهترین نماینده ادبی «رنگ زبان مخفی» است.

۴- الفونس بودار

الفونس بودار رابطه ای متفاوت با زبان مخفی دارد و زندگی او چنین چیزی را توجیه می کند زیرا بودار دورانی از عمرش را در زندان بوده است. او به آخرین تحولات واژگان آگاهی دارد و به خوبی آنها را درک می کند. بودار به تقلید طنزآمیز از روش زبان آموزی اسیمیل Assimil روش میمیل Mimile را ابداع کرده است.

آشنایی کامل او با زبان مخفی و موشکافی دقیقش او را به نوعی فرهنگ نویس تبدیل کرده است که گاهی به خواننده معنای واژگانی را که به کار برده است توضیح می دهد.

«Ça te fait du 20% de velours. Du velours ça veut dire bénéfice ... comme un mot de passe ça sert à vous signifier que vous êtes en terrain malfrat.»

(*L'éducation d'Alphonse*).

«برات بیست درصد مخمل داره. مخمل یعنی سود و این نوعی گذر واژه است. زبان موسوم به زبان مخفی به همین کار می آید و به شما می فهماند در حیطه تبهکاران هستید.»
(آموزش آلفونس)

«Je m'aperçoit qu'il faut que j'explique Un mot d'argot tombé dans l'oubli ... C'était les fortifs, les lafs, les fortifications autour de paris, qui furent détruites dans l'entre-deux-guerres. Là que tous les voyous se retrouvaient à la nuit tombante ... leur royaume. Ça tringlait la gigolette sur les lafs ... dans l'herbe miteuse ... ça s'expliquait au cran d'arrêt entre hommes» (*cinoche*).

«متوجه شدم که باید واژه‌ای از زبان مخفی را که به فراموشی سپرده شده است توضیح دهم ... واژه fortif یا lafs یعنی دژهای (fortifications) اطراف پاریس که در دوران بین دو جنگ نابود شد. با فرار سیدن شب همه افراد یاغی آنجا جمع می شدند و این قلمرو آنان بود ... یک دختر در دژها بود. روی چمن‌های کم‌پشت. میان مردان با چاقو ضامن دار بر سرش دعوا بود.» (سینما) و همچنین بودار نحوه شکل گیری واژه را توضیح می دهد:

«Berlurer, le mot idoine Je vous l'explique au passage ... vous dites avoir la berlue ... c'est-à-dire se faire une idée fausse ... voilà ... le verbe! Je me berlure pour deux raisons ...» (*L'éducation d'Alphonse*).

«berlurer» واژه مناسب است. اما در این بین آن را به شما توضیح می دهم ... مثلاً می گوید berlue دارید ... یعنی برداشت غلطی دارید، تصویری از چیزی دارید. به صورت فعل هم به کار می رود: به دو علت اشتباه (berlure) می کنم.» (آموزش آلفونس)
گاهی نیز مثالی را که عبارت در آن به کار رفته است ذکر می کند:

«Il faut que je vous ramène, mille excuses, au ballon, n'est-ce pas ... gnouf, en prison, en carluhe! J'y traînait alors mes guêtres ... mon postérieur sur le banc des infamies. Je vous replace ... 1950 ... un bel été qui s'annonçait ... le ciel entre les barreaux sans nuages! Cellule 206, je me vautrais sur ma paillasse. Deuxième étage, deuxième division... Fresnes les Rungis, j'y

reviens, j'y fus en quelque sorte en résidence secondaire des années!» (*Le banquet des léopards*)

«با عرض معذرت باید برایتان خاطره‌ای از زندان یا هلفدانی تعریف کنم. نشیمنگاهم را بر روی نیمکت بدنامی می گذاشتم. باید شما را با آن جو آشنا کنم. سال ۱۹۵۰. تابستان خوبی پیش رو بود ... از میان میله‌ها آفتابی بدون ابر مشهود بود. سلول ۲۰۶ روی تشکم غلت می زدم. طبقه دوم بند دوم. زندان فرن له نرژیس. از آنجا می آیم. به نوعی سالها در آنجا در خانه دوم بودم!» (سور پلنگها)

با این همه الفونس بودار تنها نویسنده‌ای نیست که در کتاب‌هایش «درس زبان مخفی» می دهد. قبلاً ویکتور هوگو را مطالعه کردیم این هم مثالی از بالزاک:

«زبان مخفی همواره به جلو پیش می رود! به دنبال جامعه می رود و آن را تعقیب می کند. با هر اختراع جدید از اصطلاحات جدید غنی می شود. پس از آنکه لوئی شانزدهم و پارمانتیه سبب زمینی را کشف و رایج کردند بلافاصله زبان مخفی آن را پرتقال خوکها (orange à cochons) نامید. اسکناس اختراع می شود و زندان آن را fafiots garatés نام نهاد. Garat نام صندوقداری بود که اسکناس ها را امضا می کرد و fafiots به صدای کاغذ ابریشمی شباهت ندارد؟ اسکناس هزار فرانکی fafiots نر است و پانصد فرانکی fafiots ماده. منتظر باشید زندانیان بر روی اسکناس های صد یا دویست فرانکی اسم های عجیب دیگری بگذارند.

در سال ۱۷۹۰ گیوتن Guillotin برای کمک به منافع بشر، دستگاهی مکانیکی اختراع کرد تا مشکلات ناشی از زجر و عذاب محکومین به مرگ را رفع کند. بلافاصله زندانیان این روش مکانیکی را که در سرحدات سلطنت نظام سابق و روی مرزهای عدالت جدید قرار گرفته بود، ناگهان Abbaye de monte-à-regrets (دیرندامت بالا بر) نامیدند! آنان زاویه تیغ فولادی را مطالعه کردند و برای توصیف عملکرد آن فعل faucher (درو کردن) را پیدا کردند. تصور کنید زندان را pré (مرغزار) نامیده اند.

شارل نودیه گفته بود افرادی که زبان را مطالعه می‌کنند خلاقیت این آواهای وحشتناک را می‌ستایند.» اما همیشه احساس می‌شود این رمان‌نویسان می‌خواهند توانایی خود را محک بزنند و می‌کوشند این شبهه را ایجاد کنند که با طبقه تبهکاران و دزدان در ارتباط بوده‌اند و آشنایی مختصرشان با مبانی زبان مخفی را از زبان همان‌ها آموخته‌اند.

اما بودار چیزی برای ثابت کردن ندارد او فقط می‌کوشد همان طور که همیشه صحبت کرده است، توصیف کند. در ادبیات معاصر فقط می‌توان او گوست لوپروتون و البرتین سارازن را مثال زد که معادل بودار بوده‌اند. این رمان‌نویسان نیز مثل خود گویشوران زبان مخفی از نزدیک گریبانگیر فقر و فلاکت بوده‌اند و خشونت و قیام و پریشانی خود را این گونه بروز می‌دهند.

رمان‌های بودار که فرهنگ‌های زبان مخفی معاصر مدام مثال‌هایی از آنها می‌زنند، از دیدگاه نحوی نیز جالب توجه است. در این رمان‌ها ساختارهایی نظیر ساختارهایی که در فصل پیشین مثال زدیم به کرات به چشم می‌خورد و گرایش خاصی به استفاده از صفت به عنوان قید وجود دارد:

«Pour peu qu'on sache se driver, manœuvrer habile parmi les récifs»

صفت *habile* به جای قید *habilement* به کار رفته است.

«ça vous avance déjà sérieux tous les problèmes»

sérieux به جای *sérieusement* به کار رفته است.

«Il vire l'ancien Premier Ministre venu spécial, en lousedoc, le consulter»

spécial به جای قید *spécialement* مورد استفاده قرار گرفته است.

«Même les poulagas, ils ont rangé définitif son dossier»

définitif به جای *définitivement* به کار رفته است.

«Je l'avais assez vu ... savouré copieux son potentiel poétique»

copieux به جای *copieusement* به کار رفته است.

در این آثار همچنین مثال‌های زیادی از فعل‌های به صورت *arès*- به چشم می‌خورد.

به همین علت‌ها شاید امروزه بودار قلم زبان مخفی محسوب شود.

۵- سان آنتونیو

فردریک دار معروف به سان آنتونیو رمان‌های پلیسی زیادی منتشر کرده است که مهمترین جنبه آنها خلاقیت در واژه‌سازی بوده است. با این همه در کتاب‌هایش واژگان زبان مخفی نیز به چشم می‌خورد. در متن واژگانی از این قبیل مشاهده می‌شود:

«Ordinairement, j'essayais de m'esbigner en loucedé, mais, m'man était si désemparée en me voyant mettre les adjas que j'avais de moins en moins le courage de l'abandonner entre les griffes d'Hector»

«معمولاً سعی می‌کردم یواشکی فرار کنم اما مامان با مشاهده فلنگ بستن من آن قدر سردرگم می‌شد که شهامتم برای رها کردنش در چنگ هکتور کمتر و کمتر می‌شد.»
در اینجا واژگان s'esbigner و loucedé و adja از زبان مخفی آمده‌اند. اما اغلب اوقات به نوعی خلاقیت لجام گسیخته زبانی روی می‌آورد و با وجودی که موردپسند خوانندگان قرار می‌گیرد اصلاً در زبان تأثیر دائمی نمی‌گذارد.

«Ele fait à dada sur le ziffolet d'un des gars, tandis qu'elle se laisse pratiquer le coup du taille-crayon aux nichebés par une gonzesse et qu'elle agite avant de s'en servir le bec verseur du second petit julot ; cependant que la deuxième gamine, assise en tailleuse devant elle, lui montre sa tirelire à crinière tout en s'y prodiguant un léger solo de médius» (*Champagne pour tout le monde!*)

علاوه بر آن San Antonio با اصطلاحات و عبارات بازی می‌کند، به نوآوری می‌پردازد، ضرب‌المثل خلق می‌کند و اصطلاحاتی شبه عامیانه می‌سازد. در زیر مثال‌های این اصطلاحات در آثار سان آنتونیو آمده است اما هیچ یک در زبان فارسی قابل انتقال و ترجمه شدن نیست.

«La bagnole possédait une carrosserie italienne. La fille aussi probablement»

«Il pousse des cris d'or frais, d'orfèvre, d'orvet, de tout ce que tu voudras.»

«L'honneur est comme des coquilles Saint-Jacques, Gros: bien lavés ça ressert.»

«Perdre la tête est la meilleure façon de prendre son pied.»

«Va falloir go-homer à pince»

«"Elle raffole du "Bouc Commissaire", de "la Charrette du laitier," de "Madame la Comtesse monte en Amazone", de "maudire et lécher ferme", de "les flammes s'avancent", de "Cinzano de Bergerac", de "la Sartreuse de Charme", de "Vodka en femme", de "Madame Baud varie" et d'encore quelques bricoles de moindre importance"»

«Je t'aime un pneu, boy-scout, passivement, ras-du-cou.»

«Station baleiniare»

«toute pelle mérite sa lèvre»

«mes rois mages, chère madame»

«C'est l'abbé Résina.»

سان آنتونیو همه چیز را با هم ترکیب می کند ولی زبان مخفی در متن هایش نقشی کم رنگ دارد. او از زبان مخفی استفاده نمی کند بلکه آن را دوباره می آفریند و فقط توهم زبان مخفی را ایجاد می کند.

امکان ذکر نویسندگان دیگر نظیر ژان ژنه هم بود که به زندان افتاده بودند و زبان مخفی آموختند یا می شد شاعرانی نظیر یهان ریکتوس را نام برد که چیزی شبیه زبان مخفی می سرایند و به زبان عامیانه و زبان مخفی قلم می زنند تا احساسات خود را بیان کنند. اما چیز بیشتر از مطالبی که از این پنج نویسنده آموختیم به دست نمی آوردیم. به خوبی می بینیم که تفاوت ها میان این نویسندگان بسیار زیاد است. ویون هرگز از زبان مخفی حرف نمی زند بلکه آن را بیان می کند یا بهتر بگوییم آن را به رشته تحریر در می آورد. بودار که میان دو دنیا معلق است قلمش نیز میان دو سبک می چرخد با وجودی که زبان

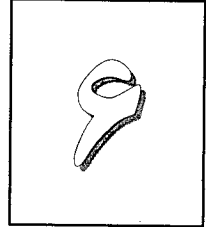
مخفی را به کار می‌برد آن را مطالعه نیز می‌کند و به دقت تحولات و تغییرات زبان مخفی را بررسی می‌کند. ویکتور هوگو می‌خواهد خود را گزارش‌گر بزرگی جلوه دهد که مثل دانشمندان در برابر زبانی زشت اما جذاب آن را مطالعه می‌کند.

سان آنتونیو اصلاً این سوالها را مطرح نمی‌کند بلکه زبان مخفی می‌آفریند و شور و شوقی برای انتقال آن دارد. شاید فقط سلین یک کار واقعی ادبی می‌کند. او زبان محاوره را می‌نویسد برخلاف بودار که آن را ترجمه می‌کرد.

با این وجود، حضور زبان مخفی در ادبیات همچنین به معنای تغییر عملکرد آن نیز هست. پی‌یر گیرو نوشته است:

«از اواسط قرن نوزدهم و با ترویج تدریجی زبان مخفی در زبان عامیانه، روش جدید بیان برای نویسندگان بیگانه از محافل تبهکاران پدید آمد.» دقیقاً همین طور بوده است. مثلاً ترانه‌های رنویا شعرهای آریستید بروان در اوایل قرن بیستم اصطلاحات شاعرانی نیستند که با تبهکاران نشست و برخاست داشته‌اند بلکه آثار شاعرانی هستند که در بین واژگان زبانی خود زبان مخفی را نیز در اختیار داشته‌اند و این ثابت می‌کند زبان مخفی وارد حیطه عمومی شده است. تبلیغ برای زبان مخفی نشانگر تحولات جامعه‌شناختی عظیمی است. به عبارتی دیگر طبقه تبهکاران دیگر محیطی بسته نیست و امروزه زبان مخفی در خلاقیت مردمی ریشه دوانده است.

اما اینها نباید نکته اصلی را از یاد ببرد. زبان مخفی مثل سایر روش‌های ارتباطی زبانی قبل از هر چیز پدیده‌ای شفاهی است و باید در زبان محاوره غیرمکتوب آن را درک کرد هر چند اغلب در ادبیات حضور یافته و منابع قدیمی که در اختیار ما بوده نیز مکتوب هستند.



نتیجه گیری

وان گنپ در کتاب جستاری درباره نظریه زبان‌های خاص تاکید کرده است نباید میان آنچه زبان مخفی نامیده می‌شود و آنچه زبان «مقدس» تصور می‌شود، تفاوت اساسی قائل شد:

«هیچ تفاوت اساسی میان زبان مشاغل مدرن و زبان مقدس نیمه‌متمدن وجود ندارد: ویژگی خاص زبانی در طبقه‌های اجتماعی تأثیر مشابهی نمی‌گذارد.» به این ترتیب زبان‌های دینی، زبان‌های آموزشی، زبان‌های زنان، زبان‌های کودکان، زبان‌های مشاغل، زبان‌های اقلیت‌ها از دید او موارد خاص از پدیده‌ای کلی است و آن «زبان‌های خاص» است. اما صفت «خاص» مناسب نیست و بهتر است تخصصی به جای آن به کار رود. اما نکته مقوله مهم این است که ویژگی آنها پیش از آنکه زبان‌شناختی باشد، اجتماعی است.

— علت آنکه مذهب کاتولیک مدت زمان طولانی زبان لاتین را به عنوان زبان نیایش به کار می‌برد، ریشه تاریخی و جامعه‌شناختی دارد (می‌توان درباره زبان‌های سانسکریت، عربی و اسلاو نیز همین را گفت) هیچ ارتباط لزومی میان لاتین و نیایش کاتولیک‌ها وجود ندارد امروزه مراسم دعا و نیایش اغلب به زبان بومی ایراد می‌شود و طرفداران دعا به زبان لاتین بیشتر به علل ایدئولوژیک و جامعه‌شناختی این عقاید را دارند.

— علت آنکه قصابان زبان مخفی با قاعده‌ای به نام لو شیم louchebem داشته‌اند این بوده است که هم مشتریان حرف آنان را نفهمند و هم تخصص خود را برجسته کنند. بنابراین نقش رمزآمیز و نقش هویتی هم سو هستند.

همان طور که دیدیم علت آنکه نوجوانان فرانسوی به خصوص فرزندان مهاجران ورلان به کار می‌برند این است که خصوصیت خود را هم به عنوان نسل جدید در مقایسه با بزرگترها و هم به عنوان قوم (عرب یا سیاه‌پوست) در برابر آنچه «گلی‌ها» (les Gaullois) می‌نامند برجسته کنند. بنابراین در این وضع زبان نقش هویتی ایفا می‌کند.

به همین ترتیب می‌توان مثال‌هایی زیادی زد که یک چیز را نشان می‌دهد یعنی در پس حال و هوای غریب زبان‌های مخفی و زبان‌های خاص همواره وضعی اجتماعی قرار دارد که پیدایش آن را توضیح می‌دهد و هر تغییری در این وضعیت موجب پیامدهایی در نقش و صورت زبان مخفی می‌شود. با این همه این صورت را نمی‌توان مستقلاً توصیف کرد زیرا زبان مخفی، زبان نیز هست.

زبان مخفی زبان است زیرا هر روز واژگان و اصطلاحاتی می‌سازد. برخی واژگانی آن قدر در زبان جا افتاده‌اند که ریشه مخفی آنها برای مردم واقعاً شگفت‌انگیز می‌نماید. انتقال واژگان و صورت‌های زبان مخفی به زبان فرانسوی عامیانه و استاندارد ثابت می‌کند که گویشور به توانی واحد برای درک و تولید گفته‌هایی دارد که گاه زبان مخفی یا عامیانه توصیف می‌شود و گاه استاندارد. زبان مخفی زبان است زیرا فرایند واژه‌سازی‌اش مشابه زبان رایج است. مثلاً آنچه ساختمان معنایی نامیده شد فقط به زبان مخفی محدود نمی‌شود. مثال‌هایی از ساختمان معنایی پول (که با غذا در ارتباط است) و اقبال (که با مقعد و هم جنس‌گرایی مرتبط است) و پاندا (که با ماهی مرتبط است) مورد مطالعه قرار گرفت. همچنین می‌توان به مطالعه ساختمان معنایی پیدایش اسامی حیوانات خالدار در زبان رایج (بلدرچین و توکا و بچه‌گراز و ماهی ماکرو و مرغ شاخدار و الی آخر) پرداخت یا ساختمان معنایی نام آوایی پیدایش کلماتی که t-k در آنها به کار رفته است (مثل tic، toc، toquer، taquin و ...) را بررسی کرد. زبان مخفی و زبانی که از آن مشتق شده است، فرایندهای مشابهی دارند اما زبان مخفی این فرایندها را در خدمت نقش‌های متفاوتی در می‌آورد.

اما اینجا مسئله‌ای عمومی‌تر و نظری‌تر مطرح می‌شود. زبان‌شناسی موسوم به «دگرگون‌گرا» میان متغیر و نسخه‌های بدل تفاوت قائل می‌شود. متغیر مجموع امکانات تحقق یک صورت زبانی یا یک ساختار یا یک صدا است و هر کدام از این تحقیقات یک نسخه بدل است. نمونه واژگانی آن را می‌توان در مثال کلمه *serpillière* به معنای پارچه کهنه پیدا کرد. در منطقه ساووا و در سوئیس به این واژه *panosse* می‌گویند، در منطقه شمال فرانسه آن را *wassingue* می‌نامند، در شرق فرانسه نامش به *torchon* تغییر می‌یابد در جنوب غربی به آن *since* می‌گویند و الی آخر. این اسامی مختلف نسخه‌های بدل جغرافیایی را تشکیل می‌دهند و مجموعه آنها (یعنی *wassingue + panosse + serpillière + torchon + since* و الی آخر) متغیر نامیده می‌شود.

اما هر چند تفاوت میان *wassingue* و *panosse* جغرافیایی است برای واژگان مربوط به همسر (*nénette*، *gonzesse*، *meuf*، *femme*، *épouse*) این چنین نیست. در این مقوله متغیر اجتماعی است و نسخ بدل آن ممکن است در یک نقطه جغرافیایی به کار برده شوند اما از زبان افراد مختلف و با نقش‌های مختلف شنیده شوند.

می‌توان زبان را متغیری عظیم پنداشت و صورت‌های مختلف آن را نسخه بدلش تلقی کرد. پس نمی‌توان گفت زبان مخفی صورتی مجزا نیست بلکه در حقیقت حالتی از یک صورت کلی است. در این بخش باید عبارت فاصله یا تفاوت را تعریف و یادآوری کرد که هر چه تفاوت یک گروه با گروه با حد متوسط یا میانگین یا گروه غالب بیشتر باشد، تفاوت صورت زبانی‌اش با صورت حد متوسط یا گروه غالب بیشتر خواهد بود (و پی‌یر بوردیو آن را صورت مشروع نامیده است). بنابراین کاربرد صورت‌های زبان مخفی به نوعی، یافتن جایگاه خود در برابر قدرت و در برابر زبان مشروع (که یکی از نمادهای آن محسوب می‌شود) قلمداد می‌شود.

تغییرات زبانی به سه شاخص بستگی دارد که عبارتند از شاخص‌های اجتماعی و جغرافیایی و تاریخی. زبان در سه محور دچار دگرگونی می‌شود. محور اول به گروه‌های

اجتماعی مربوط می‌شود، محور دوم به مکان مربوط می‌شود و محور سوم به زبان و تفاوت میان گروه‌های سنی وابسته است.

پس استفاده از زبان شیوه‌ای برای قرار گرفتن در این سه محور است یا راهی برای اعلام عضویت خود در گروهی اجتماعی یا در مکانی خاص یا در گروهی سنی است. بنابراین، نواژگان در زبان مخفی و مقاومت با این نواژگان را از این منظر باید تحلیل کرد. انتقال نوآوری‌ها مرز میان آنچه از منظر زبان‌شناسی و جامعه‌شناسی قابل قبول هست و نیست را ترسیم می‌کند مثلاً رایج شدن برخی واژگان زبان مخفی در واژگان زبان رایج به معنای نوعی پذیرش اجتماعی است. هنجارها پذیرفته‌اند بر واژگانی گشوده شوند که در فضاهای خاص خود پدید می‌آیند. زبان مشروع واژگان نامشروع را می‌پذیرد درست مثل قشر بورژوازی که فرزندان نامشروع را به رسمیت می‌شمارد.

اما هنگامی که نوآوری‌های نحوی از زبان مخفی به زبان رایج منتقل می‌شود، پذیرش زبان‌شناختی روی می‌دهد. زبان قادر است چنین ساختارهایی را بپذیرد (یا نپذیرد) و این بستگی به آن دارد که مجموع نظام آن زیر سوال برود (یا نرود). صورت مسئله در این حالت تغییر می‌کند و در نهایت بقای آن نظام مطرح می‌شود.

آینده زبان به نوآوری، دگرگونی و پذیرش بستگی دارد. مادام یک زبان نوآوری را بپذیرد، تحول می‌یابد. اما اگر زبانی نوآوری را نپذیرد و ساختارهایش قادر به تحمل دگرگونی با درجات مختلف نباشد، از صورت دفع شده هنجار جدا می‌شود و ممکن است به هسته تحولی موازی تبدیل شود و زبانی به موازات آن بیافریند. زبان فرانسوی آفریقا که در این کتاب به آن اشاره شد فعلاً نسخه‌ای بدل از زبان فرانسوی است اما ممکن است به منشا تحولی به سوی زبانی دیگر تبدیل شود.

از این دیدگاه، صورت‌های زبان مخفی در موضعی قرار ندارند که بتوانند زبانی جدید بسازند. اولاً به خاطر آنکه خیلی زود تغییر می‌کنند در ثانی یا وارد زبان رایج می‌شوند یا از بین می‌روند. زبان مخفی به پیوستاری از توانایی‌ها می‌پیوندد.

گویشوران معمولاً قادرند صورت‌های مختلفی ایجاد کنند که بر اساس موارد و مخاطب قابل قبول یا غیر قابل قبول یا عامیانه یا زبان مخفی یا پرتکلف ارزیابی شود. بنابراین از بین رفتن زبان مخفی به معنای کلاسیک آن یعنی زبان مخفی طبقه تبهکار و کم رنگ شدن تدریجی نقش رمزآمیز آن را باید از این دیدگاه تحلیل کرد چه بسا که زبان مخفی به جای نقش رمزآمیز، نقش هویتی پیدا کرده است. مظنون ظاهری و عاری از بار معنایی‌اش در ایجاد ارتباط اهمیتی ثانوی پیدا می‌کند و پشت محتوای نهفته و حاوی معنی ضمنی قرار می‌گیرد. بنابراین عنصر همنشینی چون "laisse béton" هر چند بر آنچه می‌گوید دلالت دارد (یعنی *laisse tomber* یا بی‌خیال) اما در عین حال حاوی معنی ضمنی گسترده‌تری است که به انتخاب صحبت به ورلان بر می‌گردد. هدف از کاربرد ورلان خواسته‌ای هویتی و فرهنگی خاص و مخالفت با زبانی مشروع است که به حال و هوای زندگی در مدرسه و جامعه و رابطه با دیگران مربوط می‌شود.

در پایان فصل اول از گاستون اسنو نقل شد که: «ما در طبقه‌بندی خود واژگان متعلق به گروه‌های بی‌خطر را «مردمی» و واژگان گروه‌هایی را که به جنایت گرایش دارند «لابالی» خوانده‌ایم. اما مرز این دو مقوله را می‌توان برچید.»

با خواندن این مطلب پرسشی که به ذهن خواننده خطور می‌کند این است که آیا مرز میان واژگان «عامیانه» و «زبان مخفی» است یا میان «گروه‌های بی‌خطر» و «گروه‌هایی که به جنایت گرایش دارند»؟ این پرسش به تعریف جامه زبانی باز می‌گردد. نویسنده این کتاب در کتابی که جامعه‌شناسی زبان را معرفی می‌کند نوشته است: «هدف از زبان‌شناسی فقط مطالعه زبان یا زبان‌ها نیست بلکه جنبه زبان‌شناختی یک مجموعه اجتماعی نیز مدنظر است.» ویژگی این مجموعه که هم «گروه‌های بی‌خطر» و هم «گروه‌هایی که به جنایت گرایش دارند» در بر می‌گیرد، در رابطه‌اش با زبان است زیرا همان طور که ویلیام لایبوف نوشته است هنجارهای زبان میان اعضای آن مشترک است.

زبان مخفی نیز مثل سایر صورت‌های زبانی تحت این هنجارها قرار دارد و استفاده از آن نشانگر نوعی موضع‌گیری اجتماعی است. گویشوری که به زبان مخفی تکلم می‌کند،

ممکن است فقط به همین نسخه بدل زبان مسلط باشد (یعنی چاره‌ای جز صحبت به زبان مخفی نداشته باشد) یا به نسخه بدل دیگری مسلط باشد و به عمد این نسخه را انتخاب کرده باشد، اما در هر دو حالت او به خوبی می‌داند که در شیوه‌ای متفاوت مقابل «زبان مشروع» قرار گرفته است و ممکن است به زبان مشروع مسلط باشد یا نباشد. پی‌یر گیرو چنین چیزی را نشانه‌ای اجتماعی نامیده و نوشته است: «هر زبان نشانه است. زبان همچون لباس و مدل مو، مثل اصطلاحات مودبانه یا سنت‌های خانوادگی، هویت ما را نشان می‌دهد. مثلاً مشخص می‌کند فرد از قشر بورژوا یا کارگر است، پزشک است یا سرباز، کشاورز است یا بازرگان و غیره. هنگامی که این رفتارها عمدی و آگاهانه می‌شود و شخص می‌خواهد با این رفتارها تعلق خود را به گروهی خاص به تأیید برساند و آن را با صدای بلند اعلام کند، اینها به «نشانه» تبدیل می‌شوند. یعنی نشانه‌های قشر اجتماعی و طبقه اجتماعی و جسمانی. این ماهیت هر زبان مخفی به معنای مدرن آن است.»

با این وجود، فقط زبان‌شناسی دهه ۱۹۵۰ و نشانه‌شناسی تازه پا گرفته ابزار تحلیل گیرو بود. او در آن زمان از جامعه‌شناسی زبانی و روش دگرگون‌گرا آگاهی نداشت و دیدگاه جامعه‌شناختی مکتب شیکاگو نیز در دسترس او نبود.

تفاوت کتاب *زبان مخفی* او در سال ۱۹۵۶ در همین انتشارات با این کتاب نیز فقط در همین است. سایر تحلیل‌ها و مواضع بسیار مشابه است زیرا گیرو با شم زبانی دقیق و موشکافانه‌ای زبان مخفی را بررسی کرده است.

Alphonse Boudard et Luc Etienne, *L'argot sans peine, la mémoire à Mimile*, Paris, La Jeune Parque, 1970.

Louis-Jean Calvet, L'argot comme variation diastratique, diatopique et diachronique (autour de Pierre Guiraud), in *Langue française*, n°90, mai 1991.

Jacques Cellard et Alain Rey, *Dictionnaire du français non conventionnel*, Paris, Hachette, 1980; nouv. Éd. augmentée, 1991.

Jean-Paul Colin et Jean-Pierre Mével, *Dictionnaire de l'argot*, Paris, Larousse, 1990.

Alfred Delvau, *Dictionnaire de la langue verte*, paris, Flammarion, 1883.

Gérard Dumestre, L'argot bambara: une première approche, *Mandenkan*, n°10, Paris, INALCO, 1985.

Garston Esnault, *Dictionnaire historique des argots français*, Paris, Larousse, 1965.

Denise François, Les argots, in *Le Langage*, Encyclopédie de la Pléiade, Paris, 1968.

Françoise Gadet, *Le français populaire*, Paris, PUF, 1992.

Pierre Guiraud, *L'argot*, Paris, PUF, 1956.

Pierre Guiraud, *Le jargon de Villon ou le Gai Savoir de la Coquille*, Paris, Gallimard, 1968.

Pierre Guiraud, Structures étymologiques du lexique français, Paris, Editions Payot, 1968 (1^{re} éd., Larousse, 1967).

Jérémie Kouadio N'Gessan, Le nouchi abidjanais, naissance d'un argot ou mode linguistique passagère?, in *Des langues et des villes*, Paris, Didier Erudition, 1992.

Jean Lacassagne et Pierre Devaux, *L'argot du milieu*, Paris, Albin Michel, 1984.

Jonathan Lighter, The Slang of American Expeditionary Forces in Europe, 1917-1919, in *American Speech*, Spring-Summer 1972, Columbia University Press, 1975.

Loredan Larchey, *Dictionnaire historique d'argot*, Paris, Dentu, 1878; republié en 1982, Jean-Cyrille Godefroy éd., Paris.

Loredan Larchey, *Nouveau supplément du Dictionnaire d'argot*, Paris, Dentu, 1889.

Françoise Mandelbaum-Reiner, Secrets de bouchers et largonji actuel des louchébém, in *Langage et société*, n° 56, juin 1991.

Viviane Mela, Parler verlan: règles et usages, in *Langage et société*, n° 45, septembre 1988.

Jean Monod, Des jeunes, leur langage et leurs mythes, *Les Temps modernes*, n° 242, juillet 1966.

Alfred Niceforo, *Le génie de l'argot*, Paris, Albin Michel, 1948.

Dominique Noye, *Un cas d'apprentissage linguistique: l'acquisition de la langue par les jeunes Peuls du Diamaré*, Paris, 1971.

Eugène-André Ossette, Caractères sociologiques de l'argot lingala, in *Des langues et des villes*, Paris, Didier Erudition, 1992.

Jean Pauchard, Rhyming slang: la rime et la frime, in *Etudes anglaises*, 1981, t. 34, n° 3.

Lazare Sainéan, *Les sources de l'argot ancien*, Paris, 1912; rééd. Slatkine Reprints, Genève, 1973.

Géo Sandry et Marcel Carrère, *Dictionnaire de l'argot moderne*, Paris, Aux Quais de Paris, 1957.

Albert Simonin, *Le petit Simonin illustré*, Paris, Les Productions de Paris, 1959.

A. Van Gennep, Essai d'une théorie des langues spéciales, *Revue des études ethnologiques et sociologiques de Paris*, Paris, 1908; republications Paulet, Paris, avril 1968.

A. Youssi, Les parlers secrets, in *Linguistique et sémiotique*, Rabat, 1976.

واژه‌نامه

- antérieur	پیشین
- antilangue	ضد زبان
- aphérèse	درج آوا
- apocope	حذف آوا
- archaïsme	کهنه‌گرایی
- arrondie	گردشده
- chuintante	همخوان تفتشی
- connotation	معنی ضمنی
- consonne	همخوان
- continuum	پیوستار
- emphatique	تشدید
- énoncé	گفته / لفظ
- entrée	مدخل

- faits de langue	داده‌های زبانی
- forme	صورت
- guttural	حلقوی
- langue spéciale	زبان خاص
- lexicographe	فرهنگ‌نویس
- locuteur	گویشور
- matrice sémantique	ساختمان معنایی
- micro société	ریز جامعه
- néologisme	نوواژگی
- onomatopée	نام آوا
- paradigme	صیغگان
- périphrase	اطناب
- postérieur	پسین
- redoublement	دوگان‌سازی
- référent	مصاداق
- sémantique	معنایی / معناشناسی
- signifiant	دال
- signifié	مدلول

- socio-linguistique	جامعه‌شناسی زبان
- soliloque	تک‌گویی
- substrat	قشر زیرین
- suffixation	پسوندافرایی
- troncation	تلخیص
- typologie	رده‌شناسی
- variable	متغیر
- variante	نسخه بدل
- variationniste	دگرگون‌گرا
- voyelle	واکه

In the Name of God

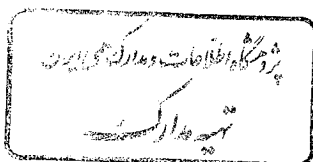
L'argot

Louis-Jean Calvet

Translated by:

Sharouz Pezeshki

Editor: Seyed Mehdi Samaei



Tehran 2009

